



میلااد سالار عقل و ایستادگی، حسین بن علی<sup>(ع)</sup>، زادروز زینت عابدان زمین در زمان، حضرت امام زین العابدین<sup>(ع)</sup> و تولد علمدار عرصه عشق و عاطفه و ایثار، ماه آسمان بنی هاشم، بر همه عاشقان شور و شرف و جوانمردی مبارک باد.

جمعیت کشور، آرام آرام پیر می شود

# نقش مطالعه در سلامت سالمندان



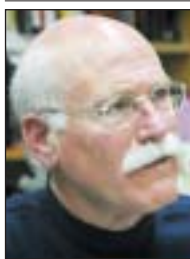
# کتابخانه

شنبه ۳ مرداد ۱۳۸۸  
۲ شعبان ۱۴۳۰، ۲۵ جولای ۲۰۰۹  
شماره ۱۹۱، پیاپی ۸۴۲  
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب  
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی  
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه  
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم  
تلفن: ۶۶۹۶۶۱۵۱-۴  
سازمان آگهی ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶  
چاپ: ایرانچاپ

www.ketabehafteh.ir



گفتگو با وولف  
نویسنده رمان  
«مدرسه قدیمی»

۲۳



سرگشته یمگان  
در نگاه  
مرد دشتستان

۲۱



هویت ایرانی  
در بطن فرهنگ  
بومی است

۱۵

پس از درگذشت دو نویسنده

## خاطرات اسماعیل فصیح و نامه های آذریزدی می آیند

کامل در ۳۶۱ صفحه نوشته شده و پنج بخش را دربرمی گیرد؛ کتاب اول تا کتاب پنجم، اسماعیل فصیح ۲۵ تیرماه در سن ۷۵ سالگی در بیمارستان شرکت نفت درگذشت.

همچنین کیکاووس بالازاده، نویسنده و مدرس دانشگاه، از انتشار نامه هایی از مهدی آذریزدی که در فاصله سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰ به وی نوشته است، در قالب یک کتاب خبر داد. وی به «اینا» گفته است: این نامه ها سرشار از اشارات به اشعار و قصه های فارسی اند که همراه با مقاله ای درباره لهجه یزد، دو بیوگرافی خودنوشت و مقاله ای درباره «کشف الاسرار» به چاپ می رسند. بالازاده در این باره توضیح داده است: اولین نامه ایشان که در سال ۱۳۵۷ نوشته شده، بیانگر وضعیت زندگی او در یزد و شرح دلنتگی هایش در این شهر کویری است. آخرین نامه نیز سرفصل وار، زندگی او را از چند زاویه کاویده است که برای خواننده بسیار جالب است. به گفته بالازاده این کتاب حدود ۱۶۰ تا ۱۷۰ صفحه است و به احتمال زیاد توسط نشر «فضا» منتشر خواهد شد.

کتاب خاطرات اسماعیل فصیح، نویسنده فقید، یک هفته پس از درگذشت او، آماده انتشار شده است، همچنین مجموعه ای از ۲۰ سال نامه نگاری های مهدی آذریزدی دیگر نویسنده فقید با دوستش کیکاووس بالازاده، به چاپ می رسد.

«خاطرات فصیح» آخرین اثر فصیح و تنها اثر منتشر نشده این نویسنده است که در سال های پایانی عمرش آن را تدوین کرده است. فرح عدالت، همسر این نویسنده در این باره به خبرنگار ایسنا گفته است: این کتاب تنها اثر چاپ نشده فصیح است که آن را با وجود ناتوانی جسمی، به اصرار برخی از دوستانش نوشت و خیلی دوست داشت تا انتشارش را ببیند؛ اما نشد. به گفته او، از فصیح کتاب ناتمامی باقی نمانده است. از سوی دیگر، به گفته علی علمی، مدیر نشر پیکان و ناشر آثار فصیح، این کتاب با عنوان «زندگی نامه من» حروفچینی شده است و در مرحله ویراستاری قرار دارد تا پس از گذراندن مراحل اداری انتشار، روانه بازار کتاب شود. کتاب یادشده به طور

سرآغاز

### می توان ساده بود

عادت کرده ایم سختگیر باشیم؛ و بی توجه به بسیاری از چیزهایی که در اطرافمان وجود دارند و انگار، به چشم نمی آیند. روزه روز، هزار هزار فراز و نشیب روزمرگی، غبار می نشاند بر دل هایمان که انگار از یاد بر دیمشان. دل و غبار، هیچ یک را اصلا نمی بینیم و باور نمی کنیم که دلمان هم مثل کتاب های غریب مانده، غبار می گیرند. کدام خانه و کتابخانه را سراغ دارید که در قفسه اش، در همسایگی قرآن و نهج البلاغه، صحیفه سجادیه رانداشته باشد؟ می توان به سادگی عادت کرد و خیلی ساده، صادقانه این صحیفه نیایش های ناب را خواند. خواند و خیلی ساده، کتاب دل را غبارروبی کرد. عادت خوبی است؛ چرا به این خوبی ها عادت نکنیم؟

۲  
سرای اهل قلم  
دوره های آموزشی  
برگزار می کند

۳  
«مرد در تاریکی»  
پل استر رسید

۴  
• هفته کتاب  
۲۳ تا ۳۰ آبان

• کتاب های  
پرفروش هفته

بر بلندای کویر  
کتابخانه و موزه موقوفه میرزا محمد کاظمینی  
و معرفی آثار مکتوب ایشان  
مجموع به صفحه ۲-۳ و ۴

یکی از کارهایی که از قراین فهمیده می شود در بین اروپایی ها معمول است و متأسفانه اینجا هیچ معمول نیست، این است که مثلاً مادران یا بزرگتران برای بچه هایشان در فرصت هایی کتاب می خوانند، یاد و نفرسه نفر آدم می نشینند، یک نفر برایشان کتاب می خواند که اینجا این کارها هیچ معمول نیست. همه که می نشینند، برای خودشان کتاب مطالعه می کنند، اگر اهل کتاب باشند، اما این که مادر یا پدر بنشینند کتابی را باز کنند، آن را بلند بلند بخوانند و بچه ها گوش کنند، این بین آنها ظاهراً معمول است اما اینجا معمول نیست!...

بیانات مقام معظم رهبری در بازدید از دهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران ۱۴/۲/۷۶

امروز در مجتمع فرهنگی غدیر صورت می گیرد

## تقدیر از پاسداران اهل قلم

مراسم تقدیر از برگزیدگان همایش پاسداران اهل قلم، امروز سوم مرداد همزمان با روز پاسدار از سوی اداره تبلیغات و فرهنگ سازمانی سپاه پاسداران اهل قلم برگزار می شود. در این همایش که فراخوان آن سال گذشته منتشر و به دلیل استقبال نویسندگان پاسدار تا اردیبهشت امسال تمدید شد ۶۰۲ عنوان کتاب در هفت رشته «فرهنگی-اعتقادی»، «پزشکی-پیراپزشکی»، «سیاسی-حقوقی»، «فنی-مهندسی»، «اجتماعی-اقتصادی»، «ادبیات» و «نظامی-امنیتی» چهارمین همایش پاسداران اهل قلم را برعهده دارند. این مراسم امروز (سوم مرداد) از ساعت ۸:۳۰ صبح تا ساعت ۱۷ در تالار غدیر به نشانی بزرگراه بسیج، خیابان تختی، خیابان شهید مطهری، میدان شهید باکری، مجتمع فرهنگی غدیر برگزار می شود.

برگزیدگان این همایش خبر داد و گفت: «شناسایی نویسندگان قوی تر، ارائه سفارش تدوین کتاب و پیش خرید آنها از جمله حمایت های اداره تبلیغات و فرهنگ سازمانی سپاه از برگزیدگان همایش پاسداران اهل قلم در این دوره خواهد بود.» وی با اشاره به معیارها و اهداف تخصصی داوری هر یک از این گروه ها، اضافه کرد: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در دوران دفاع مقدس و براساس تکلیف در جبهه های نبرد حضور پیدا کرد، اما دشمن از دهه سوم انقلاب با گسترش ناتوی فرهنگی به تهدید نرم ایران پرداخته و تلاش نویسندگان پاسدار برای حفظ فرهنگ انقلاب، از مهم ترین اهداف این نهاد شده است.»



علی شجاعی صائین، علی فیضی، غلامعلی فروغی، جواد محقق دبیر سومین دوره جایزه گام اول با ارائه توضیح زیر درباره خبر صفحه ۴ شماره ۱۹۰ کتاب هفته خواستار اصلاح آن شد.

## سرای اهل قلم دوره های آموزشی برگزار می کند

مدیر برنامه های سرای دائمی اهل قلم خانه کتاب در آستانه دومین سالروز تاسیس این سرا (ششم مرداد سال هشتاد و شش)، سازماندهی، تشکیل گروه ها و منظم تر شدن برنامه های این سراراهم ترین شاخصه برنامه های سرای اهل قلم در یک سال گذشته عنوان کرد. احسان عباسلو از برگزارای دوره های آموزشی خبر داد و گفت: «با توجه به نظر سنجی هایی که انجام داده ایم برای بالا بردن سطح کیفی برنامه ها، دوره های آموزشی مثل آموزش مکتب های ادبی، دوره های معرفی شخصیت های علمی-فرهنگی کشورمان نظیر مولوی، خاقانی، نظامی، سنایی در دستور کار قرار دادیم که نشست های مربوط به مولوی از مدتی پیش آغاز و با استقبال چشم گیری از سوی مخاطبان رویه رو شد. بررسی مباحث قرآنی، به ویژه در زمینه ادبیات

قرآنی از دیگر مواردی بود که عباسلو به عنوان برنامه های سرای اهل قلم از آن یاد کرد. وی همچنین از راه اندازی یک وبلاگ توسط طرفداران سرای اهل قلم خبر داد و باتاکید بر خودجوش بودن این حرکت از سوی آنان، از کم توجهی رسانه های خبری در پوشش اخبار مربوط به این سرا گله و تصریح کرد: «به رغم این که شخصیت های علمی بسیار مهمی در این نشست ها شرکت می کنند و مباحث بسیار جدی و مهمی در این سرا مورد بحث قرار می گیرد، اما متأسفانه رسانه های خبری چندان که باید و شاید این اخبار را پوشش نمی دهند و به طور کلی در این زمینه قدری کوتاهی می شود اخیراً گروهی از مخاطبان و دوستداران برنامه های «سرا» به طور خودجوش اقدام به راه اندازی یک وبلاگ کرده اند تا از این طریق کم کاری رسانه ها را در اطلاع رسانی برنامه ها جبران کنند.»

## توضیح دبیر جایزه گام اول درباره یک خبر

جواد محقق دبیر سومین دوره جایزه گام اول با ارائه توضیح زیر درباره خبر صفحه ۴ شماره ۱۹۰ کتاب هفته خواستار اصلاح آن شد.

با سلام  
در شماره ۱۹۰ آن نشریه مورخ ۲۷ تیرماه، خبری با تیتراژ «گزینه ۳۳ اثر در مرحله نخست جایزه گام اول» چاپ شده است که در آن از قول خانم راضیه تجار مطالبی مبنی بر گزینش ۳۳ اثر در حوزه شعر و داستان و نقد ادبی از میان یک صد اثر رسیده به جایزه گام اول و ... آمده است که صحیح نیست. به نظر می رسد آنچه مصاحبه شونده گفته مربوط به طرح «۱۰۰ اثر از ۱۰۰۰ قلم» است که انجمن قلم ایران با همکاری معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دست اجرا دارد و متأسفانه به دلیل

تشابه معنایی «نوقلم» و «گام اولی» به تسامح بر زبان مصاحبه کننده و مصاحبه شونده جاری شده و با سهل انگاری خبرنگار شمداد تنظیم اطلاعات مربوط به جایزه گام اول که قبلاً در همین نشریه چاپ شده، خلط مبحث شده و اطلاعات ۲ خبر متفاوت در هم آمیخته است!

بدینوسیله اعلام می شود که داوری جایزه گام اول هنوز شروع نشده است تا چه رسد به گزینش آثار برتر و ...

لازم به ذکر است که هرگونه اطلاع رسانی درباره این جایزه، مانند سایر موارد مشابه از سوی دبیر یا دبیرخانه منتشر می شود و موارد ذکر شده در خبر یادشده اشتباه است.

جواد محقق  
دبیر سومین دوره جایزه گام اول

**آشنایی با کتابخانه و موزه موقوفه میرزا محمد کاظمینی وابسته به آستان مقدس حضرت امامزاده جعفر (ع) یزد**

**الف) کتابخانه:**  
از دیرباز شیفتگان و تشنگان وادی علم و معرفت با دستهای به آثار مکتوب و گران سنگ دانشمندان و فرهیختگان به سرچشمه های زلال طهلیت رهنمون گردیده اند. بدینوسیله است منابع و مآخذ معتبر که محصول فکر و اندیشه بزرگمردان علم و دین در طول تاریخ بوده، سبب رشد و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی می گردد. بدون شک حفظ و سبوات از این اندوخته ها و دستاوردهای فکری و هنری در سایه همت و تلاش نگاهبانان و حافظان میراث مکتوب، که همواره در راه گسترش و اعتلای فرهنگ میهن اسلامی گام نهاده اند، بیشتر می شود. در این راستا جناب کاظمینی، مؤسس بنیاد معظم فرهنگی، پژوهشی ریخته فرسول (س) نیز با انجام این رسالت فرهنگی و اجتماعی، مجموعه ای ارزشمند از کتب علمی گوناگون بخصوص در رشته تاریخی جمع آوری که در سال ۱۳۸۷ با بیش از بیست هزار عنوان کتاب و ده هزار نشریه و اسناد مطبوعاتی در زائرین ولایت حضرت زهرا (س) به آستان مقدس امامزاده جعفر (ع) وقف نمودند.

**ب) موزه:**  
موزه کاظمینی شامل ۶ کتیبه نفیس می باشد که در زائرین ولایت حضرت زهرا (س) در سال ۱۳۸۵ ش وقف گردید که ذیلاً به شرح آن می پردازیم.  
۱. کتیبه اسناد و نسخ خطی  
کتیبه اسناد و نسخ خطی، شامل چهل هزار سند ارزشمند خطی، هزاران نسخه خطی و هزاران نسخه چاپ سنگی است. کهن ترین نسخه این کتیبه، تعدادی قرآن مجید با قدمت هفتصد سال است. پس از آن نسخی از نوحه نوح هجری به بعد، چون نسخه الکبیر جاسنی و کتبات سندی اریسته به تصویرهای مینیاتوری زیبا، دیوان حافظ به سفارش سلطان فریدون حسین میرزا باقر، جام جم ارحمدی مراغه ای، فرهاد و شیرین وحشی سلفی و بخشی از فرستادست همچنین طومار سیرشش مثنوی شیرزاده آیم تا نظام (ع) و سینه نامه ابوالفضل عریضی یزد و اسفهان با قدمت حدود صد سال از نسخه های منحصر به فرد کتیبه به شمار می آید. فراسن های حکاکی، عهدنامه های تاریخی، کتابخانه ها، وقف نامه ها و ارمیه مختلف از دیگر اسناد موجود در این کتیبه است.

**رجوع به صفحه ۳**



# نخستین ترجمه از «مرد در تاریکی» پل استر منتشر شد



ترجمه الهه دهنوی از رمان «مرد در تاریکی» اثر پل استر، توسط انتشارات مروارید منتشر شد. ترجمه دیگری از همین رمان زیر چاپ است.

استر در این کتاب ماجرای مردی تنها و منزوی به نام «آگوست بریل» را نقل می کند که همراه دختر رهانشده توسط شوهرش، در ورمونت آمریکا زندگی می کند. همسر آگوست چند سال پیش مرده است. ماجرای کتاب از خوابی می پرد و در مورد یک داستان خیال پردازی می کند. او در خیالش آمریکای دیگری را تصور می کند که هیچ شباهتی با آمریکای امروزی ندارد. در آمریکای خیالی این پیرمرد، برج های تجارت جهانی هرگز خراب نشده اند و آمریکا هرگز به عراق لشکر کشی نکرده است. آگوست بریل هفتاد و دو ساله که شب ها گرفتار بی خوابی است و هجوم خاطرات تلخ گذشته لحظه ای رهاش نمی کند، به قصه گفتن پناه می برد. داستان او درباره مردی است به نام اون که باید آمریکا را نجات دهد، اما نه آن آمریکایی

که مامی شناسیم بلکه آمریکایی که درگیر جنگ داخلی است. ترجمه دهنوی از این رمان را انتشارات مروارید با شمارگان ۱۶۵۰ نسخه و قیمت ۳۰۰۰ تومان منتشر کرده است. نسخه اصلی این کتاب در ماه سپتامبر سال گذشته میلادی با نام «Man in the Dark» در ۱۹۲ صفحه منتشر شده است. ترجمه فارسی خجسته کیهان از همین رمان نیز زیر چاپ است و از سوی انتشارات افق منتشر می شود. وی نام «مردی در تاریکی» را برای این کتاب برگزیده است. این ترجمه ۸۰ صفحه چاپی

## افتتاح بزرگ ترین فروشگاه کتاب الکترونیکی آن لاین جهان

فروشگاه، قابل دسترس بودن آن، حتی از دورترین کشورهاست. وجود بیش از ۷۰۰ هزار عنوان کتاب در این فروشگاه تازه تأسیس، آن را به یکی از کم نظیرترین فروشگاه های الکترونیکی ساخته شده توسط وبسایت های مختلف تبدیل کرده است. پیش از این، وبسایت آمازون، فروشگاه کتاب الکترونیکی را با ۳۰۰ هزار عنوان کتاب در سال ۲۰۰۷ راه اندازی کرده بود. در سال های اخیر وبسایت های بسیاری برای جذب خوانندگان کتاب الکترونیکی با یکدیگر رقابت کرده اند. فروشگاه بزرگ کتاب الکترونیکی سونی یکی دیگر از رقابت کنندگان برای جذب علاقه مندان به خواندن کتاب الکترونیکی بوده است.

بزرگ ترین فروشگاه کتاب الکترونیکی آن لاین در دنیا با بیش از ۷۰۰ هزار عنوان آغاز به کار کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، این فروشگاه توسط یکی از وبسایت های بزرگ آمریکا که بارنز و نوبل نام دارد، راه اندازی شده است. یکی از مدیران وبسایت بارنز و نوبل می گوید: «فروشگاه کتاب الکترونیکی آن لاین شرایط خواندن کتاب های الکترونیکی را برای خوانندگان آسان تر می کند. هدف اصلی راه اندازی این فروشگاه، دسترسی آسان به کتاب های الکترونیکی برای همه علاقه مندان به خواندن کتاب از طریق اینترنت عنوان شده است.» یکی از مسوولان فروشگاه کتاب الکترونیکی آن لاین می گوید: یکی از ویژگی های این

## ربع قرن دفاع مقدس برگزیدگان خود را شناخت

برگزیدگان و نفرات شایسته تقدیر در پانزده رشته جشنواره ربع قرن دفاع مقدس از جمله ترجمه، خاطره، زندگینامه داستانی، زندگینامه غیرداستانی، جنگ، نثر ادبی، شعر، پژوهش های نظامی، سیاسی - حقوقی، عکس، نامه ها، وصیت نامه ها و پژوهش های اجتماعی و تاریخی مشخص شدند. هنوز نامی از یکی از بخش های این جشنواره (رمان) در میان رشته هایی که داوری آنها تمام شده به چشم نمی خورد که این به دلیل شروع دیرهنگام داوری در این بخش توسط هیأت ارزیاب بوده است. براساس آیین نامه جشنواره ربع قرن دفاع مقدس هر رشته می تواند یک اثر برگزیده و دو اثر تقدیری داشته باشد اما بنا بر گزارش برخی از رسانه ها تاکنون در بخش قابل توجهی از رشته ها اثر یا آثاری به عنوان برگزیده شناخته نشده و اکثر آثار برتر حائز نشان تقدیری شده اند. یک سوم کل آثاری که در گردونه داوری جشنواره ربع قرن دفاع مقدس قرار دارند، مربوط به بخش «خاطره» اند که داوری آن اوایل تیرماه گذشته انجام شد.

## از سوی اتحادیه اروپا و کنگره آمریکا

### کتاب گوگل بررسی می شود

اتحادیه اروپا و کنگره آمریکا برای بررسی تاثیرات احتمالی قراردادهای کتاب گوگل بر بازار کتاب اروپا و آمریکا، با نمایندگان این شرکت دیدار می کنند. به گزارش لس آنجلس تایمز، شیوه قراردادهای گوگل با ناشران و نویسندگان و تصمیم این سایت جست و جوگر برای انتشار مجانی کتاب های بدون کپی رایت و قدیمی، در چند ماه اخیر باعث ایجاد برخی شبهه ها شده است. در اوایل این ماه، وزارت دادگستری ایالات متحده دستور تفحص درباره پیامدهای بالقوه تصمیمات و قراردادهای کتاب گوگل را صادر کرد. سازمان های غیردولتی نیز ابراز نگرانی کرده اند که چنین قراردادهایی قدرت نفوذ گوگل را در بازار کتاب دیجیتال بیش از اندازه زیاد کند. طبق قرارداد سال گذشته گوگل با صنف نویسندگان و اتحادیه ناشران آمریکا، این کمپانی می تواند دسترسی به کتاب های قدیمی و خارج از چاپ را به صورت مجانی برای کاربران اینترنت ممکن سازد. همچنین گوگل می خواهد کتابخانه آن لاینی راه اندازی کند که سایر کتابخانه ها و موسسه های تحقیقاتی، هر سال با پرداخت مبلغی امکان دسترسی به این منبع را داشته باشند.

### کنجینه تکین، مهر و اشیاء تاریخی



#### ۵. کنجینه کبریوت:

در گذشته کورکر، را کبریوت می نامیدند و در معنای امروزی به چوب کوچک و بیاریکی گفته می شود که در نوک آن کورکر باشد. کبریوت در زندگی عامه مردم با قیمتی ناازل در دسترس قرار می گیرد و از نظر مادی ارزش چندانی ندارد، اما آنچه حائز اهمیت است، گاهی است که می توان به مجموعه گردآوری شده از کبریوت های مختلف داشت. جمع آوری هشت هزار کبریوت مربوط به هشتاد سال پیش تاکنون و تأسیس کنجینه های منحصر به فرد که به تنهایی موزه های بزرگ برای ایران خواهد بود.



#### ۶. کنجینه تعمیر:

تعمیر نمادی از دیدگاه، فرهنگ و گواهی بر رویدادهای اجتماعی یک جامعه است. تعمیرها را می توان از نظر نوع رنگ، کلاف، حلقه، خطوط، موضوع ها و... مورد بررسی قرار داد. به منظور انجام امور پژوهشی و ایجاد کنجینه تعمیر، تهیه مجموعه کاملی از تعمیرهای ایران قبل از انقلاب و بعد از انقلاب با جمع ۲۸۰۰۰ تعمیر و خرید تعمیرهای جدید، پس از هر بار انتشار ادامه دارد بخشی از این کنجینه اختصاص به تعمیرهای خارجی دارد.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
WWW.Kazemini.com  
پرهیزان خنجران اصفهان  
تلفن: ۹۳۳۵۸۲۱۱ - ۰۲۱-۸۱۳۵

رجوع به صفحه ۴

### ۲. کنجینه سکه و اسکناس:

مجموعه سکه های این موزه از غنی ترین مجموعه های سکه ایران است که به صورت علمی و تاریخی تهیه شده است. سکه های موجود در میان مجموعه سکه ها، از شاهکارهای هنر ایران باستان محسوب می شوند، به گونه ای که در میان آنها سکه هایی از دوران هخامنشیان، مقدونی (اسکندر مقدونی)، سلوکیان (حکومتی غیرایرانی)، اشکانیان و ساسانیان، همچنین حکومت های محلی ایرانی، مانند: پارس، ایلامی، خراسان و نیز حکومت های اسلامی، چون: اموی، عباسی و دیگر سلسله های ایرانی - اسلامی، چون: سامانیان، آل بویه و... و حکومت های معاصر، مانند: صفویه، افشاریه، قاجاریه، زنده و پهلوی به چشم می خورد. همچنین وجود سکه های مختلف ضرب شده در شهر نارعماده یزد و سکه بسیار زیبا و ارزشمند وابعدی علمی بن موسی قرظی (راه غنای موزه مذکور را دو چندان کرده است. این موزه نمایشگر اوج غرور و عظمت ایرانیان است.



### ۳. کنجینه عکس:

عکس های تاریخی، بزرگترین تئین کننده رخدادها و حوادث و معرف چهره ها، صنوف و طبقات اجتماعی هر دوره ای است. عکس از برخی از متون تاریخی موثرتر است؛ چرا که در مورد متون بیم تحریف می رود، اما چنین شبیهی در مورد عکس وجود ندارد. در این کنجینه می توان عکس تاریخی نگهاری نهاد.



### ۴. کنجینه تکین، مهر و اشیاء تاریخی:

نگارها و عقیقه مذهبی در موزه فضیلت استفاده از هر کدام از آنها، چون: باقرت، زمرت، کن حقیق، بیروزه و... و نقش های مختلف تکین ها، مانند: انان باغ امیر، العزله، الفلک و... همچنین عقیده به خالصیت بر مبنای سنگها ارزش این آثار را در پژوهش های مردم شناسی دو چندان نموده است. مهرهای تجاری ایران در دوره قاجاریه از دیگر اشیای ارزشمند این مجموعه محسوب می شوند. طرف ضروری و دژ طلوی و ظروف دیگر، با نقش و نگارهای متنوع از جمله دیگر آثار کنجینه مذکور هستند.

حوزه‌های ادبیات، فلسفه، روان‌شناسی، دین، هنر و علوم اجتماعی از جمله حوزه‌های موضوعی پرفروش پیشخان کتابفروشی‌ها در هفته گذشته بودند. در بخش فلسفه مجموعه کتاب‌های «آشنایی با فلاسفه» اثر پل استراتن از جمله «آشنایی با جان لاک» با ترجمه فریدون فاطمی؛ «آشنایی با ارسطو» ترجمه شهرام حمزه‌ای و «آشنایی با هگل» ترجمه مسعود اولیا از نشر مرکز، همچنین کتاب «تاریخ و فلسفه علم» اثر لوئیس ویلیام هری هال با ترجمه عبدالحسین آذرنگ از انتشارات سروش از پرفروش‌های حوزه فلسفه بودند. در بخش ادبیات علاوه بر کتاب «من گنجشک نیستم» اثر مصطفی مستور از نشر مرکز که همچنان در فهرست کتاب‌های پرفروش قرار دارد، کتاب‌های «منطق الطیر» و «مصیبت‌نامه» عطار با تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی از انتشارات سخن، «یکی بود یکی نبود» اثر محمدعلی جمالزاده از نشر سخن و «تنفس صبح» سروده قیصر امین‌پور از انتشارات سروش از جمله آثار پرفروش ادبی در هفته گذشته بودند. در بخش روان‌شناسی «استادان بسیار، زندگی‌های بسیار» و «تنه‌اشق حقیقت دارد» اثر برایان الی وایس با ترجمه زهره زاهدی از انتشارات جیحون؛ «لطفاً گوسفند نباشید» اثر محمود نامن از انتشارات نامن و «از دولت عشق» اثر کاترین یاندر با ترجمه گیتی خوشدل از نشر پیکان مورد استقبال مخاطبان کتاب‌های روان‌شناسی قرار گرفتند. انتشارات سروش نیز در هفته گذشته در سه حوزه دین، هنر و ارتباطات و علوم اجتماعی بیشترین فروش را داشته از جمله در حوزه دین دو کتاب «طریق عملی تزکیه (۲)» و «حضرت بقیه‌الله» اثر آیت‌الله محمد شجاعی؛ در بخش هنر کتاب «زبان تصویر» اثر جنورگی کپس با ترجمه فیروزه مهاجر؛ «شیوه طراحی» اثر محسن وزیر مقدم؛ «نقش و نگارهای ایرانی برای هنرمندان و صنعتگران» گردآورده علی دولتشاهی و «مبادی سواد بصری» اثر دونیس ا. داندیس با ترجمه مسعود سپهر.

# هفته کتاب؛ ۲۳ تا ۳۰ آبان

قبادی در ادامه تأکید کرد: «تدوین سند ملی «طرح جامع کتاب و کتابخوانی»، با هدف ایجاد ارتباط کتاب و کتابخوانی بین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان‌های دیگر، از دیگر برنامه‌های این وزارتخانه است.»



در ادامه نخستین جلسه اعضای ستاد برگزاری هفدهمین دوره هفته کتاب، محمد خیرخواه، معاون اطلاع‌رسانی سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، اظهار داشت: «حضور جدی‌تر ستاد‌های استانی برگزاری هفته کتاب و برنامه‌ریزی دقیق آنها، برپایی شانزدهمین دوره کتاب سال دانشجویی و بیش از بیست برنامه، توسط سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی برای هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده‌اند.»

محسن عموشاهی، نماینده سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تهران، محمد حق‌بین، عضو انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان، محمد نقیعی، مدیر کتابخانه‌های ارتش، موسوی زاده، نماینده سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، رقیه نعمتی، نماینده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، محمدرضا عبدالملکیان، مدیرعامل دفتر شعر جوان و ابوالفضل هاشمی، نماینده ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد نیز به تشریح برنامه‌های خود به مناسبت هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران پرداختند.

محمد الهیاری، دبیر هفدهمین دوره هفته کتاب گفت: دومین جلسه اعضای ستاد برگزاری هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، دوشنبه دوازدهم مرداد جاری برگزار خواهد شد. در پایان این جلسه، اعضای شانزدهمین دوره هفته کتاب مورد تقدیر قرار گرفتند.

محمد الهیاری، دبیر هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، در پایان نخستین جلسه اعضای ستاد برگزاری این مراسم گفت: «بیست و سوم تا سی‌ام آبان ماه، به عنوان هفته کتاب در نظر گرفته شده است. تجهیز مراکز ماندگاری کتابخانه‌های زندان‌ها و دانشگاه‌ها و بالابردن سطح کیفی آنها، گام بلندی در جهت توسعه و ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی از برنامه‌های مهم هفته کتاب عنوان شده است.»

نخستین جلسه اعضای ستاد برگزاری هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، (سی‌ام تیرماه) با حضور محسن پرویز، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمد الهیاری، دبیر این دوره از هفته کتاب و نمایندگان نهادهای دولتی، در سالن اجتماعات ساختمان فجر وزارت ارشاد برگزار شد.

معاون فرهنگی وزیر ارشاد، در آغاز این جلسه از زحمات محمد حسن فکری، دبیر شانزدهمین دوره هفته کتاب تشکر کرد و گفت: «دوره گذشته هفته کتاب، با همکاری نهادهای دولتی و خصوصی و برنامه‌ریزی کامل و دقیق برگزار شد.»

وی با تأکید بر لزوم افزایش کیفی فعالیت‌های فرهنگی هفته کتاب، افزود: «تجهیز مراکز ماندگاری کتابخانه‌های زندان‌ها و دانشگاه‌ها و بالابردن سطح کیفی آنها، گام بلندی در جهت توسعه و ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی از برنامه‌های مهم هفته کتاب خواهد بود.»

محسن پرویز، خاطر نشان کرد: «امیدواریم با تأمین و رفع مشکلات اعتباری دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف، موانع آماده‌سازی و برگزاری طرح‌های آنان را رفع کنیم.»

همچنین در این جلسه حمید قبادی، مشاور معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تصریح کرد: «بر اساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی، هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، آبان هر سال با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و آموزش و پرورش برگزار می‌شود. البته به استناد بند «ی» ماده صد و چهار قانون برنامه چهارم، همه دستگاه‌ها و مراکز دولتی باید نیم درصد از اعتبارات خود را به منظور ارتقای فضائل اخلاقی کارکنان، به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی اختصاص دهند.»

وی اضافه کرد: «ایجاد ارتباط بین معاونت‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مانند معاونت سینمایی با هفته کتاب، از دیگر اهداف این وزارتخانه به شمار می‌رود.»

## www.ibna.ir

### در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نشانی اینترنتی (www.ibna.ir)، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجوی پیشرفته» در «ایبنا» به شما امکان دست‌یابی به مطالب بیشتر را هم می‌دهد.

#### همینگوی ۱۱۰ ساله تا نویسنده جاسوس

خبرنگاران گروه بین‌المللی خبرگزاری کتاب هفته گذشته گزارش‌هایی به مناسبت صد و دهمین سالروز تولد ارنست همینگوی، برنده آمریکایی نوبل ادبیات و خیریهایی از تازه‌ترین کتاب‌های نویسندگان غیرایرانی منتشر کرده‌اند. از جمله خبری که به نقل از یک زبان‌شناس آمریکایی، والتر کمپوسکی، نویسنده سرشناس آلمانی رابه عنوان جاسوس آمریکا در زمان جنگ جهانی دوم معرفی کرده است. همچنین گزارشگران «ایبنا» خبر درگذشت اسماعیل فصیح و بازتاب آن در وبلاگ‌های فارسی زبان را گزارش کرده‌اند. این گزارش نشان می‌دهد شاعران و نویسندگان وبلاگ‌نویس در هفته گذشته به مطالبی درباره خبر برگزاری یادبود قیصر امین‌پور، یادی از اسماعیل فصیح، ذکر چند سروده جدید، درباره نگاهی به چند مجموعه شعر و گزارش برگزاری یک نشست پرداخته‌اند.

#### جای خالی فصیح و تولستوی ایرانی

بخش «یادداشت روز» خبرگزاری کتاب که روزانه یادداشتی را از خانواده کتاب دوستان به دید مخاطبان خود می‌گذارد هفته قبل یادداشت‌هایی را از علی غیثانی ندوشن، مدیر کل امور مشارکت‌ها و شهرداری‌های نهاد کتابخانه‌ها، دکتر اسفندیار اختیاری، نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی، نجمه شمس، خبرنگار کتاب، مهدی قربانی، نویسنده و پژوهشگر، مدیر مسوول انتشارات قاف مشهدالرضاع) و بابک طیبی، خاطره و داستان‌نویس را برای انتشار برگزید.

غیثانی ندوشن از مهدی آذریدی، نویسنده فقید

#### عکس‌های کتابی

عکاسان «ایبنا» هفته گذشته، مراسم ضیافت اهل قلم در هتل لاله تهران، مراسم یادبود هموطنان ارمنی جان‌باخته در حادثه سقوط هواپیما، مراسم تشییع پیکر اسماعیل فصیح و مراسم رونمایی برده‌بوصیری به قلم علاءالدین تبریزی را با زبان تصویر گزارش کرده‌اند.

#### اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته تحولات کتابی و اخبار آمار انتشار کتاب در حوزه‌های مختلف در ایران، مهم‌ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان، گزارش نشست‌های سرای دانمی اهل قلم و انتشار تازه‌ترین کتاب‌های ترجمه شده به فارسی از نویسندگان غیر ایرانی را به گوش جهان انگلیسی‌زبان رساند.

### تألیفات

- آقای میرزا محمد کاظمینی صاحب ۲۶ اثر مکتوب است که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:
- ۱- موسوعه علی بن موسی الرضا (ع) - ۶ جلد - (در حال انتشار)
  - ۲- دانشنامه فقهای شیعه (در یکصد سال اخیر) - ۲ جلد
  - ۳- دانشنامه انچه جمعه سراسر کشور - ۲ جلد - ۱۳۸۴ ش
  - ۴- دانشنامه مفخر بزد (ویژه عالمان دینی) - ۲ جلد - ۱۳۸۲ ش
  - ۵- دانشنامه مشاهیر بزد - ۳ جلد - ۱۳۸۲ ش
  - ۶- دانشنامه مشاهیر و مفخر دامغان - ۲ جلد - ۱۳۸۲ ش
  - ۷- تدبیر پارسانی - ۱۳۷۸ ش
  - ۸- ریحانه الرسول (س) - در مکتوب خزانه عرض الهی - ۱۳۸۴ ش (ریحانه ۱)
  - ۹- کیمیای امروز - ۱۳۷۸ ش - (ریحانه ۲)
  - ۱۰- فرهنگسازی در دوران امروز - ۱۳۸۱ ش - (ریحانه ۳)
  - ۱۱- خط در امپراطوری ایران - ۱۳۸۵ ش - (ریحانه ۴)
  - ۱۲- زندگینامه استاد احمد گرمی - ۱۳۸۴ ش - (ریحانه ۵)
  - ۱۳- زندگینامه آیت ا. شیخ محمود فرساد اردکانی - ۱۳۸۴ ش - (ریحانه ۶)
  - ۱۴- حجرالاسود - ۱۳۸۰ ش - (ریحانه ۷)
  - ۱۵- نخل - ۱۳۸۱ ش - چاپ دوم ۱۳۸۷ ش - (ریحانه ۸)
  - ۱۶- کعبه - ۱۳۸۷ ش - (ریحانه ۹)
  - ۱۷- زندگینامه استاد حسین و شهید حمید دانشجو - ۱۳۸۷ ش - (ریحانه ۱۰)
  - ۱۸- معارفی از قرآن و سنت - ۱۳۸۷ ش - (ریحانه ۱۱)
  - ۱۹- واعظ شهر ما - ۱۳۸۷ ش - (ریحانه ۱۲)
  - ۲۰- دیوان ناصر - (ریحانه ۱۳)
  - ۲۱- بزد دیروز (تاریخ ۸۰ ساله بزد) دست نوشته دکتر گلشن - ۱۳۸۴ ش
  - ۲۲- تصحیح، تشریح و انتشار کتابهای: هدایة المسترشدين، ترجمه نماز، سی بحث در اصول دین، و تفسیر مفتاح علوم القرآن، از آثار آیت ا. حاج شیخ غلامرضا یزدی (فقیه خراسانی)
  - ۲۳- فهرست مجموعه اسناد و نسخ خطی (۸ جلد)
  - ۲۴- اسناد مطبوعاتی (۱۳۵۸-۱۳۰۴ ه. ش.) - ۲ جلد

#### مراکز بخش:

تهران - میدان انقلاب - ابتدای آزادی - پاساژ ایران - طبقه سوم - انتشارات پایک  
 تلفن: ۶۶۹۲۷۶۱۷  
 بزد - خیابان امام - کتابفروشی نیکوروش  
 تلفن: ۶۲۴۴۶۹۹ - ۳۵۱  
 بزد - خیابان قیام - انتهای کوچه امامزاده جعفر (ع) - دفتر مرکزی بنیاد ریحانه الرسول  
 تلفن: ۶۲۲۲۵۸۲ - ۳۵۱ - فکس: ۶۲۲۲۹۶۲ - ۳۵۱ - WWW.Kazemeini.com



# ورق‌هایی که «هنگ» می‌کنند



انتشار کتاب‌های علوم رایانه در سال‌های اخیر با توجه به گسترش این علم در کشور و گرایش‌های مختلف آن، سیر صعودی داشته است، به طوری که گاهی کتاب‌های منتشر شده در برخی موضوعات این رشته، بیش از نیاز مخاطب و البته در بعضی رشته‌ها، محدود بوده و دانشجو به ناچار به برخی کتاب‌های کم کیفیت بسنده کرده است.

در چنین وضعیتی، کتاب‌های به اصطلاح بازاری نیز به مرور وارد صحنه می‌شوند و با ترجمه‌هایی نه چندان مناسب و تالیف‌هایی غیر استاندارد، به دست مخاطبان می‌رسند.

## نویسنده غیر متخصص

ویرایش‌های متفاوت از یک کتاب در کنار موضوعاتی نظیر ضعف در تولید محتوا و مطالب ارائه شده، انتخاب کتاب برای مخاطبان را دشوار کرده است. اغلب افرادی که برای ترجمه آثار دست به قلم شده‌اند، کسانی‌اند که تنها، یا مترجم‌اند و با علم رایانه آشنایی ندارند یا مهندسانی‌اند که با شیوه‌های صحیح کتاب‌نویسی آشنا نیستند و خوانندگان را با مشکلات مختلفی روبه‌رو می‌کنند.

وجود کتاب‌های مختلف از یک عنوان و با ترجمه‌های متفاوت، از بزرگ‌ترین مشکلات موجود در نشر کتاب‌های فنی و حرفه‌ای خصوصاً رایانه‌اند. رییس هیأت مدیره انجمن فرهنگی ناشران دانشگاهی در این زمینه معتقد است: «برخی از ناشران، زمانی که نرم‌افزار جدیدی وارد بازار می‌شود، حتی اگر این نرم‌افزار نسخه آزمایشی باشد، با ترجمه راهنمای نرم‌افزار (Help) اقدام به انتشار این کتاب می‌کنند و به نوعی بازار کتاب‌های آموزشی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند.»

محمدرضا زارع ادامه می‌دهد: «متأسفانه در حوزه فنی و حرفه‌ای، کار درخور توجهی صورت نگرفته و در حوزه رایانه ضعف بسیاری وجود دارد که علت آن

باید تلنگری به ناشران و نویسندگان این حوزه وارد آید تا شاهد تغییر روش در این حوزه باشیم.»

## پزشکی رایانه!

مدیر مسوول انتشارات «آریاپژوه»، یکی از ناشران تخصصی کتاب‌های رایانه، در این زمینه معتقد است: «در حوزه رشته‌های فنی و حرفه‌ای نیز باید مانند رشته پزشکی عمل شود، بدین صورت که دانشجویان پس از تحصیل در دانشگاه‌ها، علاوه بر مباحث تئوری، به موضوعات علمی نیز بپردازند.»

امیرحسین رضوی ادامه می‌دهد: «پزشکان معمولاً پس از چهار سال درس تئوری، سه سال نیز به صورت عملی آموزش می‌بینند و در این زمینه، دانشجویان رشته رایانه نیز باید پس از آموزش دانشگاهی، تحت آموزش‌های عملی قرار گیرند.»

وی به راه‌اندازی هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش اشاره می‌کند و می‌گوید: «دانش‌آموزان

سرعت تغییرات منابع این کتاب‌هاست.»

زارع، مدیر مسوول انتشارات «نص» در این باره می‌گوید: «در برخی از حوزه‌ها، ایرانیان از تکنولوژی روز برخوردار نیستند و با مشکلاتی از قبیل کهنگی کتاب روبه‌رویم. کتاب‌های قدیمی، دیگر پاسخگوی نیاز مخاطبان ما نیستند.»

وی، به روز نبودن کتاب‌های این حوزه را به نفع دانشجویان نمی‌داند و می‌گوید: «دانشجویان پس از مطالعه کتاب‌های آکادمیک و دانشگاهی و ورود به بازار کار، با نوعی تناقض روبه‌رو می‌شوند. علم، روزبه‌روز در حال پیشرفت و ترقی است، درحالی‌که اگر دانشجو با این تغییرات همراه نباشد، در دنیای کار با مشکلات بسیاری روبه‌رو می‌شود.»

زارع، راه حل این موضوع را ایجاد چالش و دغدغه رسانه‌ای در این زمینه می‌داند و می‌افزاید: «معتقدم پس از سال‌ها فعالیت و نگارش کتاب در این زمینه،

## گزارشی درباره کتاب‌های گویا و کاربرد آنها در جامعه

# کتاب‌های سخنگو

آزاده سیدین

کتاب‌های دیجیتال به دو روش تهیه می‌شوند. ما می‌دانیم که گروهی از کتاب‌های دیجیتال از ابتدا تولید می‌شوند و بخشی دیگر از روی نسخه‌های سنتی آنها دیجیتال می‌شوند. درباره کتاب‌های صوتی هم وضعیت همین‌طور است که می‌توان سخنرانی یک فرد در یک نشست تخصصی یا غیر تخصصی را ضبط کرد یا متن یک کتاب مکتوب را خوانده و پس از ضبط تبدیل به یک کتاب گویا کرد. البته ممکن است هزینه تهیه این نوع کتاب‌ها در مقایسه با نوع سنتی آن گرانتر باشد اما فقط یک بار اتفاق می‌افتد و می‌توان به تعداد زیاد از کتاب تهیه و تکثیر کرد و در اختیار همگان قرار داد.»

دکتر زین العابدینی با بیان این مطلب که در کشور ما هم کتاب‌های گویا موجودند می‌افزاید: «این نوع کتاب‌ها را می‌توان در کتابخانه آیت‌الله‌خامنه‌ای در قم، کتابخانه حسینیه ارشاد، کانن پرورش فکری کودکان و نوجوانان و ... یافت. البته این کتاب‌ها به صورت عام و گسترده تولید نشده و در اختیار همگان قرار نمی‌گیرد.»

وی درباره کتاب‌های گویای تخصصی این‌گونه سخن می‌گوید: «در نمایشگاه کتاب امسال متوجه شدم دلوخ فشرده در زمینه کتابداری و اطلاع‌رسانی

کتاب‌های گویا در مقایسه با کتاب‌های مکتوب ویژگی‌هایی دارند که محسن حاجی‌زین‌العابدینی به بعضی از آنها اشاره می‌کند و می‌گوید: «گوش دادن به کتاب‌های گویا که حجم زیادی را اشغال نمی‌کنند به فرد کمک می‌کند تا در شرایط خاص مثل مسافرت یا ترافیک از نعمت مطالعه بهره‌مند شود. همچنین در این روش می‌توان یک کتاب را چندین بار از ابتدا تا آخر مطالعه کرد، بدون آن‌که چشم آسیبی ببیند. تجربه نیز نشان داده است، شنیدن کتاب‌های گویا در مقایسه با کتاب‌های مکتوب، زمان کمتری لازم دارد.»

وی در ادامه می‌افزاید: «بسیاری از کتاب‌های گویا در پایگاه‌های اینترنتی مختلف مثل سایت کتابخانه گویای ظهر جمعه، رادیو کالج و یاسایت‌های دیگر موجودند که قابلیت دانلود شدن دارند. سپس فایل‌های صوتی در قالب‌های مختلف مثل لوح فشرده، موبایل player3 mp3 قابل انتقال‌اند. این کتاب‌های گویا آثار نویسندگان بزرگی مثل جلال آل احمد، صمد بهرنگی، دکتر علی شریعتی و ... را شامل می‌شود.»

دکتر زین العابدینی روش تهیه کتاب‌های گویا را دو نوع می‌داند و می‌گوید: «کتاب‌های صوتی همانند

کتاب‌های گویا یا شنیداری از جمله کتاب‌هایی‌اند که به دلیل کاربرد فراوان در کتابخانه‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند. این نوع کتاب‌ها از روی نسخه مکتوب کتاب‌های چاپی تهیه می‌شوند. معمولاً افرادی از کتاب‌های گویا استفاده می‌کنند که قادر به خواندن کتاب‌های کاغذی نیستند و به واسطه شنیدن از نعمت مطالعه بهره‌مند می‌شوند. اگرچه نابینایان بخش اعظم کاربران کتاب‌های گویا را تشکیل می‌دهند، اما استفاده کنندگان این نوع کتاب‌ها به نابینایان محدود نمی‌شود.

دکتر محسن حاجی‌زین‌العابدینی، مسئول کمیته آموزش انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران در این باره می‌گوید: «با یک تجربه شخصی متوجه شدم مجموعه‌های شنیداری و کتاب‌های گویا علاوه بر نابینایان می‌تواند برای افراد مختلف نیز کاربردهای فراوانی داشته باشد. زمانی که وسیله نقلیه شخصی نداشتم و از اتوبوس و مترو برای تردد استفاده می‌کردم با توجه به علاقه شدید به مطالعه، همیشه از فرصت رسیدن به مقصد استفاده می‌کردم و کتاب می‌خواندم. با خریدن ماشین این مشکل ایجاد شد که چطور می‌توانم هنگام رانندگی مطالعه کنم! از کتاب‌های قصه‌ای که به صورت صوتی برای کودک دو ساله‌ام تهیه می‌کردم و در ماشین گوش می‌داد، نیز خودم بارها و بارها به قصه‌ها گوش می‌دادم و از آنها لذت می‌بردم. این فکر به ذهن رسید که ما بزرگ‌ترها هم می‌توانیم تا منزل یا حتی محل کار، مسافرت و زمانی که امکان مطالعه کتاب‌های مکتوب را نداریم، به فایل صوتی آنها گوش دهیم.»

در این مقطع تا حدودی با آموزش‌های عملی آشنا و از کتاب‌های درسی بهره‌مند می‌شوند اما در دانشگاه، کتاب‌ها و برنامه‌ها تغییر می‌کنند و تعدد کتاب‌های رایانه‌ای، موجب سردرگمی مخاطبان دانشجوی می‌شود. رضوی، برخی کتاب‌های این حوزه را مناسب نمی‌داند و می‌گوید: «نویسندگان این حوزه محدودند و با توجه به این که محتوای آموزشی نیز در این زمینه با کمبود روبه‌روست، ضرورت دارد تغییری جدی از سوی ناشران، نویسندگان، مترجمان و استادان این حوزه انجام شود.»

وی همچنین به برخی از کتاب‌های بازاری در این حوزه اشاره می‌کند و می‌افزاید: «کتاب‌های رایانه گاهی در برخی از رشته‌ها بیش از نیاز بازار است و این موضوع موجب می‌شود در بعضی از موضوعات به اغنا برسیم. در عین حال در برخی موضوعات، گاهی تنوع کتاب چنان محدود است که مخاطب در تهیه کتاب مورد نظرش، سرگردان می‌شود.»

رضوی، همچنین درباره لزوم به‌روزرسانی کتاب‌های این حوزه می‌گوید: «روال ترجمه در ایران به سه صورت متفاوت است؛ نخست این که مترجم منتظر نسخه‌های اصلی کتاب‌ها، دوم این که برخی از مترجمان برای ترجمه از راهنمای نرم‌افزار یا برنامه استفاده می‌کنند و سوم این که بسیاری از نویسندگان و مترجمان از روش ارتقاسازی برای کتاب‌های خود بهره می‌برند و با هر ویرایش جدید، آنها را به‌روز می‌رسانند.

واقعیت این است که وضعیت تالیف، ترجمه و انتشار کتاب‌های حوزه رایانه با آنچه انتظار می‌رود، یعنی پیشرفت سریع علم رایانه، همراه نیست و در برخی موارد کتاب‌سازی جایگزین انتشار کتاب‌های نفیس و کاربردی می‌شود؛ آن هم در رشته‌ای که نیازمند کتاب‌های به‌روز است تا مخاطبان آنها بتوانند پس از مطالعه، در بسیاری از موارد به صورت دستورالعملی کاربردی از آنها استفاده کنند.

عرضه شده که هر دو کتاب‌های گویا بودند. این کتاب‌ها که به موضوع‌های تخصصی مرجع‌شناسی و مجموعه‌سازی در رشته اطلاع‌رسانی و کتابداری اختصاص داشتند، بسیار مورد استقبال بازدیدکنندگان قرار گرفتند. به نظر من مزیت کتاب‌های تخصصی گویا این است که استادان دانشگاه‌ها با شنیدن مطالب درسی قبل از شروع کلاس می‌توانند مطالب مورد نظرشان را مرور کنند، همچنین دانشجویان قبل از امتحان در مسافرت یا مسیر تا محل امتحان، می‌توانند مطالب درسی مورد آزمون را بشنوند.»

دکتر زین العابدینی در پاسخ به این سوال که آیا همه حوزه‌های تخصصی مثل فیزیک و شیمی هم می‌توانند کتاب گویا داشته باشند، می‌گوید: «منابع درسی که دارای موضوع‌های محاسباتی‌اند، باید کتاب گویایشان همراه با متن مکتوب باشد تا کاربران هر جا که لازم شد متن را با آنچه می‌شنوند مقایسه کنند.»

وی در پایان خطاب به متولیان فرهنگی کشور می‌گوید: «می‌خواهم به متولیان امور در کتابخانه‌ها و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بگویم که در کشور ما برخلاف کشورهای دیگر فرهنگ شفاهی رایج است. اگرچه در کشورهای دیگر اطلاعات از منابع مکتوب حاصل می‌شود اما ما به گفته‌های دیگران استناد می‌کنیم و برای همین است که میزان مطالعه در این کشور پایین است. اگر سازمان‌های متولی، کتاب‌های گویا را در اختیار عموم مردم قرار دهند میزان سرانه مطالعه در همه افراد جامعه از کودکان تا افراد مسن افزایش خواهد یافت.»



جمعیت کشور، آرام آرام پیر می شود

# نقش مطالعه در سلامت سالمندان

بازنشستگان شرکت کنند و در برنامه ها، همکاری داشته باشند.»

## چه کتابی باید نوشته شود؟

مطالعه امری است ضروری، اما این که چه کتاب هایی باید با توجه به نیازسنجی سالمندان نگاشته شوند، موضوعی است که دکتر فروغان به آن اشاره می کند و می گوید: «در دوران سالمندی، حفظ سلامتی افراد مهم است و کتاب های نوشته شده، باید به این موضوع بپردازد که چگونه می توان سالم باقی ماند و یادگیری چه آموزش هایی در این زمینه لازم است. در واقع باید به آموزش بهداشت و سلامت سالمندان در آثار مکتوب توجه شود، اما کتاب های منتشر شده در زمینه سالمندی جوابگوی نیاز سالمندان نیست.»

دکتر فروغان در این باره می گوید: «تعداد کتاب های موجود به هیچ وجه کافی نیست و کتاب هایی که به مسائل و مشکلات سالمندان در زمینه بهداشت و سلامت جسم و روح و مسائل اجتماعی و... بپردازند، اندکند. البته علت این امر به جمعیت جوان کشور بازمی گردد، موضوعی که مدتی است با آغاز روند پیر شدن جمعیت کشور، عوارض و پیامدهای آن در حال آشکار شدن است.»

دکتر فروغان می افزاید: «جوان بودن جمعیت کشور، باعث شد کسانی که در کار نگارش و نشر حضور دارند، به اهمیت قشر سالمند و مشکلاتشان پی نبرند و به عبارتی از آن غافل بمانند. حتی سازمان ها و وزارتخانه های مسئول نیز، هنوز برنامه ای در زمینه آموزش سالمندی و پرداختن به مسائل سالمندی ندارد. البته در سال های اخیر و به تازگی، حرکت های کوچکی در این زمینه انجام شده است.»

## سالمند، بهترین نویسنده برای سالمند

سالمندان نیروهای توانمندی اند که اگر دست به تالیف کتاب بزنند، شاید بهتر از هر نویسنده جوان و محقق، به مشکلات و نیازهای خود بپردازند.

دکتر فروغان در این باره می گوید: «در بعضی از منابع سالمندی، نویسنده کتاب، خود سالمند است که بعد از بازنشستگی اقدام به تالیف کتاب کرده است. در واقع، برای این افراد باید مراکز و انجمن هایی وجود داشته باشد که از توانمندی ها حمایت و استفاده کند.»

هرچند در این راستا هنوز برنامه ای وجود ندارد اما شهرداری ها با راه اندازی انجمن ها و کانون ها، این فرصت را برای سالمندان فراهم کرده اند تا اقداماتی در زمینه آموزش و پرکردن اوقات فراغت آنان انجام شود.

مراکز بهزیستی نیز برای پرکردن اوقات فراغت سالمندان از طریق خواندن کتاب برنامه ای ندارند اگرچه در برنامه تاسیس یک مرکز بهزیستی و براساس بازرسی ها، کتابخانه و قرائتخانه دیده شده است، اما یک مرکز بهزیستی الزامی به داشتن آن ندارد. البته مراکز فعالی هم مانند کتابخانه کهریزک وجود دارند که سالمندان از آن استفاده می کنند.»



دکتر مهشید فروغان، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی و مرکز تحقیقات سالمندی و فلوشیپ روان پزشکی سالمندان، در این باره می گوید: «طبق کارهای تحقیقاتی که در سال های اخیر انجام گرفته، نشان داده شده که مطالعه در کاهش و پیشگیری بیماری آلزایمر اثرگذار است، اما پرداختن به این مسائل باعث آشکار شدن مشکلاتی می شوند که حکایت از چرایی کمبود مطالعه از سوی سالمندان دارد.»

دکتر فروغان می افزاید: «این کمبودها بیشتر در زمینه مسائل آموزشی است. در واقع سالمندان باید در زمینه اصول بهداشتی آموزش ببینند و هرچه بیشتر با آن آشنا شوند، فکر و ذهن فعال تری خواهند داشت.»

## خانواده در کنار سالمندان

آموزش باید برای دو قشر صورت پذیرد، گروه اول سالمندان و دیگری، خانواده آنها. دکتر فروغان با اشاره به این موضوع تاکید می کند: «اگر سالمند به هر دلیلی انگیزه ای برای مطالعه نداشته باشد، خانواده باید او را تشویق کند که به طور منظم مطالعه کند یا از طریق آموزش همگانی در سطح مدارس و رسانه ها، به اهمیت مطالعه در حفظ سلامتی روان سالمند آگاهی داده شود تا خانواده ضرورت مطالعه را به عنوان یک اصل بپذیرد. البته سالمندان خودشان نیز باید در آموزش همگانی کانون های سالمندان یا انجمن های

دیویدچیل انگلیسی، در این باره می گوید: «سالمند خود را در انتهای مسیر زندگی می بیند و به همین دلیل علاقه مند به مرور گذشته است. به همین خاطر با مطالعه کتاب های تاریخی و اشعار شاعران گذشته، خواستار تداعی روزهای رفته است، اما در این بین شیوه نگارش کتاب ها نیز بر جذب مخاطبان بی تاثیر نیست.»

لبیبی در این باره می گوید: «نگارش کتاب باید به نحوی باشد که در فرد سالمند اضطراب ایجاد نکند؛ مثلاً در کتاب های پزشکی مسائل باید علمی و دقیق بیان شوند تا خواننده برداشت درستی از گفته ها داشته باشد. وقتی این مسائل با قلمی سخت نوشته شود و قابل درک برای خواننده نباشد یا اطلاعات آن جامع نباشد، باعث دلزدگی مخاطب می شود. خواندن کتاب بر سلامت روح و جسم اثرگذار است و سالمندانی که بیشتر مطالعه می کنند، کمتر به بیماری جسمی و روحی دچار می شوند.»

محمد مهدی لبیبی با بیان این مطلب ادامه می دهد: «وقتی فرد سالمند در جامعه حضور دارد و احساس هویت و مفید بودن می کند، کمتر به بیماری دچار می شود. داشتن آرامش روانی و مطالعه کتاب باعث می شود رشد فکر متوقف نشود و بیماری هایی مانند آلزایمر دیرتر به سراغ انسان بیاید. از سویی، احساس بودن و مطالعه خاطرات گذشته، باعث احساس رضایت فرد از زندگی می شود و به آرامش خاطر او کمک می کند. نباید فراموش کرد که جامعه امروز ما، دارای جمعیت جوانی است و در آینده ای نه چندان دور، شاهد جمعیتی سالمند خواهد بود که نیازها و خواسته های زیادی از جامعه دارد که باید از همین امروز برای آن اقها برنامه ریزی کرد.»

## همت لازم است

مطالعه، یکی از ضروریات جامعه امروز بشری است که در بررسی مسائل سالمندان به آن توجه شده است، به گونه ای که طبق تحقیقات انجام شده، تاثیر مستقیمی بر مشکلات بیماری شناختی داشته است.

شاخص های آماری نشان می دهند که در ایران، روند پیر شدن جمعیت آغاز شده است، به گونه ای که طی فاصله بیست سال، از یک هزار و سیصد و پنجاه و هفت تا یک هزار و سیصد و نود و پنج، به میانگین سنی جمعیت کشور، ده سال افزوده می شود.

سرشماری سال یک هزار و سیصد و هفتاد و پنج نشان داد که شش و شش دهم درصد از جمعیت کشورمان را افراد شصت سال و بالاتر تشکیل می دهند که حدود ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در هر ۱۰۰ میلیون نفرند و پیش بینی می شود این جمعیت ظرف بیست سال آینده به بیش از دو برابر یعنی حدود هشت و نیم میلیون نفر افزایش یابد.

پدیده پیر شدن جمعیت، از نتایج مثبت توسعه به شمار می آید و نشان دهنده بهبود شرایط اقتصادی اجتماعی، ارتقای وضعیت بهداشت، تغذیه، مسکن و پیشرفت دانش و فناوری پزشکی است. عنوان واژه سالمند، اوج بازدهی کارایی ذهنی است، افرادی که از نظر جسمی توانایی گذشته را ندارند، ولی از نظر ذهنی توانمندند.

دکتر محمد مهدی لبیبی معتقد است تمام دانشمندان، بعد از پنجاه سالگی به یک تئوری علمی دست یافته اند. در واقع آنان بعد از مطالعات فراوان و تجربه های زیاد، نظریه ای کارآمد را عنوان می کنند.

بیان تجربیات و به رشته تحریر درآوردن آن، وسیله ای است برای تبادل نظرات و تجربیات، لذا لبیبی روی آوردن افراد سالمند به تالیف کتاب را مثبت می داند و می گوید: «روی آوردن سالمندان به مطالعه کتاب و تالیف آن، نشانه رشد و بالندگی فرهنگی در یک کشور است و نقشی دو جانبه در تولید و مصرف کتاب دارد و در این مقطع سنی برای مسائل ساده و مهم، تئوری های کلان می دهند. افراد این گروه سنی بهتر از هر فردی به نیازهای جامعه امروز سالمندی آگاهند، اما کمبود و وجود برخی کاستی ها آنها را از فرصت تالیف بازمی دارد.»

لبیبی با اشاره به این موضوع می گوید: «در این زمینه، برنامه ریزی برای بهره مندی از تجربیات سالمندان، آن هم به صورت نوشتاری، انجام نشده و بیشتر سالمندان به صورت خودجوش وارد این عرصه شده اند. در حالی که در بسیاری از کشورهای جهان، از تجربیات افراد سالمند در اداره ها و سازمان ها، با عنوان «اتاق فکر» استفاده می کنند و با استفاده از دانش آنها به حل مسائل و مشکلات می پردازند.»

## امید به زندگی

کشورهای ژاپن و سوئد بالاترین درصد امید به زندگی را دارند. در این کشورها با توجه به پرهزینه بودن نگهداری سالمندان و خارج شدن آنها از جمعیت فعال، از تجربیات آنها در ساختارهای سیاسی و فرهنگی بهره برده می شود. بیشتر سالمندان، علاقه مند به مطالعه کتاب های تاریخی و مذهبی اند و کمتر به خواندن دیگر کتاب ها علاقه نشان می دهند.

مترجم کتاب «خانواده ها در دنیای امروز» اثر

## در یک مقاله پژوهشی بررسی شد دستور العمل‌های ارائه خدمات کتابخانه‌ای به سالمندان

انجمن کتابداری آمریکا سال هزار و نهصد و هشتاد و هفت دستور العمل‌هایی برای ارائه خدمات مطلوب کتابخانه‌ای به سالمندان ارائه کرد. در مقاله نوشته سلیا هالس مبری (پژوهشگر در حوزه بخش مرجع کتابخانه‌ها) چهار دستور العمل این انجمن ارائه شده است.

در این مقاله که توسط فریده رفیعی مقدم (عضو هیأت علمی گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال) ترجمه شده، آمده است: «همه دستور العمل‌های انجمن کتابداری آمریکا در این حوزه قابل مطالعه‌اند؛ ولی چهار مورد برای کتابداران، به ویژه شاغلان بخش مرجع کتابخانه‌ها مهم تر است.»

در نخستین دستور العمل آمده که «نگرش مثبتی درباره سالمندان و مراحل سالمندی ایجاد کنید و نشان دهید.» گاهی اوقات به دلیل نگرش دوگانه ما درباره پیری، برخورد مثبت با سالمندان مشکل می‌شود. چند نفر از ما می‌دانند که در بخش مرجع با سالمندان باید طور دیگری برخورد کنیم؟ آیا این که شخصی مجبور باشد با صدای بلندتری صحبت کند یا برای پس دادن کتاب کمک بخواهد ما را مجبور می‌کند بی‌اراده و به عبارتی به صورت کلیشه‌ای پاسخ دهیم؟ سالمندان کمتر از آنچه ما تصور می‌کنیم از رفتارهای خاص آزرده خاطر می‌شوند، چرا که پیری بیماری نیست.

دستور العمل دوم می‌گوید که «اطلاعات و منابع را درباره سالمندی و مفهوم آن، نه تنها برای سالمندان که برای اعضای خانواده، متخصصانی که در زمینه سالمندی کار می‌کنند و کسانی که به این فرآیند علاقه‌مندند فراهم کنید.» ابتدای می‌توانیم به افراد مسن توجه کنیم تا نیازهای اطلاعاتی‌شان را با ارائه فعالانه خدماتمان به آنها برآورده کنیم. دوم آن که باید افراد جوانی را که با سالمندان در تماس هستند، تحت تأثیر قرار دهیم. تأثیر گذاشتن بر این افراد از طریق خدمات مستقیم اطلاع‌رسانی یا ارجاع توسط کتابخانه نقش کتابخانه را در جامعه متبلور می‌کند.

سوم آن که ما باید در مسأله شناخت کهنسالی از طریق برنامه‌هایی با مسئولیت‌های مشترک همکاری کنیم. نویسنده مقاله می‌گوید: در تحقیق که در سال‌های هزار و نهصد و هشتاد و هزار و نهصد و هشتاد و یک انجام شد، برنامه‌هایی که دارای روحیه همکاری و تعاون بود برای همه شرکت‌کنندگان شامل متخصصان امور کهنسالی و کتابداران به صورت دقیق و مهم طبقه‌بندی شد. در این زمینه باید توجه کنیم که خدمات کتابخانه، متناسب با نیازهای خاص تمام سالمندان ارائه شود، یعنی کسانی که به علت پیری کنار گذاشته شده‌اند، خانه‌نشین‌اند، در خانه سالمندان زندگی می‌کنند و یا ناتوانند. ارائه مجموعه‌هایی در خانه‌های سالمندان و کتابخانه‌های سیار مناسب‌ترین خدمات قابل ارائه به سالمندان است. دستور العمل بعدی این است که «به عنوان بخشی از برنامه‌های کتابخانه و فرآیند ارزشیابی، تغییرات نیازهای سالمندان را منظور کنیم.» این دستور العمل بر مسأله تغییر نیازهای سالمندان تأکید می‌کند. خدمات مرجع و برنامه‌های مربوط به سالمندان هر سال مهم‌تر می‌شود. تاکنون کتابخانه به تنهایی برای فراهم کردن توانایی اطلاعاتی جامعه ما خدمت کرده است؛ نقشی که گاه فقط کتابدار آن را جدی تلقی می‌کند. ما باید با زمان پیش برویم و عصر اطلاعات را که افراد زیادی درباره آن صحبت می‌کنند، فعالانه بپذیریم.

کتاب، بیست و نه هزار و دو صد و چهل و نه نفر عضو دارد که از این میان حدود پانصد نفر آنها را افراد سالمند تشکیل می‌دهند.

داوودی می‌گوید: «بیشتر آنها علاقه‌مند به مطالعه کتاب‌های تاریخی و مذهبی‌اند. این کتاب‌ها به آنها احساس تعلق می‌دهد، در واقع آنها با دورانی ارتباط برقرار می‌کنند که متعلق به آن بوده‌اند، اما امکانات موجود جوابگوی نیاز مراجعه‌کنندگان ما نیست.»

داوودی می‌گوید: «ما مشکل فضا داریم و برای بسیاری از برنامه‌ها، مانند کارگاه‌های نمایشی سالمندان و اجرای دیگر برنامه‌ها، با مشکل مواجهیم، اما سعی می‌کنیم با داشتن امکانات موجود، خدمات ارزنده‌ای را به سالمندان ارائه دهیم.»

### کتابشناسی سالمند

موضوع سالمندی به دلایل گوناگون از جمله نبود رسته‌ها و گرایش‌های تخصصی و آکادمیک یا نوبت بودن آنها، فراوانی جمعیت جوان و نوع نظام‌های ارزشی و فرهنگی، چندان مورد توجه قرار نگرفته است و منابع تحقیقی و پژوهشی ارزشمند در این زمینه محدودند.

کتابشناسی سالمند با درک ضرورت‌های تحقیق و پژوهش در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی، منابعی را تهیه و آماده کرده است. کتابشناسی سالمند شامل مقالات، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌هایی است که به نوعی با موضوع سالمندان مرتبط است و به طور کلی شامل بخش‌های چهارگانه مسائل اجتماعی، پزشکی و بهداشتی، بازنشستگی و آموزش و همچنین سوادآموزی سالمندان است. در بخش پایانی، نمایه‌های مؤلفان، موضوعات نشریات، پایانه‌ها و کتاب‌ها، ضمیمه‌ای است برای بازیابی سریع و مناسب که چنانچه جویندگان عنوان کتاب، نام نویسنده یا مترجم را در نظر داشته باشند، بتوانند با استفاده از نمایه‌ها به منبع مورد نظر دست پیدا کنند.

طی سال‌های هشتاد و شش تا هشتاد و هشت تنها سی و چهار عنوان کتاب در زمینه بهداشت و سلامت، روان‌شناسی، خانواده و ورزش نوشته شده است که این میزان کتاب با توجه به جمعیت قابل توجه افراد سالمند، اندک به نظر می‌رسد و نیازمند توجه و حمایت از سوی مسئولان است.

### مطالعه، اما بدون استرس

سالمندان کم و بیش مطالعه می‌کنند و با این کار، هم اوقات خود را به نحو خوبی پر می‌کنند و هم از زندگی لذت می‌برند. جهانگردی، بازنشسته‌های شرکت‌برق، مشغول خواندن کتاب زندگی‌پیامبران است. او می‌گوید: «من علاقه‌مند به خواندن کتاب‌های کهن فارسی و زندگی‌پیامبران هستم. انسان هر چه بیشتر مطالعه کند، متوجه می‌شود که هیچ نمی‌داند. مثلاً کتاب «بوستان سعدی» دنیایی از پند و حکمت است که اگر به آن عمل کنیم، مشکلات کمتری خواهیم داشت.»

غلامعلی رخشاصفت متولد هزار و سیصد و سیزده و دبیر بازنشسته است. او در زمینه مطالعه کتاب می‌گوید: «خیلی کم کتاب می‌خوانم. در واقع دغدغه‌های زندگی این فرصت را از من گرفته است. البته هر وقت فرصتی پیش بیاید کتاب مثنوی معنوی یا کلبه و دمنه را می‌خوانم.» او در زمینه کتاب‌های تألیف شده در زمینه سلامت و بهداشت می‌گوید: «چند کتاب در این باره مطالعه کرده‌ام. این گونه کتاب باید به انسان روحیه بدهد و در حفظ سلامتی به انسان کمک کند، اما کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده، بیشتر استرس‌آور است. به نظر من مولفانی که این کتاب‌ها را تهیه می‌کنند، باید دقت بیشتری در این زمینه داشته باشند.»

انجمن شاعران و کلاس‌های یادگیری زبان. داوودی در این باره می‌گوید: «برپایی شب شعر، یکی از این برنامه‌هاست که در آن شاعران سالمند شعر می‌سرایند و آن را نقد و بررسی می‌کنند. در کنار فعالیت‌های فرهنگسرا آنچه بیش از همه مورد توجه است، توجه به سلامتی سالمندان است که برای افزایش آگاهی کتاب و بروشورهایی به آنها ارائه داده می‌شوند.» داوودی می‌افزاید: «بیشترین دغدغه سالمندان، موضوع سلامت آنهاست. بر این اساس بیشترین اطلاعاتی که در اختیار سالمندان قرار می‌گیرند، در زمینه تغذیه و ورزش سالمندی است. در کنار آن نیز کتاب‌های حقوق سالمندی بین آنها توزیع می‌شود.»

### کتاب‌ها بر حسب نیاز سالمندان

افزایش اعتماد به نفس در سالمندان، زمانی صورت می‌گیرد که در جامعه حضوری فعال داشته باشند. ارائه کتاب‌ها و بروشورهایی در زمینه سالمندان موفق، به آنان یادآور می‌شود که سالمندی پایان جریان زندگی نیست.

داوودی این زمینه می‌گوید: «سالمندان بیشتر به سوی مسائلی سوق دارند که دغدغه زندگی امروز آنهاست، به همین دلیل بیشتر مسائلی که در آثار مکتوب به آن می‌پردازیم، به مسائل بهداشتی و سلامتی آنها مربوط است و کتاب‌هایی در زمینه تغذیه، ورزش، حقوق و روان‌شناسی سالمند و گاهی بروشورهایی در این زمینه در اختیار سالمندان قرار داده می‌شود.»

آنچه بیش از هر چیز بر مطالعه سالمندان اثرگذار است، سطح سواد افراد سالمند است، موضوعی که باعث می‌شود بعضی از این افراد با وجود علاقه به مطالعه از این امر بازمانند.

داوودی در این باره می‌افزاید: «با توجه به سطح سواد سالمندان، مطالعه کتاب‌های ثقیل برای آنان ممکن نیست. لذا ما اغلب، کتاب‌های مناسب و گاهی نیز بروشورهایی را که جوابگوی پرسش‌ها و ابهامات آنان باشد در اختیارشان قرار می‌دهیم.»

### سمیناری برای تبادل نظر

سالمندان، دنیایی از تجربه‌اند که در کنار هم منبع عظیمی از دانش را همراه دارند. انتقال این تجربیات، در فرهنگسرای سالمند روی داده و برگزاری سه دوره سمینار مقالات سالمندی، گواه این امر است. مشکلاتی که سالمند امروز با آن روبه‌روست، با تبادل نظر متخصصان داخلی و خارجی، فضای مناسب را فراهم کرده تا نگاه عمیق‌تری نسبت به مسائل سالمندان داشته باشند. کارشناس روابط عمومی فرهنگسرای سالمند در این باره توضیح می‌دهد: «این سمینارها با همکاری دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی انجام شد و مجموعه این مقالات به صورت کتاب درآمد. در کنار آن، کتابشناسی سالمند به معرفی کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌هایی با موضوع سالمندی می‌پردازد و راهنمای خوبی است برای کسانی که علاقه‌مند به این حوزه‌اند.»

شنیدن قصه‌ها از زبان پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها، خاطره شیرینی بود که امروز کمتر می‌توان از آن سراغی گرفت. یادداشت‌های سالمندی و برگزاری جشنواره‌هایی با حضور کودکان در کنار مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها، حکایت‌کننده و یادآور آن روزهاست.

داوودی در این باره می‌گوید: «این برنامه‌ها را بیشتر به صورت جشنواره برگزار می‌کنیم و استقبال خوبی هم از آنها می‌شود. حتی مسابقاتی با عنوان کتابخوانی «گل و گلدان» برگزار کردیم که سالمندان با توجه به اطلاعات خود و مطالعه کتاب، ملزم به پاسخگویی بودند.»

کتابخانه امام خمینی (ره) با شانزده هزار و پانصد عنوان کتاب و بیست و پنج هزار جلد

### فرصتی برای زنان

سطح سواد مردان سالمند نسبت به زنان بیشتر است و علت آن به شرایط فرهنگی دوران گذشته بازمی‌گردد و همین امر باعث شده آنها از مطالعه بازمانند.

با وجود این کاستی‌ها، زنان تمایل بیشتری به شرکت و آموزش دارند، چنان‌که علاقه زنان سالمند به یادگیری زبان انگلیسی بسیار است. این مطالعه و آموزش ضمن جلوگیری از فرسودگی ذهن به سلامت فرد کمک می‌کند، اما این آموزش‌ها، اصول و روشی متفاوت می‌خواهند که تهیه و تدوین آن نیازمند همت و عزم عمومی است.

تدوین و تهیه برنامه‌های فرهنگی برای سالمندان، نیازمند تعامل و همکاری است. دکتر فروغان در این باره معتقد است: «باید رده‌های بالای مدیریتی به نیازهای سالمندان توجه و با توجه به این نیازها اعتبارات لازم را تأمین کنند و برنامه‌ها را در سطح وسیعی گسترش دهند. در این میان رسانه‌ها و وظیفه دارند سالمندان را با حقوق خویش آشنا سازند. خواندن کتاب، آموزش و یادگیری و تالیف کتاب، عواملی‌اند که اعتماد به نفس افراد سالمند را افزایش می‌دهند.» دکتر فروغان با تأیید این مطلب می‌گوید: «افزایش اعتماد به نفس، امید به زندگی را افزایش می‌دهد و از ابتلا به بیماری‌ها و نرخ مرگ و میر می‌کاهد و حتی از ایجاد زمینه بروز بیماری‌های شناختی جلوگیری می‌کند. مطالعه یک نیاز است که باید برای حفظ سلامت جامعه به آن توجه داشت و بتوان از این طریق شاهد زندگی شاد و سالم افراد بود.»

### فرهنگسرای برای تمام بزرگان

کتابخانه امام خمینی (ره) در محوطه بوستان خیام به عنوان یکی از مراکز مدیریت فرهنگی هنری شهرداری تهران، اسفند سال هفتاد و شش افتتاح شد و پس از گذشت چهار سال، براساس طرح هویت بخشی مناطق بیست و دو گانه سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، از تاریخ نهم مهرماه سال هشتاد و همزمان با روز جهانی سالمند به عنوان فرهنگسرای سالمند فعالیت خود را آغاز کرد.

این فرهنگسرا با توجه به پنج اصل استقلال، مشارکت، توانمندسازی، تکریم و مراقبت شکل گرفت و اهدافی نظیر حمایت از سالمندان، سهیم کردن سالمندان در برنامه ریزی‌ها، بستر سازی مناسب برای بروز توانمندی‌ها و تجربیات سالمندان، تقویت تشکل‌های سالمندی و ... در حوزه سالمندی را سرلوحه کار خود قرار داد.

### بیرون از حاشیه

این فرهنگسرا حدود چهار هزار عضو سالمند دارد و در زمینه‌های مختلف فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، فعالیت‌های توسعه‌ای و کاربردی به اعضا خدمات ارائه می‌دهد.

فاطمه داوودی، کارشناس روابط عمومی فرهنگسرای سالمند، انجام فعالیت‌های این مرکز را فرصتی برای سالمندان برمی‌شمرد و می‌گوید: «دعوت افراد سالمند برای حضور در اجتماع، آنها را از حاشیه بودن خارج می‌کند. توجه به نیازها و فراهم کردن فرصت‌ها، باعث می‌شود افراد سالمند خودشان را افرادی مفید بدانند و از حاشیه بودن خارج شوند و در بطن جامعه حضور داشته باشند.»

کانون جهان‌دیدگان یکی از این نمونه‌هاست که توانسته توسط سالمندان، هفتاد کانون را در سراسر تهران راه‌اندازی و اداره کند و اردوهای سیاحتی و زیارتی را برای پر کردن اوقات فراغت سالمندان، در برنامه‌های خود بگنجانند، اما توجه به دانش افراد سالمند و انتقال آن به دیگران، خود محملی است برای شکل‌گیری کلاس‌هایی نظیر



بنفشه محمودی

مردم ایران با حضور بی سابقه خود در نمایشگاه کتاب امسال نشان دادند که هنوز هم علاقه به کتاب را از دست نداده‌اند. گروهی از ناشران معتقدند که ادامه یافتن استقبال مردم از نمایشگاه کتاب در گرو تبلیغات گسترده است. گروهی دیگر اطلاع رسانی دقیق تر درباره مکان غرفه‌ها را در رشد استقبال مردم با اهمیت می‌دانند. گروهی نیز اتمام ساختمان مصلاي بزرگ امام خمینی (ره) را در این راه مهم ارزیابی می‌کنند. با برخی ناشران درباره نمایشگاه بیست و سوم و پیشنهادهایی حرف زده ایم که به کار بستن آنها می‌تواند در سال آینده نمایشگاه بهتری را رقم بزند و حضور دامنه‌دارتر مردم را به دنبال داشته باشد. حضوری که مهم ترین پایه نمایشگاه کتاب است و نمایشگاه بدون آن معنایی ندارد.

## با ناشران درباره نمایشگاه کتاب

# درس گرفتن از تجربه‌ها

بود. البته باز هم برخی ناشران از متراژ غرفه‌ها رضایت نداشتند و به نظر می‌رسد با اتمام ساختمان مصلاي، چنین مشکلاتی تا حدود زیادی برطرف می‌شود.

او برای بهتر شدن نمایشگاه کتاب در سال آینده پیشنهاد می‌کند که در بخش ناشران عمومی تقسیم بندی موضوعی صورت بگیرد. او می‌گوید: تقسیم بندی موضوعی کتاب‌های ارائه شده در بخش ناشران عمومی، می‌تواند از سردرگمی مردم برای دستیابی به کتاب‌های رشته‌های مختلف جلوگیری کند.

او درباره طراحی غرفه‌ها هم می‌گوید: می‌توان از عمق غرفه‌ها کاست و در عوض دهانه پهن تری برای آنها در نظر گرفت. این مساله باعث می‌شود ناشران فضای بیشتری برای ویتترین کتاب‌های خود در اختیار داشته باشند.

### ■ حاجی آبادی، مدیر انتشارات هزاره ققنوس:

#### ضرورت حمایت رسانه‌ای

برخی از ناشران عمومی، به رغم حضور چشمگیر مردم در نمایشگاه بیست و دوم، فروش این نمایشگاه را مثبت ارزیابی نمی‌کنند.

رضا حاجی آبادی، در این باره می‌گوید: با وجود اینکه محل قرارگیری غرفه ما در نمایشگاه بیست و دوم بسیار بهتر از نمایشگاه قبل بود و تعداد عناوین چاپ اول بیشتری داشتیم، اما فروش چندان رضایت بخشی نداشتیم.

او معتقد است با وجود تمام تلاش‌هایی که انجام شده است، نمایشگاه کتاب باز هم در بحث اطلاع رسانی با مشکلاتی روبروست. او می‌گوید: البته بخش اطلاع رسانی به مرور در حال بهتر شدن است اما مراجعه کنندگان به نمایشگاه همچنان در یافتن ناشران و کتاب‌های مورد نظر خود با مشکلاتی مواجهند. البته شاید بخشی از این ماجرا هم به این مساله برگردد که مردم راه و رسم درست پیدا کردن کتاب‌های مورد نظر خود را بلد نیستند و از نحوه صحیح جستجوی کتاب اطلاعی ندارند.

او برای بهتر شدن نمایشگاه کتاب سال آینده هم پیشنهادی دارد و می‌گوید: تسری بحث کتابخوانی در کل جامعه، جز با همکاری و حمایت رسانه‌ها امکان پذیر نیست. فکر می‌کنم اگر دوستان رسانه‌ای - به خصوص رسانه ملی - با نگاه حمایتی به مساله نشر نگاه و زمینه پخش تبلیغات ارزان قیمت را برای ناشران فراهم کند، مطالعه میان مردن جریان پیدا می‌کند.

او معتقد است که کمتر تسری پیدا کردن مطالعه در میان مردم، بیش از هر چیز به خیر نداشتن مردم از انتشار کتاب‌ها بر می‌گردد. او کتاب جامعه شناسی تحریفات عاشورا را مثال می‌زند و می‌گوید: این کتاب که توسط انتشارات هزاره ققنوس منتشر شده و به چاپ سوم رسیده، موضوعی مورد علاقه مردم و محققان دارد. اما تا زمانی که میان مردم دست به دست نگشت، نتوانست مخاطبان بیشتری پیدا کند. بنابراین فکر می‌کنم اگر رسانه‌ها بتوانند زمینه‌ای را برای معرفی کتاب‌ها فراهم کنند، مردم با شوق بیشتری به کتابخوانی روی خواهند آورد. این مساله می‌تواند به رشد نمایشگاه کتاب هم منتهی شود.



می‌توانند برای دکور غرفه‌ها و اطلاع رسانی به مخاطبان خود از چند ماه قبل برنامه ریزی کنند. او استقبال از نمایشگاه بیست و دوم را چشمگیر ارزیابی می‌کند و می‌گوید: این مساله برای ناشران و دولتمردان خبر بسیار خوبی بود و نشان داد که مردم به مطالعه علاقه مندند و در فضایی که همه از کمبود مطالعه می‌نالند، این حجم از استقبال به هر نیتی که انجام شود، به معنای استقبال از کتاب است. این مساله به برنامه ریزان کمک می‌کند که برای دامنه دارتر کردن چنین استقبالی برنامه ریزی کنند تا در سال‌های آینده نمایشگاه‌های بهتری داشته باشیم.

او پیشنهادی هم برای برگزار کنندگان نمایشگاه دارد و می‌گوید: این عزیزان می‌توانند از شهریور ماه نسبت به ثبت نام ناشران اقدام کنند. در این صورت می‌توانند سه الی چهار ماه برای تعیین متراژ غرفه‌ها وقت داشته باشند و بعد از اعلام متراژ، تا ابتدای سال به شکایات ناشران رسیدگی کنند. در این صورت ناشران می‌توانند یک ماه پیش از برگزاری نمایشگاه، از طریق وسایل ارتباط جمعی نسبت به تبلیغات کارهای خود اقدام کنند. در این صورت مردم به طور هدفمند به نمایشگاه می‌آیند و در یافتن ناشران و کتاب‌های مورد نظر خود با مشکل مواجه نمی‌شوند.

### ■ نادر طبسیان، مدیر انتشارات ماه ریز:

#### مصلا، مکانی مناسب

طولانی بودن مراحل صدور مجوز، پیش از برگزاری نمایشگاه کتاب، مشکلاتی را برای ناشران به وجود می‌آورد. چون این ناشران برای حضور در نمایشگاه روی کتاب‌های چاپ اول خود سرمایه گذاری می‌کنند و به موقع نرسیدن این کتاب‌ها به نمایشگاه کتاب، ضررهای زیادی را برای آنها به دنبال دارد.

نادر طبسیان در این باره می‌گوید: به علت کندی مراحل صدور مجوز، در نمایشگاه امسال موفق نشدیم کتاب‌های چاپ اول خود را ارائه کنیم و بسیاری از مشتریان ما دست خالی به خانه برگشتند. این ناشر معتقد است که مصلا مکان مناسبی برای برگزاری نمایشگاه کتاب است. او می‌گوید: محل قرارگیری غرفه ما نسبت به سال‌های گذشته بهتر

نمایشگاه اختصاص داد. او می‌گوید: این امر می‌تواند اطلاع رسانی کتاب را در وضعیت بهتری نسبت به سال‌های گذشته قرار دهد.

### ■ مهدی حاجی شیدری، مدیر نشر ریحان:

#### نمایشگاه؛ محلی برای حل مشکل توزیع

مصلاي امام خمینی (ره) چند سالی است که به محل برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی قرآن کریم و کتاب تهران تبدیل شده است. نیمه کاره بودن سازه‌های این مکان، یکی از مشکلاتی است که برگزار کنندگان، ناشران و مخاطبان این نمایشگاه با آن دست به گریبانند.

مهدی حاجی شیدری در این باره می‌گوید: درست است که امسال در سالن کودک و نوجوان تدابیری برای زیباسازی سالن صورت گرفته بود اما نیمه کاره بودن سازه‌های نمایشگاه، گرد و خاکی را در محیط ایجاد می‌کرد که نه تنها برای بچه‌ها، بلکه برای تمام بازدید کنندگان نمایشگاه مشکلاتی ایجاد کرده بود. او ضمن مثبت ارزیابی کردن فروش در سالن کودک و نوجوان می‌گوید: اتفاق جالب توجه نمایشگاه امسال، تعداد زیاد بازدید کنندگان آن بود. چون به عقیده من، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صدا و سیما در بخش تبلیغات نمایشگاه خوب عمل کرده بودند. اگر این کار، یک سیاست مقطعی باشد، بد است. اما اگر به یک رویکرد دائمی تبدیل شود، بسیار خوب است و به رشد نمایشگاه کتاب کمک می‌کند. این ناشر پیشنهادی هم برای برگزاری نمایشگاه آینده دارد. او می‌گوید: اگر متولیان بتوانند به گونه‌ای برنامه ریزی کنند که سازه‌های نیمه تمام تا سال آینده ساخته شوند، خیلی از مشکلات نمایشگاه برطرف می‌شود. ضمن اینکه به عقیده من، باید به دنبال مکانی برای ایجاد یک نمایشگاه دائمی کتاب باشند تا ناشران تا این حد در مسائلی مثل متراژ غرفه‌ها و حروف الفبا درگیر نشوند.

حاجی شیدری پیشنهاد راه اندازی بخشی برای حراجی کتاب را ارائه می‌کند و می‌گوید: می‌توان این امکان را برای شکل‌های نشر یا پخش کنندگان کتاب ایجاد کرد که در چادرهایی خارج از سالن‌های نمایشگاه، بتوانند کتاب‌هایی را که در انبارها باقی مانده‌اند، به مردم عرضه کنند. این مساله باعث می‌شود که هم مردم کتاب‌های قدیمی را که در بخش رسمی نمایشگاه وجود ندارد پیدا کنند و هم انبارها خالی شوند.

### ■ صحرانورد، مدیر انتشارات کتابسرای نیک:

#### توجه به اصل برنامه ریزی

درست است که در نمایشگاه بیست و دوم زمان تحویل غرفه‌ها اندکی زودتر از سال‌های پیش بود، اما باز هم مشکلاتی برای غرفه داران ایجاد می‌شد. محمدعلی صحرانورد می‌گوید: انتقاد درباره این مساله به معنی بی‌اجر کردن زحمات برگزار کنندگان نمایشگاه کتاب نیست. اما همیشه این سوال برای من مطرح بوده است که چرا همیشه کار تحویل غرفه‌ها و مشخص شدن متراژ آنها باید به چند روز پیش از برگزاری نمایشگاه موکول شود؟ اگر برنامه ریزی‌های نمایشگاه زودتر انجام شود، ناشران

### ■ رییس دانایی، مدیر موسسه انتشارات نگاه:

#### جایی برای حرفه‌ای‌ها و آماتورها

نمایشگاه بیست و دوم، با شکستن رکورد بازدید کنندگان، اتفاق تازه‌ای را رقم زد. این مساله باعث روی آوردن برخی از مردم عادی به کتابخوانی شد که از نکات مثبت این نمایشگاه محسوب می‌شد. علیرضا رییس دانایی معتقد است که بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از آن جهت که بیش از پیش سبب روی آوردن کتاب‌خوانان غیر حرفه‌ای به این رویداد فرهنگی شد، در نوع خود بی نظیر و نشاط آور بود. او می‌گوید: باعث خوشحالی است که مردم عادی حداقل سالی یک بار هم که شده برای خرید کتاب به نمایشگاه کتاب هجوم می‌آورند! از طرف دیگر، این مساله را هم که سالی یک بار همه ناشران کشور در یک مکان معین جمع می‌شوند و کتاب‌خوانان حرفه‌ای می‌توانند تمام کتاب‌های مورد علاقه خود را بیابند، باید به فال نیک گرفت. چرا که بسیاری از ناشران آماتور، توان پخش و ارتباط حرفه‌ای با مخاطبان را ندارند و چه بسا همین عامل باعث ورشکستگی آنها و خروجشان از دایره چاپ و نشر می‌شود.

رییس دانایی اما معتقد است که باید برای جلب بیشتر خوانندگان حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای کتاب، به نکات ویژه‌ای توجه کرد. او می‌گوید: بسیاری از خانواده‌ها علاقه دارند که یک روز تمام را در نمایشگاه به سر ببرند. بنابراین داشتن فضای مناسب برای خانواده‌ها و سرویس دهی کامل به آنها باعث می‌شود که مردم استقبال بیشتری از حضور در نمایشگاه داشته باشند.

### ■ عبدالرفیع حقیقت، مدیر انتشارات کومش:

#### تازه‌های نمایشگاه در یک بروشور

تخصصی شدن نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، یکی از مسائلی است که برخی ناشران به آن اعتقاد دارند. آنها معتقدند که علاوه بر تقسیم بندی‌های رایج ناشران کودک و نوجوان، دانشگاهی، کمک درسی و آموزش و عمومی، می‌توان در بخش ناشران عمومی نیز برخی تقسیم بندی‌ها را اعمال کرد که طی آنها ناشرانی که کتاب‌هایی با موضوعات مشترک منتشر می‌کنند، در کنار هم قرار بگیرند.

عبدالرفیع حقیقت در این باره می‌گوید: می‌توان غرفه‌های ناشران عمومی را بر حسب موضوعات تخصصی کتاب‌های آنها در کنار هم قرار داد. در این صورت نه تنها مردم در یافتن کتاب‌های مورد نظر خود با مشکلات کمتری مواجه می‌شوند، بلکه کار ناشرانی هم که در حوزه‌های تخصصی کار می‌کنند، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

چینش الفبایی غرفه‌های ناشران هم از موضوعاتی است که همیشه از سوی ناشرانی که حرف نخست نام آنها با یکی از حروف میانه الفبا شروع می‌شود، اعتراضاتی را در پی دارد. مدیر انتشارات کومش می‌گوید: می‌توان یک بار هم این ابتکار را به خرج داد که ورودی سالن‌ها به ناشرانی اختصاص پیدا کند که حرف اول نام آنها در وسط حروف الفبا قرار دارد!

او پیشنهاد می‌کند، «می‌توان در نمایشگاه سال آینده بروشوری را به کتاب‌های تازه و موجود در





محمد کریمی زنجانی اصل، یکی از چهره‌های پژوهشگری است که در حوزه فلسفه و حکمت اشراقی و اسلامی کارهای ارزنده‌ای از جمله ۲۵ کتاب از این سلسله آثار را تصحیح، ترجمه و تالیف کرده است. وی دانش آموخته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی و «ادیان و عرفان تطبیقی» در مقطع کارشناسی ارشد است. حوزه اصلی مطالعات وی، تاریخ اندیشه‌های فلسفی و عرفانی قرون سوم تا هفتم هجری و البته میراث شیخ اشراق تا دوران حاضر است. او که پایان‌نامه‌اش را با راهنمایی دکتر فتح‌الله مجتبیایی گذرانده، حدود ۱۴۰ عنوان مقاله در این عرصه به زبان‌های فارسی و انگلیسی منتشر کرده است. از جمله آثار او می‌توان به ترجمه «رساله فی اعتقاد الحکما» (نوشته سهروردی)، «حکمت اشراقی» (تالیف)، «عرفان شیعی به روایت سید حیدر آملی» (تالیف)، «نهایه‌الظهور» (تصحیح) و «حکمت و معنویت در ایران نخستین سده‌های اسلامی» (گردآوری) اشاره کرد. گفت‌وگوی زیر به مناسبت سالگرد ولادت سهروردی با این پژوهشگر انجام شده است.

گفت و گو با محمد کریمی زنجانی اصل؛ مترجم، مصحح و پژوهشگر آثار سهروردی

## جنس متفاوت حکمت سهروردی با فلسفه غربی

ابوالبرکات بغدادی، عمر بن سهلان ساوی، بابا افضل کاشانی و یکی دو نفر دیگر که در میان فلسفه و عرفان در حرکتند، مثل عطار نیشابوری، او از جمله کسانی است که مابایدوی را به خوبی بشناسیم. خیلی جالب است که هنوز ما یک تک‌نگاری در مورد این اندیشمندان نداریم. یعنی اگر برخی از اشارات دکتر حسین ضیایی را در برخی از مقالات و کتاب‌هایشان کنار بگذاریم هنوز یک مقاله خوب درباره نسبت شیخ سهروردی و ابوالبرکات بغدادی نداریم. ما در این زمینه‌ها خیلی مشکل داریم.

شما به کتاب آقای هاشمی اشاره کردید که به تفاوت‌های ملاصدرا و هگل پرداخته است. یعنی شباهت‌هایی وجود دارد و او تفاوت‌ها را بیان کرده است. این نکته را چگونه می‌بینید؟

درست است که شباهت‌ها وجود دارند، اما بحث بر سر نحوه برخورد با این شباهت‌هاست. خود ملاصدرا را به عنوان نمونه در نظر بگیرید. بحثی را که او به عنوان اساس معرفت عنوان می‌کند، کنار بحث کانت در «سنجش خردناب» بگذارید. می‌بینیم که مبادی این بحث‌ها نزدیک به یکدیگرند ولی نتایجی که اینها از بحث‌شان می‌گیرند، کاملاً متفاوت است. ملاصدرا از این مبادی به معنای اخص به الهیات راه می‌برد و کانت به پوزیتیو می‌رسد؛ یعنی بنیادی برای علم پوزیتیو می‌سازد. باید این تفاوت‌ها را در نظر گرفت. نمی‌توان منکر تاثیر شیخ اشراق در متفکران جهان شد. من نمونه‌های خوبی دارم که سهروردی در متفکران امروز جهان اثر داشته است؛ مثل تاثیری که او بر «ژیلبر دوران» (فیلسوف برجسته فرانسوی) گذاشت. دوران به دلیل آشنایی‌اش با «هائری کرین»، با سهروردی و آثار عرفانی‌اش محسوس شده و از سهروردی ایده گرفته و حتی به این امر اعتراف هم کرده است. شخصیت‌هایی هم هستند که تحت تاثیر شیخ‌اند اما کمتر به این وام‌گیری‌ها اشاره داشته‌اند. اتفاقاً باید روی این اشخاص زیاد کار کنیم. نمونه مهم این دسته از چهره‌ها «اپل ریکور» است. «هوسرل» نمونه دیگری است از همین مبحث. ما فراموش می‌کنیم که او یک آلمانی است و اگر اشتباه نکنم، داماد «ماکس هورتن» است؛ همان کسی که «میراث شیخ اشراق» را در پایان قرن نوزدهم به آلمانی ترجمه کرد.

الان چه کاری در رابطه با شیخ اشراق در دست دارید؟

کتابی با عنوان «رهواری و رستگاری» را به تازگی به اتمام رسانده‌ام. در این کتاب به میراث معنوی سهروردی، بابا افضل کاشانی و عطار نیشابوری پرداخته‌ام. این کتاب را شاید بتوان در دل‌های نابه‌نگام من با میراث این سه بزرگوار نامید. در این کتاب به این نکته پرداخته‌ام که این سه بزرگوار قرن ششمی ما، رستگاری را چگونه دیده‌اند. فصل اول آن به نیایش و رستگاری از دیدگاه شیخ اشراق می‌پردازد. در فصل دوم به دانش و رستگاری از دیدگاه بابا افضل کاشانی پرداخته شده و در فصل آخر، رهواری و رستگاری به روایت عطار بررسی شده است. همچنین دفتر دوم «نهایه‌الظهور» را در دست آماده‌سازی دارم و ترجمه بخش منطق «حکمت‌الاشراق» را تمام کرده‌ام که امیدوارم همراه شرحی، سال‌های آینده منتشر شود.



قابل به چنین سنجشی نیستیم. به نظر من یک اندیشه، یک ظرف تاریخی دارد و یک حوزه فرهنگی، تمدنی خاص. این را می‌پذیریم که اندیشمندی بر فراز تقدیر تاریخی یا مقتضیات فرهنگی خود حرکت می‌کنند و سهروردی نیز جزء این دسته از افراد است. اما من فکر می‌کنم که سنجیدن متفکران ما با متفکران غربی یک سری آسیب‌هایی هم به متفکران ما و هم به فهم متفکران غربی می‌زند. به نظر من باید بپذیریم که دو ساحت یا چند ساحت مختلف اندیشه داریم و هر یک این ساحت‌های مجالی برای اندیشیدن، نگریستن و فهم این دنیا هستند. به همین دلیل، خیلی راغب نیستیم که سهروردی را با یک فیلسوف غربی بسنجیم. به نظرم این نکته بسیار ضروری است که سهروردی را با متفکران حوزه تمدنی خود بسنجیم.

شاید به دلیل آن‌که حتی شرق‌شناسی ما هم از دیدگاه غربی‌هاست، می‌خواهیم که سهروردی را با فیلسوفی غربی مقایسه کنیم. ما نمی‌توانیم منکر دو چیز شویم. من تمایل دارم که دوستان بیابند و به جای کارهای تطبیقی اینچنینی، که می‌خواهند بسامد یک ایده یا نظریه را بیابند و همسانی‌ها را نشان دهند، ماجرا را وارونه کنیم و به تفاوت‌های بنیادی‌ای فکر کنیم که میان این ساحت‌های اندیشه وجود دارند. ما باید مطالعه‌های تطبیقی‌مان را به این سمت ببریم. یکی از بهترین مطالعاتی که در سال‌های اخیر انجام شده و من دیده‌ام، کاری است که دوست بزرگوارم محمد منصور هاشمی با عنوان «صبرورت در فلسفه ملاصدرا و هگل» انجام داد. ایشان به جای آن‌که به دنبال عبارات‌های شبیه هم در اندیشه ملاصدرا و هگل بگردند، به تفاوت‌های اندیشگی آنها پرداخت. من معتقدم که باید به تطابق اندیشه‌های شیخ اشراق با سایر اندیشمندان جهان اسلام بپردازیم.

و نه لزوماً ایرانی؟

چه بهتر که اندیشمندان ایرانی در اولویت قرار گیرند. ما می‌توانیم از ایران شروع کنیم. چرا که بخش بزرگی از متفکران اسلامی، ایرانی‌اند. ما در قرن ششم، پنجم، شش متفکر طراز اول داریم.

این‌که، خواننده در این آثار، یک نگاه خطی را دنبال نمی‌کند. او از همان ابتدا درمی‌یابد که عالم حکمت، عالم این تفسیرهای گوناگون است و هر کس از نقطه نظری می‌تواند تفسیر خاص خود را ارائه کند. علاوه بر این، یکی دیگر از خصلت‌های مجموعه مقالات، متنوع بودن موضوعات آن است. به عنوان نمونه همان دو کتاب «نامه‌های سهروردی» و «عرفان، اسلام و جهان معاصر» را در نظر بگیرید. این دو اثر خواننده را با وجوه متفاوتی از شیخ آشنا می‌کند که ای بسا به آنهایی توجه بوده. در کنار این‌ها، این نکته را هم در نظر داشته باشید که مجموعه مقالات معمولاً خواندنی‌ترند. (البته نه همیشه)، به دلیل آن‌که شما مجال آن را دارید که مقالات کوتاهی را در فرصت کوتاه خود بخوانید. فرصتی که به دلیل مشغله‌های فراوان این روزها چندان فراخ نیست. یعنی شما می‌توانید یک مقاله را در فرصت کوتاه خود بخوانید، در حالی که اگر شما بخوانید کتابی ۵۰۰ صفحه‌ای را در مورد شیخ مطالعه کنید، باید از یک نظم مطالعاتی خاص برخوردار باشید و متأسفانه ما در فضای فرهنگی جامعه‌مان، خیلی به ندرت چنین افرادی داریم و من این را با دریغ می‌گویم. این مجموعه مقالات به همین دلیل، می‌توانند جرقه اول برای شروع آشنایی با اندیشه‌ها و میراث شیخ اشراق باشند.

معمولاً برای شناخت اندیشمندان، آنها را با دیگر فلاسفه مقایسه می‌کنند. اگر شما بخوانید سهروردی را با فیلسوفی غربی مقایسه کنید، چه کسی را معرفی می‌کنید؟ آیا ویتگنشتاین به دلیل رویکردهایش به زبان، این مشابهت‌ها را ایجاد می‌کند؟

به نظر من محوریت زبان و رویکردها آن‌همی‌تواند دلیل کافی باشد. آیا دلیل دیگری هم دارید؟

به هر حال در هر دوی این دانشمندان، نوعی مرکز‌گریزی معنایی و شوریده‌سری وجود دارد. من با احترام به همه دوستانی که این‌گونه تطبیق‌ها را انجام می‌دهند، این نوع مقایسه را نمی‌پسندم. دوستان فراوانی آمده‌اند و سهروردی را با نیچه، با اقبال لاهوری، هایدگر و هگل سنجیده‌اند. من اصلاً

ما سه دسته آثار در مورد سهروردی داریم: یک دسته خود آثار شیخ اشراق است، دسته دوم مقالات پژوهشی در مورد ایشان و آخرین دسته به‌گزیده‌های مقاله یا خود آثار شیخ مرتبط می‌شود. شما در این میان اهمیت کدام دسته از آثار را بیشتر می‌دانید؟

به نظر من هر یک از این سه دسته‌ای که شما نام بردید، دارای ارزش خاص خودند؛ یعنی هر یک از این سه دسته در جای خود و بسته به سطح مخاطب ارزشمندند. ما نمی‌توانیم از یک واقعیت مهم چشم‌پوشی کنیم. زبان حکمت اشراقی، چه در منطق و طبیعیاتش و چه در مباحث اشراقی و عرفانی‌اش، زبان رمزآلودی است. خود شیخ از به‌کارگیری زبانی یاد می‌کند که آن را «لسان‌الاشراق» می‌نامد. او زبانی خاص را برای فلسفه خاص خود می‌سازد. این زبان به شدت ایجازگرا و در اوج زیبایی است. یعنی حتی اگر شما آثار عربی شیخ را بخوانید، در مرحله اول شیفته‌زیبایی کلامش خواهید شد. آثار فارسی وی نیز چون «مونس‌العشاق»، بی‌تعارف می‌توانند در شمار شاهکارهای ادب فارسی قرار بگیرند.

علاوه بر وجوه اشراقی و عرفانی‌اش...

بله، عرضم این است که علاوه بر زیبایی کلامی در آثار فارسی شیخ، آثار عربی او نیز از ظرافت‌های بسیاری برخوردارند. وقتی مجموع چیزهایی را که شیخ مورد توجه قرار داده، از نوآوری‌های زبانی تا پیچیدگی زبانی و بیانی و شیوه نو در بیان فلسفی در نظر بگیریم، حس می‌کنیم که شاید این مسائل برای خواننده علاقه‌مندی که می‌خواهد برای نخستین بار آثار او را مطالعه کند، دشوار یا باشد. بدیهی است ترجمه‌هایی که از آثار شیخ صورت می‌گیرند، در صورت وفاداری، یعنی در صورت آن‌که مفهوم را فدای زیبایی نکنند، می‌توانند خواننده را با وجوه مختلف آثار او آشنا کنند. آثاری پژوهشی که به طور مستقل در این عرصه منتشر می‌شوند نیز دارای اهمیت‌اند. اما هر یک از این سه دسته، خوانندگان خاص خود را خواهد داشت. اما اجازه بدهید که بیشتر در مورد دسته سوم حرف بزنم که برخی آن را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند. برخی از آثاری که درباره شیخ منتشر می‌شوند، مجموعه مقالاتی‌اند که درباره یک یا برخی ابواب مختلف حکمت‌های اشراقی، مولف‌های گوناگون می‌نویسند و به همت کسی منتشر می‌شوند. دارای ارزش خاص خودند. «نامه‌های سهروردی» به اهتمام آقای حسن سیدعرب و کاری که شهرام یازوکی با عنوان «عرفان، اسلام و جهان معاصر» انجام داد از نمونه‌های برجسته این سری آثار به حساب می‌آیند. این آثار دستمایه اولیه و حتی حرفه‌ای خوبی‌اند برای علاقه‌مندی‌هایی که از حکمت اشراقی چیزی نمی‌دانند و بامواجه‌یک‌بار با آثار خود شیخ، دچار سردرگمی می‌شوند.

در واقع، یک گام اول مناسبند؟

بله. یک گام اول مناسب با توجه به این نکته که مجموعه مقالات، معمولاً چند ویژگی خوب دارند. اول از همه این‌که، شما با متنوع نگاه‌رویه‌رومی شوید. یعنی صاحب نظران مختلف، از زوایای گوناگون، یک یا برخی از آرای شیخ را بررسی می‌کنند. دیگر



سایر محمدی

«در توفان گل سرخ» گزیده اشعار اینگه بورگ باخمن، شاعر بلندآوازه اتریشی است که با برگردان فواد نظیری از سوی نشر ثالث منتشر شده است. فواد نظیری متولد ۱۳۳۴ همدان، مهندس راه و ساختمان است و نخستین ترجمه اش، گزیده‌ای از اشعار شاعران بزرگ جهان با عنوان «ارمغان جلیل خرم‌ها» در سال ۶۱ به بازار کتاب آمد. به دنبال آن گزیده اشعار «سنگ‌های آسمانی» و «بانوی اقیانوس‌ها...» از پابلو نرودا و یک مجموعه شعر از اکتاویو پاز به نام «سمندر» را ترجمه و منتشر کرد. نظیری همچنین از شاعر بزرگ یونان الی تیس مجموعه شعر «پنجره‌هایی به فصل پنجم سال» را به فارسی برگردانده و در سال‌های اخیر از گابریل میسترال گزیده شعرهایی به نام «شب زنبیل سیاهی است» و از رابرت بلای گزیده شعرهایی با عنوان «خوردن عسل کلمات» را ترجمه کرد که انتشارات مروارید آنها را در ردیف کتاب‌های دوزبانه چاپ و منتشر کرده است. نظیری علاوه بر ترجمه شعر معروف‌ترین شاعران جهان، خود نیز به سرودن شعر می‌پردازد. «در پناه تجریر آبی عشق» نخستین دفتر شعر او در سال ۸۳ توسط نشر ثالث منتشر شد و دومین مجموعه شعرش به نام «روزنه‌های خزانی» زمستان سال گذشته به بازار آمد. این شاعر و مترجم فعال، اکنون گزیده‌ای از شعرهای آنتونیو ماچادو را با عنوان «ساعت دوازده بار نواخت» توسط نشر جهان کتاب زیر چاپ دارد. او همچنین مجموعه‌ای از اشعار فدريكو گارسيا لورکا را برای چاپ تدارک می‌بیند.

فواد نظیری:

# زبان شاعر، لحن ترجمه را تعیین می‌کند

از مشرب‌های فکری و مشغله‌های ذهنی خانم باخمن آورده‌ام. مقالاتی مثل «شعر به چه درد می‌خورد؟» یا «جایگاه شعر» یا یکی - دو مطلب به عنوان تاملاتی که شاعر با خودش داشته را به این دلیل آورده‌ام که او لا تابع اصل کتاب باشم و این مطالب بازتابی از اندیشه و افکار شاعر باشد و از طرفی جهان‌شاعرانه باخمن و تامل بیشتر بر شعرها و اندیشه‌های او را به نمایش بگذارم. این مقوله را می‌توان در تحلیل عمیقی دید که در اول کتاب به قلم مارک اندرسون (مترجم انگلیسی) آمده است.

**مجموعه‌ای که با عنوان «ساعت دوازده بار نواخت» زیر چاپ دارید از کدام شاعر است و چگونه انتخاب شده؟**

این مجموعه، گزیده‌ای از اشعار آنتونیو ماچادو شاعر بزرگ اسپانیایی است. ماچادو از جمله شاعران معروف به نسل ۹۸ است که نسل قبل از لورکا محسوب می‌شوند. این نسل دربرگیرنده شاعرانی مانند خیمنس، ماچادو، اوناونو و چند شاعر دیگر است که هر یک، مشرب و مرام خودشان را در فرهنگ، فلسفه، ادبیات و شعر داشتند. باین همه این شاعران کارهای خودشان را در یک دوره خاص تاریخی، دست کم تحولات اجتماعی - ادبی اسپانیا عرضه کردند و همین موضوع سبب شده تا به‌طور جمعی موسوم به شاعران نسل ۹۸ لقب بگیرند. آنها تحولی اساسی و ژرف در شعر و ادبیات اسپانیا ایجاد کردند. برخی از آنها، اعتقاد داشتند باید هر چه بیشتر به ریشه‌های فرهنگ اسپانیا رجوع کرد و برخی هم معتقد بودند که بیشتر فرهنگ و شعر اروپا را باید وارد فرهنگ اسپانیا بکنند. اما در مجموع این شاعران در عرصه شعر و ادبیات مدرن، حرکت‌هایی جمعی داشتند. ماچادو یکی از شاخص‌ترین افراد این گروه بود. اگر بخواهیم از نظر نسلی این شاعران را مقایسه کنیم فاصله ماچادو با مثلاً لورکا که شاعر شاخص نسل بعدی است، مثل فاصله نیما با شاعرانی چون اخوان و شاملوس است. من زمانی که مشغول کار روی اشعار لورکا بودم (چون شیفته لورکا هستم) با پیشنهاد نشر جهان کتاب مواجه شدم. آنها از من خواستند که گزینه کوچکی از شعر جهان، متعلق به هر شاعری را ترجمه کنم تا آن را در سلسله کتاب‌های جیبی - که از شعر شاعران جهان تدارک دیده شده - منتشر کند. از این مجموعه تاکنون دو عنوان از اشعار اریش فرید با ترجمه خسرو ناقد منتشر شده و این مجموعه هم مراحل اداری انتشار را سپری می‌کند. البته نشر جهان کتاب به من این اختیار را داد که هر شاعری که کارش را می‌پسندم یا لازم می‌دانم، انتخاب کنم و من هم پس از اندکی تامل به این نتیجه رسیدم که کاری از ماچادو منتشر کنم، چراکه هنوز مجموعه‌ای از او به فارسی ترجمه نشده بود.

بد ندیدم که زمینه‌های پیدایش شعر لورکا و تأثیری که شعر شاعران نسل ۹۸ بر وی داشته را نشان بدهم بنابراین تصمیم گرفتم گزینه‌ای از چند کتاب ماچادو را ترجمه کنم تا مقدمه‌ای برای ورود به جهان شاعرانه نسل بعد باشد که یکی از آنها لورکاست. به نظر من مناسب بود تا اشعار ماچادو با عنوان شاعری که در اشعارش مضامین اجتماعی دارد و در عین حال



اعماق جان شاعر برمی‌خیزد و در شعرهای عاشقانه و ناب و در برخی شعرهای انتزاعی اش بازتاب پیدا می‌کند و همین شعرهاست که او را به عنوان یک شاعر مبارز در سطح جهانی معرفی می‌کند؛ شاعری با اندیشه‌های بلند سیاسی و اجتماعی که در میان شاعران هم‌نسل خودش قله به حساب می‌آید. خانم باخمن هم به نوعی از این دست شاعران است. اگر رساله‌ای نوشته، آن نگرش و بینش خودش را در آن رساله مطرح کرده است یا در برخی از داستان‌هایش همین تفکر را نشان داده است. اما در شعر، به دلیل پیچیدگی‌هایی که ذهنش دارد، خواه ناخواه شعرش را تحت تأثیر قرار می‌دهد و دچار ابهام‌هایی می‌کند که از عمق تفکر فلسفی‌اش ریشه می‌گیرد. حتی شعرهای ساده‌ترش نشان می‌دهد که منبع الهام، به یک ژرفای درونی برمی‌گردد و جای تفسیر و تاویل دارد. با این همه بعضی از شعرهایش ممکن است راحت‌تر و سهل‌الوصول‌تر باشند. ولی باخمن شاعری است که در عین درک سریع اشعارش، لازم است روی آن‌ها تامل و تفکر شود. او شاعری است که مدام ذهن مخاطب را به کلنجار و تامل وامی‌دارد. چنین اشعار سی‌سینه‌ها هم می‌توانند باشند.

**پیوست‌هایی که در بخش پایانی این کتاب آوردید، برحسب چه ضرورتی بوده است؟**

این پیوست‌ها در متن کتاب اصلی هم بودند که من ترجمه کردم. این مطالب را به عنوان شاخصه‌هایی

**باخمن شاعری بود که می‌توان او را به تعبیر نیما، «زاده اضطراب جهان» دانست. او از دردها، دلواپسی‌ها و تنهایی‌های انسان امروز سرود و ذهنش بین شعر و فلسفه مدام در نوسان بود**

**چه شد که سراغ اینگه بورگ باخمن رفتید و مجموعه «در توفان گل سرخ» را ترجمه کردید؟**

اینگه بورگ باخمن شاعر اتریشی را با گزیده کوچکی از اشعارش به نام «ترانه‌هایی در گریز» شناختم که خانم ماندانا مقدم ترجمه کرده بود. این شعرها ضمن این که بر دل و ذهنم خوش نشست، نشان می‌داد که با شاعری ژرف‌اندیش و شگرف‌روبه رویم. از طرف دیگر، بیژن الهی را یک بار دیده بودم و با نامش هم از طریق ترجمه شعرهای لورکا و آرتور رمبو آشنا بودم و ارادت خاصی هم به ایشان پیدا کردم. یک بار طی تماسی که با هم داشتیم، پیشنهاد داد که اشعار باخمن را ترجمه کنم، چون به زعم وی این توانایی در من بود. این پیشنهاد مرا به فکر انداخت و وسوسه شدم که سراغ ترجمه اشعار باخمن بروم. به هر حال، بیژن الهی، انسان آگاه و صاحب‌نظری در حوزه شعر و ادبیات جهان است. بنابراین، تصمیم گرفتم مجموعه اشعار باخمن را از طریق دوستانم تهیه کنم. پس از تهیه کتاب، روی اشعار او متمرکز شدم. البته در گذشته، مرحوم هوشنگ طاهری یکی - دو داستان از باخمن را ترجمه کرده و در کتاب «گزیده‌ای از داستان‌های نویسندگان آلمانی زبان» چاپ کرده بود و من نام این شاعر و نویسنده اتریشی را از آن زمان به صورت خیلی کم‌رنگ در حافظه داشتم.

**در مورد کیفیت ترجمه این اشعار باخمن که توسط خانم مقدم انجام شده، هیچ قضاوتی نمی‌کنم، اما وی حداقل این زحمت را کشیده و باخمن شاعر را به جامعه ما معرفی کرده است. پیش از این، شعری از ایشان ندیده‌بودم و همین عوامل سبب شد که ترجمه‌ای از اشعار دو کتاب باخمن را فراهم کنم و به دست چاپ بسپارم.**

**خانم باخمن در شعر معاصر آلمانی زبان، چه جایگاهی دارد؟**

باخمن با دو مجموعه شعر، علاوه بر این که در شعر آلمان چهره تأثیرگذاری بود، حتی تأثیر او را در شعر اروپا هم می‌بینیم. وی در عرصه شعر خیلی نزدیک به پل سلان بود. می‌شود باخمن، پل سلان، تراکل و هسه را منظومه‌ای از شاعران تراز اول اروپا ارزیابی کرد که تأثیرات سنگین و عمیقی بر شعر این منطقه داشته‌اند. اما، باخمن حال و هوا و زبان خاص خودش را بین شاعران این نسل داشت، چون فلسفه خوانده بود و دکترای فلسفه داشت، بینش فلسفی در شعرش موج می‌زد، یعنی اشعارش با ذهن و آبخشور فلسفی‌اش گره خورده بود. باخمن شاعری بود که می‌توان او را به تعبیر نیمای بزرگ، «زاده اضطراب جهان» دانست. او از دردها، دلواپسی‌ها و تنهایی‌های انسان امروز سرود و ذهنش بین شعر و فلسفه مدام در نوسان بود. شاعری بود عمیقاً فلسفی و ژرف‌اندیش که یکبار از شعر برید. او در یکی از مصاحبه‌هایش در این مورد می‌گوید: «من شعر می‌خوانم، اما شعر برایم مشغله اصلی و دغدغه ذهنی نیست». بعد از مرگ ناگهانی‌اش هم بیشتر منتقدان به ارزش‌های شعرش پی‌نبردند. البته باخمن بعد از چاپ دو مجموعه شعر بیشتر به نوشتن داستان، رمان و نمایشنامه‌های رادیویی روی آورد. وی که در سال ۱۹۲۶ میلادی در کلاگنفورت، شهر

عرفان خاصی هم در شعرش دیده می‌شود، به جامعه ایران معرفی شود.

**ترجمه اشعار لورکا در چه مرحله‌ای است؟**

فکر می‌کنم بتوانم حدود هفتاد درصد از کل اشعار لورکا را به فارسی برگردانم.

**مجموعه‌ای که بیژن الهی در دهه پنجاه از اشعار لورکا ترجمه و منتشر کرد، حدود یک سوم از کل اشعار لورکا بود. شما حجم بیشتری از کارش را ترجمه می‌کنید؟**

درست است. آن مجموعه حدود سی تا چهل درصد از شعرهای لورکا را دربرمی‌گرفت. من هم حجمی در همین حدود یا کمی بیشتر را مد نظر دارم. شاید به اندازه حجم کتابی که خانم رهبانی از اشعار لورکا ترجمه کرده است. من اصلاً حجم مشخصی از پیش تعیین نکرده‌ام ولی سعی کردم شاخصه‌های شعر لورکا را در دفترهای مختلف اشعارش تا جایی که قادرم انتخاب کنم و نشان بدهم. فکر می‌کنم تا الان حدود هفتاد - هشتاد درصد از کار پیش رفته باشد.

**انتخاب شعرها برای ترجمه بر چه اساس و معیاری صورت می‌گیرد؟ زیبایی صورت و معنا یا ترجمه پذیری اشعار؟**

شاید همه این ویژگی‌ها در انتخاب شعر برای ترجمه دخیل باشند. اولاً خود من به لحاظ سلیقه‌ای، شعری را که ترجمه کنم باید دوست داشته باشم، یعنی آن شعر به شکلی، تارهای جان مرا به ارتعاش دریاورد و مرا از درون منقلب کند، یعنی از آن شعر لذت ببرم و اگر شد این لذت را با خواننده تقسیم کنم. بنابراین، ممکن است ملاک اولیه من برای ترجمه یک شعر، همین علاقه و میل شخصی باشد. بعد از این مرحله برمی‌گردیم به همان معیار دیگر.

برخی از اشعار هم هستند که اگر شما بخواهید خیلی روی ترجمه آن تأکید کنید، شاید به آن شکل که دلتان می‌خواهد خوب از کار درنیاید. بنابراین، ترجمه‌پذیری شعر هم می‌تواند یکی از ملاک‌های مهم در انتخاب برای ترجمه باشد. در مورد زیبایی شناسی شعر، همان‌طور که می‌دانید، دیدگاه مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی تنها مرکز اسنادی قوه مقننه به شمار می‌رود که فعالیت رسمی خود را از سال ۱۳۷۲ آغاز کرده است. این مرکز با دارا بودن حدود ۱۲ میلیون سند از اسناد برگرفته از مجلس شورای ملی و مجلس سنا، بی‌شک از مهم‌ترین آرشیو پارلمانی کشور محسوب می‌شود.

گفت وگویی که در ادامه می‌آید، درباره این مرکز با علی ططری، رئیس این کتابخانه انجام شده است. ططری با بیان اینکه اسناد موجود در این مرکز، بازگویی تاریخ نهادینه شدن دموکراسی و نهاد قانون گذاری در کشور است، گفت: «بعد از شروع ریاست دکتر رسول جعفریان در کتابخانه مجلس، تحولاتی بنیادین در این کتابخانه رخ داد که این تحولات در مرکز موزه و اسناد هم تعمیم پیدا کرد. دو اقدام مهمی که تاکنون صورت گرفته، دیجیتال سازی منابع (اسکن نسخ خطی و منابع دیگری نظیر نشریات) و تحول بنیادین در بعد جمع آوری اسناد بود.»

ططری ادامه داد: «از زمانی که بنده مسوولیت مرکز اسناد کتابخانه مجلس را با رهنمودهای دکتر جعفریان شروع کردم، نخستین برنامه مان تکمیل کادرسنسان و نیروی انسانی مجرب این مرکز بود که کمبود آن در طول ۱۵ سال فعالیت این مرکز به شدت احساس می‌شد. تقابل از اجرای این برنامه، تنها ۱۲ کارشناس در این مرکز مشغول فعالیت بودند. برای جذب نیروی انسانی خود بر خلاف شیوه مرسوم در کشور روش نوینی را پیاده کردیم. به این صورت که ما از تمام دانشگاه‌های تهران ۳۰ نفر از دانشجویان ممتاز کارشناسی ارشد را در رشته تاریخ جذب کردیم و در این گزینش، هیچ گونه دخالتی نداشتیم و خود این دانشگاه‌ها دانشجویان ممتاز را معرفی کردند.»

رئیس مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی توسعه طرح‌های پژوهشی را از دیگر اقدامات این مرکز عنوان کرد و اظهار داشت: «پیش

زیبایی شناسی هر یک از ما با یکدیگر متفاوت است به همین دلیل سعی کردم بیشتر، اشعاری را برای ترجمه انتخاب کنم که بر دل می‌نشیند.

**ترجمه‌های اولیه شما را از شعر برخی شاعران دیده‌ام، گویا تأکید خاصی بر وزن شعر داشتید و از زبان و لحن حماسی بهره می‌گرفتید. در حالی که در ترجمه اشعار باخمن این شیوه را کنار گذاشتید، رعایت وزن و آهنگ در ترجمه شعرها، ضرورت شعر اصلی بود یا اصرار خودتان؟**

به نکته بسیار خوبی اشاره کردید. شاید شما احساس کرده باشید که زبان مشترکی در ترجمه‌های من از اشعار اکتاوویاز، نرودا و حتی شاید الی تیس وجود دارد یا بعضی اشتراکات کلامی شاید در ترجمه من از اشعار این شاعران به چشم بخورد. حتی شاید بعضی این تصور را داشته باشند که زبان این ترجمه‌ها، به نوعی تحت تأثیر زبان شاملوست، درحالی که این شاعران یعنی یاز، نرودا و الی تیس شاعران خاصی اند که به رغم این که از سرزمین‌های متفاوتی برخاسته‌اند و در زمان‌های مختلفی زندگی کرده‌اند، ولی بسیار سنگین و نزدیک بر یکدیگر تأثیر گذاشته‌اند. به این صورت که الی تیس شاعر یونانی مجموعه کامل اشعار لورکا را به زبان یونانی ترجمه کرده است. یعنی تا این حد این شاعر، عاشق و شیفته زبان و شعر لورکا است. شاعران اسپانیولی زبان به گونه‌ای بر کار یکدیگر اثرگذار بودند بنابراین، ممکن است جایی اشتراک زبان در بین ترجمه اشعار این شاعران احساس شود و همین شاخصه شاید در شعر لورکا در اوج خودش باشد که الان مشغول کار روی آن هستم. اما نکته جالب این است، بسیاری از این شاعران که اسم بردم (و مشخص‌ترین آنها نرودا) بسیار تحت تأثیر گابریل میسترال بودند.

در مقدمه‌ای که بر ترجمه شعر میسترال نوشتم، تأثیر شعر او بر شعر نرودا را نشان دادم. این تأثیر آنچنان مشهود و سنگین است که گاهی شما فکر می‌کنید یک شعر نرودا سروده میسترال یا شعر میسترال سروده نرودا است! این تأثیر گذاری شاعران بر یکدیگر

سبب شده که در ترجمه شعرشان زبانی نزدیک به هم انتخاب کنم. قاعدتاً ترجمه شعر ایجاب می‌کند که از آن زبان ساده و سطحی کمی فاصله بگیرم. اتفاقاً هیچ‌یک از این چند شاعر، زبان ساده و آسانی نداشتند. در بعضی از این شعرها، به دلیل ظنینی که در زبان اسپانیولی پشت هم می‌آید، یا واک‌ها که در کنار هم می‌نشینند، مترجم با بازی کلمات و جایگزین کردن واژه‌ها، آن را به زبان فارسی انتقال می‌دهد. من سعی خودم را در این مسیر کرده‌ام اما اینکه چقدر موفق بودم، قضاوت با مخاطبان است. اگر کسی می‌خواهد قضاوت دقیقی داشته باشد، باید بنشیند و این اشعار را مقابله کند؛ از دو جهت هم مقابله کند، یکی موضوع شعر در ترجمه انگلیسی که منبع ترجمه من بود و دیگری ترجمه آن به فارسی. من، آن دسته از اشعاری را که به زبان اسپانیولی بوده، واژه به واژه بیرون کشیدم و با متن انگلیسی مقابله کردم. حتی به ضرورت، لغت به لغت، مطابقت دادم. جاهایی هم بوده که علامت گذاشتم که مترجم انگلیسی یا نفهمیده یا مسامحه کرده یا آن را کش داده است.

بنابراین، این آن چیزی بود که من سعی کردم در ترجمه شعر شاعران اسپانیولی زبان رعایت کنم. بارها بار این اشعار خواندم تا ظن این شعرها در ذهنم بنشینند، حتی به رغم این که زبان اسپانیولی نخوانده‌ام، سعی کردم با گوش دادن به دکلمه این اشعار، خودم را به موسیقی و آهنگ آنها نزدیک کنم. بنابراین آبشخور این شاعران وقتی یکی است، زبانی مشترک هم می‌یابد. طبیعتاً وقتی شعری از زبانی به زبان دیگری برمی‌گردد، صد درصد آن سبک شعری اش رانمی‌توان برگرداند. ولی شما آن حال و هوا و مشرب زبانی و فکری شاعر را تا حدی می‌توانید به زبان دیگری انتقال بدهید. البته من دو مجموعه دیگر هم دارم که حال و هوایی متفاوت دارند؛ یکی متعلق به کلارا خانس است که شاعری از فضای ادبیات معاصر اسپانیاست. زبان ترجمه در این مجموعه به کلی با زبانی که نرودا، یاز و دیگران را ترجمه کرده‌ام متفاوت است؛ چراکه او زبانی مخصوص خودش را دارد و

بینش شعری این شاعر ایجاب می‌کرد که زبان شعری متفاوتی به کار گرفته شود. خوشبختانه کار را با همکاری کسی انجام دادم که در اسپانیا دکترا معماری خوانده است.

آقای پاشایی او را به من معرفی کرد، به همین دلیل خیال‌م راحت است که توانستیم سبک این شاعر را به زبان فارسی انتقال بدهیم. مجموعه متفاوت دیگری هم که می‌توانم نام ببرم، مجموعه‌ای از خانم اینگه بورگ باخمن است. باخمن دیگر زبان خاص خودش را دارد. زبان شعر او با زبان نرودا، لورکا و... به کلی متفاوت است.

**ترجمه این اشعار چقدر در سروده‌های خود شما تاثیر می‌گذارد؟ یا به تعبیر دیگر شاعرانگی شما چقدر در فرآیند ترجمه اشعار دیگر شاعران موثر است؟**

به این مسئله اعتقاد دارم کسی که دست به ترجمه شعر می‌زند، باید قبل از هر چیز شاعر باشد و حتی اگر یک سطر شعر نوشته باشد، باید شناخت عمیقی از شعر و فرآیند خلق شعر داشته باشد. اگر این نیست باید دست کم روح بسیار بلند شاعرانه‌ای داشته و خلاق باشد. کم داریم چنین افرادی که به ترجمه شعر روی بیاورند. اگر مترجم این ویژگی‌ها را نداشته باشد، در کارش موفق نیست. اما در مورد تأثیر پذیری من از اشعاری که ترجمه می‌کنم، باید بگویم بدون شک این اشعار در سروده‌های من بی‌تأثیر نیستند. این تأثیر گاه آگاهانه است و گاه ناخودآگاه و طبیعی است که مطالعه شعر شاعران جهان بر شعرها تأثیر می‌گذارد. اصلاً تأثیر پذیری یک شاعر از شاعر دیگر همین است. حالا ممکن است یک شاعر، شاعر دیگری را آنقدر دوست داشته باشد که در شعر و زبان او حل شده باشد. من اگر شعری را خیلی دوست داشته باشم و هنگام سرودن آگاهانه تحت تأثیر آن قرار بگیرم، قطعاً آن شعر را کنار می‌گذارم. حقیقت این است که تأکید من بیشتر روی ترجمه شعر است و گمان می‌کنم تحول اساسی در شعر امروز ما، از طریق ترجمه و شناخت شعر و شاعران جهان اتفاق می‌افتد.

## چشم انداز مرکز اسناد کتابخانه مجلس در گفت وگو با علی ططری

# انتشار سه کتاب تازه

علی هادیلو

دو مجموعه سند به مرکز اسناد کتابخانه مجلس اهدا شده بود اما در طول ۸ ماه اخیر، در نتیجه اقدامات تازه چهار مجموعه اسناد به کتابخانه اهدا شده و ما هر ماه نیز خرید سند را در دستور کارمان قرار داده ایم.»

وی افزود: «سیاستی نیز که برای تشویق اهداکنندگان اسناد به این مرکز در پیش گرفتیم، این است که طبق دستور ریاست محترم این کتابخانه، اسناد اهدایی به نام خود اهداکننده با کیفیت عالی منتشر می‌شود. این سیاست با چاپ یکی از مجموعه‌های اهدایی دکتر حسن رهاورد با عنوان «رهاورد حسن» آغاز شده و بعد از این هم دنبال خواهد شد. حتی اگر اهداکنندگان این اسناد چهره برجسته



علمی و تاریخی کشور باشند، خاطرات و گفته‌هایشان را طی یک گفت وگو ضبط و در مجموعه‌های مستقلاً با عنوان تاریخ شفاهی منتشر می‌کنیم.

طبق این سیاست، اگر کسانی پیدا شوند که قصدشان صرفاً فروش اسناد باشد ما این اسناد را با مبلغی معین از آنها خریداری می‌کنیم. «

ططری در ادامه با بیان این که تا قبل از سال ۸۷ برنامه ریزی مدونی برای گردآوری و حفظ اسناد ادوار مختلف مجلس شورای ملی و اسلامی و همچنین مجلس سنا وجود نداشت و عمده اسناد به صورت پراکنده و مراکز مختلف نگهداری می‌شدند گفت: «اما پس از این تاریخ، سیاست‌های

ما موجب گردآوری و انتقال این اسناد به مرکز اسناد کتابخانه مجلس شده است.»

رئیس مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، افتتاح واحد تاریخ شفاهی در بخش فراهم‌آوری مرکز اسناد کتابخانه را یکی دیگر از اقدامات بسیار مهم این مرکز در سال گذشته عنوان و اذعان کرد: «با افتتاح این مرکز نزدیک به ۳۰ مصاحبه با شخصیت‌های مهم مجلس ملی و مجلس شورای اسلامی انجام شده است که در نظر داریم این برنامه را توسعه داده و با نمایندگان و کارمندان که از زمان گشایش مجلس شورای ملی در این مجلس فعالیت داشتند، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان که اکنون در قید حیاتند، مصاحبه و خاطرات آنان را ضبط کنیم.»

وی در ادامه، توسعه فعالیت‌های بخش فراهم‌آوری را از دیگر تحولات چشمگیر این مرکز خواند و تصریح کرد: «بخش فراهم‌آوری که در هر مرکز اسناد معتبری مهم‌ترین بخش و به تعبیری بازوی اصلی قلمداد می‌شود، تا پیش از مدیریت کنونی عملاً تعطیل بود اما پس از این تاریخ در بخش اسناد، واحدی با عنوان فراهم‌آوری در مکانی ویژه ایجاد شد که با جذب متخصصان مجرب، اسناد جدید را در بدو ورود، شناسایی، سازماندهی و فهرست‌نویسی می‌کند. در واقع فعالیت این بخش موجب بازشناخت اسناد در کوتاه‌ترین مدت می‌شود.»

ططری در پایان تأکید کرد: «در بخش عکس این مرکز نیز قدم‌های امیدبخشی برداشته شده است. تا قبل از سال ۸۷ نزدیک به ۸ هزار عکس در این کتابخانه وجود داشت که تنها ۴۰۰ عکس متعلق به مظفرالدین شاه بود، در حالی که در طول ۸ ماه اخیر حدود دو هزار عکس به این مرکز اهدا شده و حتی اخیراً علاوه بر خرید اسناد، خرید عکس‌های تاریخی را نیز در دستور کار قرار داده ایم و تاکنون، صد قطعه عکس نیز خریداری شده‌اند.»

نگاهی به تصحیح جدید «برزو نامه» سروده شمس الدین محمد کوسج

# برزو نامه، یادگاری از دفترهای پهلوانی

در بخش «معرفی برزو نامه» به چاپ‌های این مدتی حماسی اشاره شده است. در اینجا مصحح دلایل خود را برای دو بخش دانستن «برزو نامه» به تفصیل شرح می‌دهد. از جمله می‌نویسد که نوع داستان پردازی و سبک و طرز بیان، آشکار می‌سازد که متن از دو بخش متفاوت تشکیل شده است. بررسی دستنویس‌های بازمانده هم مصحح را به همین دو گانگی متن رسانده است. آنگاه در ادامه به دیدگاه خاورشناسان می‌پردازد و تصور نادرستی را که برخی از آنان درباره گوینده «برزو نامه» داشته‌اند و سبب پنداشت غلط دیگران نیز شده است، با خواننده در میان می‌گذارد.

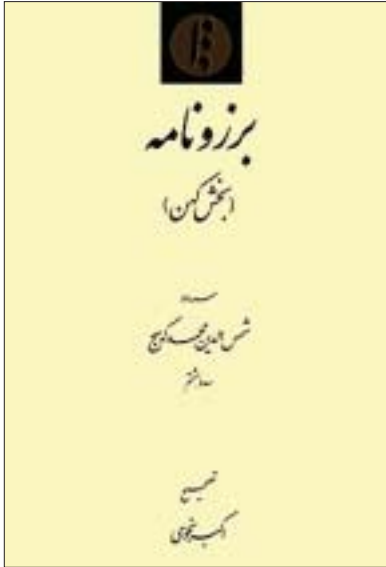
نام گوینده «برزو نامه» و سبک و اسلوب بیان او قسمت دیگری از مقدمه پر اطلاع مصحح را تشکیل می‌دهد. علاوه بر آن چکیده‌ای از داستان نیز آورده شده تا خواننده پیش از مراجعه به متن، نمای کلی از سیر وقایع در ذهن داشته باشد.

اصالت و قدمت داستان «برزو نامه» کهن، موضوع دیگری به شمار می‌رود که به بحث گذاشته شده است. منظور از بخش کهن، سروده شمس الدین محمد کوسج است که قدیمی‌ترین بخش پایانی «برزو نامه» محسوب می‌شود. در اینجا به ویژه باید به بخش «ناهماهنگی برزو نامه کهن با دیگر داستان‌های حماسی» اشاره کرد که قسمت آگاهی بخش دیگری از مقدمه مصحح است. در این بخش، مصحح، با دقت و حوصله، ناهماهنگی شخصیت‌های داستانی «برزو نامه» را با شاهنامه فردوسی برمی‌شمارد و یادآور می‌شود که این ناسازگاری در نگاه نخست شگفت‌آور است چرا که برزو فرزند سهراب و بسیاری از پهلوانان این داستان همان پهلوانان شاهنامه‌اند. پس انتظار می‌رود که شباهت‌های افزون‌تری میان دو متن باشد اما چنین نیست.

سنجش میان داستان برزو با داستان رستم و سهراب و نیز اشاره به برخی آیین‌های عیاری در داستان برزو از بخش‌های سودمند و خواندنی مصحح در مقدمه اوست. مصحح در مقدمه کتاب اشاره می‌کند که تاثیر برخی از آداب و رسوم عیاری در داستان «برزو نامه» آشکار است. برای نمونه رفتن شهر و مادر برزو، به سیستان، سرچشمه پاره‌ای رویدادهایی می‌شود که ریشه در منش و رفتار گروه جوانمردان و فتیان دارد.

می‌دانیم که سیستان خاستگاه آیین عیاری در ایران بوده است. مصحح این توضیح را هم می‌افزاید که بنا به نقل برخی از متون تاریخی، جایگاه پیدایش و شکل‌گیری داستان برزو، منطقه سیستان بوده است. از این رو چندان شگفت‌آور نیست که رگه‌هایی از منش عیاری را در رفتار پهلوانان و شخصیت‌های «برزو نامه» بیابیم. این نکته از آن رو اهمیت دارد که آمیختن داستان‌های پهلوانی و حماسی ایران را با ماجراهای عیاران که از مردمان فرودست جامعه بودند، نشان می‌دهد.

بخش روایت‌های شفاهی «برزو نامه» و موارد اختلاف روایت‌های شفاهی و روایت مکتوب نیز یاد کردنی است. معرفی نسخه‌های «برزو نامه» و روش تصحیح متن پایان بخش مقدمه کتاب است. نمایه کتاب، شامل نام کسان و جای‌های نیز پس از متن قرار گرفته است اما جای یادداشت‌ها و توضیح پاره‌ای واژه‌های دیرپای و بیت‌های دشوار کتاب، خالی است. شاید افزودن «واژه‌نامه» به کتاب، یا آوردن «کشف‌الابیات» متن، بر سودمندی کتاب می‌افزود و استفاده از آن را برای پژوهندگان آسان‌تر می‌ساخت.



هجری است. متن تصحیح شده اکبر نحوی تنها شامل بخش نخست «برزو نامه» است اما وعده داده که در آینده بخش دوم را نیز جداگانه تصحیح و منتشر خواهد کرد.

از سوی دیگر مصحح کتاب همین بخش نخست را به دو قسمت مجزا بخش‌بندی کرده است. بخش نخست شامل آغاز داستان تا شناخته شدن برزو و آشتی او با ایرانیان است که ۲۴۱۳ بیت دارد و بخش دوم که از آمدن «سوسن جادو به ایران و گرفتن پهلوانان» آغاز می‌شود و تا پایان منظومه ادامه می‌یابد، دارای ۱۸۲۸ بیت است. نحوی در مقدمه مفصل کتاب، دلایل خود را برای شماره‌گذاری‌های جداگانه این دو بخش آورده و گفته که داستان سوسن در برخی جزئیات همانند داستان‌هایی از شاهنامه فردوسی است و دور از ذهن نیست که بپنداریم پردازنده این بخش از «برزو نامه»، از شاهنامه تاثیر پذیرفته است. این الگوپذیری آن گونه که مصحح برشمرده شامل دو داستان هفت‌خوان رستم و هفت‌خوان اسفندیار است.

محقق کتاب برای فراهم آوردن متنی پاکیزه و پیراسته از نادرستی‌ها، از پنج نسخه خطی معتبر که در کتابخانه‌های کمریج، دانشگاه تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و دو دستنویس دیگر در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شوند، استفاده کرده است. برای این کار، او نسخه کمریج را که به تشخیص او از اعتبار و اصالت بیشتری برخوردار است، پایه قرار داده و دستنویس‌های دیگر را با آن سنجیده است. موارد اختلاف نیز با دقت و حوصله در پایین صفحات نشان داده شده است. اهمیت نسخه کمریج «برزو نامه» در این است که بیت افزوده ندارد، هر چند در پاره‌ای جاها افتادگی‌هایی در آن تشخیص داده‌اند اما این نقص‌های جزئی به کمک نسخ دیگر برطرف شده است.

جدای از روش درست و باریک‌بینانه مصحح در ویرایش کتاب، باید به مقدمه مفصل او (در ۷۸ صفحه) اشاره کرد. در این مقدمه ابتدا به تاریخچه تدوین حماسه ملی ایران پرداخته شده است. این تاریخچه از «خدای نامه» ساسانی آغاز می‌شود و به نگارش شاهنامه‌های پیش از فردوسی می‌رسد. آن شاهنامه‌ها شامل کتاب مسعودی مروزی، ابوالمؤید بلخی و شاهنامه ابومنصوری است. پیداست که سرآمد آنها اثر فردوسی است که مصحح به درستی آن را اوج رفعت و تعالی شاهنامه‌نویسی در ایران می‌داند.

به روز دیگر می‌افکند. برزونیز که سرمست از پیروزی است و به زور بازو و نیروی خود اطمینان دارد، سخن رستم را می‌پذیرد. در فرهای نبرد، فرامرز نیز به کمک رستم می‌آید و آن دو، سرانجام، برزو را به بند می‌کشند و با خود به سیستان می‌برند.

خبر گرفتار شدن برزو به مادر او؛ شهر و، می‌رسد. شهر و سرآسیمه به سیستان می‌آید و راز برزو را آشکار می‌سازد و به رستم می‌گوید که برزو نواده اوست. از آن پس پای زنی مکار و دسیسه‌ساز به نام سوسن به ماجرا کشیده می‌شود و این زن سبب ساز رویدادهای شگفت‌انگیزی می‌شود که بر گیرایی و جذابیت داستان «برزو نامه» می‌افزاید.

تا چندی پیش گوینده «برزو نامه» شناخته شده نبود. مصحح کتاب؛ اکبر نحوی، استاد دانشگاه شیراز بنا بر شواهد و نشانه‌هایی که از یکی از دستنویس‌های «برزو نامه» دریافت می‌شود، نام سراینده منظومه را «شمس الدین محمد کوسج» دانسته و با آن که نتوانسته درباره او آگاهی افزون‌تری به دست بیاورد، اما از طرز سخن و اسلوب داستان‌پردازی او گمان می‌رود که در قرن هشتم هجری می‌زیسته است.

مصحح «برزو نامه» حتی از بی‌تی از کتاب دریافت است که احتمالاً شمس الدین محمد، علاوه بر کتاب «برزو نامه» داستان‌های حماسی دیگری را نیز به نظم کشیده است. یکی از آن داستان‌ها، به گمان فراوان، درباره بیژن بوده است. به همین دلیل برخی از کاتبان، منظومه «برزو نامه» را دنباله داستان بیژن گمان کرده‌اند و آن را به برخی از نسخه‌های شاهنامه افزوده‌اند.

دکتر ذبیح‌الله صفا سبک و شیوه داستان‌پردازی گوینده «برزو نامه» را در خور توجه بسیار دانسته و آن را از دید تسلسل رویدادها، وصف پهلوانان، به کار بردن واژه‌های متناسب با منظومه‌ای حماسی و ترتیب میدان‌های جنگ بسیار با اهمیت تشخیص داده و حتی جایگاهی برتر از «گرشاسپ نامه» برای آن قائل شده است. همچنین مهارت شاعر را در بیان صف آرایی‌ها، میدان‌سازی‌ها و وصف رزم و بزم‌ها، ستایش آمیز دانسته و به این نکته هم اشاره کرده که ابیات سست و ناستوار نیز در «برزو نامه» می‌توان یافت، اما نه چندان که در برخی از منظومه‌های حماسی دیگر دیده می‌شود.

اکبر نحوی؛ مصحح کتاب، داوری دکتر صفا را درباره اهمیت برزو نامه و توانایی شاعر در نقل رویدادهای حماسی می‌پذیرد، اما یادآور می‌شود که بیت‌های سست در «برزو نامه» نمی‌توان یافت. اگر هم باشد بیت‌های انگشت شمار متوسطی است که چه بسا ناشی از تصرف و دخالت کاتبان بوده است. مصحح کتاب با آوردن دلایلی روشن، معتقد است که منظومه «برزو نامه» در اصل دو کتاب جداگانه بوده است. کتاب نخست را شمس الدین محمد کوسج سروده و کتاب دوم که دنباله سرگذشت برزو است، پرداخته و سروده شاعری به نام عطایی در قرن دهم

تا چندی پیش گوینده «برزو نامه» شناخته شده نبود. مصحح کتاب اکبر نحوی، بنا بر شواهد، نام سراینده منظومه را «شمس الدین محمد کوسج» دانسته است

بخش کهن «برزو نامه» سروده شمس الدین محمد کوسج (از سده هشتم)، با مقدمه، تحقیق و تصحیح اکبر نحوی، از سوی مرکز پژوهشی میراث مکتوب، به دستداران ادبیات حماسی ایران عرضه شده است. برزو نامه یکی از منظومه‌های حماسی به شمار می‌رود که شهرت بسزایی به دست آورده است.

دلبستگی و توجه روزافزون ایرانیان به شاهنامه فردوسی و داستان‌های حماسی، سبب شد که به فاصله زمانی اندکی پس از فردوسی، منظومه‌های حماسی گوناگونی سروده شوند. این منظومه‌ها شامل داستان‌های حماسی بودند که در شاهنامه فردوسی بدان‌ها پرداخته نشده بود. شاید نامدارترین آنها «گرشاسپ نامه» اسدی طوسی است که زمان کوتاهی پس از سرگذشت فردوسی پدید آمد و شامل سرگذشت و دلاوری‌های گرشاسپ، نیای بزرگ رستم؛ پهلوان ایرانی است.

اسدی طوسی در سرآغاز منظومه خود از این که فردوسی به داستان گرشاسپ نپرداخته و سرگذشت آن جهان پهلوان نامدار ناگفته مانده است، اظهار شگفتی می‌کند و انگیزه خود را در سرایش «گرشاسپ نامه» همین نادیده ماندن رزم‌ها و کارهای شگفت‌آور گرشاسپ قلمداد می‌کند.

از دیگر منظومه‌های نامداری که شهرت بسیار به دست آورده بود، می‌توان به «بهمین نامه» ایرانشاه ابن ابی‌الخیر اشاره کرد. این منظومه، همان گونه که از نام آن پیداست، درباره رویدادهای روزگار بهمین؛ شاه کیانی و ماجراهایی که بر او گذشته است.

به هر روی باز هم می‌توان منظومه‌های حماسی فراوانی را برشمرد که به تقلید از شاهنامه سروده شده‌اند یا دربردارنده سرگذشت یکی از پهلوانان نامدار ایرانند. «کوش نامه»، «شهریار نامه»، «سام نامه»، «فرامرز نامه» و... همه بازمانده و یادگاری از دفترهای پهلوانی هستند که مردم ایران بدان‌ها اقبال و علاقه بسیار نشان می‌دادند. برای نمونه در «تاریخ سیستان» آورده شده که گزارش نبردها و کارهای سترگ فرامرز؛ فرزند رستم، نزدیک به ۱۲ جلد کتاب بوده است. هر چند هیچ کدام از آن کتاب‌ها به جا نمانده و در گذر زمان از بین رفته است، اما به هر حال دقت در ضبط و ثبت کارهای پهلوانان حماسی ایران، نشان می‌دهد که آن مردان دلاور چه آوازه و نام‌آوری در نزد ایرانیان داشته‌اند و تا کجا داستان آنها را رغبت و انگیزه مردم را برای پیگیری ماجراهای حماسی و پهلوانی برمی‌انگیخته است.

یکی از همان منظومه‌های حماسی که شهرت بسزایی به دست آورده و در کتاب‌های تاریخی بارها بدان اشاره شده، «برزو نامه» است. برزو فرزند سهراب» پس از مرگ پدرش از «شهر و» زاده می‌شود و اندک زمانی طول نمی‌کشد که همانند پدر یال برمی‌افزاید و در انجام کارهای پهلوانی و دلاورانه بی‌همتایی می‌شود. شگفت است که شیوه بالیدن و سربر آوردن برزو، بسیار همانند داستانی است که در شاهنامه فردوسی درباره سهراب آمده است. پیداست که پردازندگان حماسه «برزو نامه» سرگذشت سهراب را پیش روی داشته‌اند. زمانی طول نمی‌کشد که افراسیاب بر اثر حادثه‌ای برزو را می‌بیند و او را با فریب و نیرنگ به نزد خود می‌خواند و با سپاهی گران به جنگ رستم می‌فرستد. سرانجام پس از کش و قوس‌ها و ماجراهای ریز و درشت، نژاد برزو آشکار می‌شود و آن ستیزها و نبردها به آشتی و یگانگی می‌انجامد. شگفت است که رستم در نبرد آغازین با برزو (همانند رویارویی اش با سهراب) هنگامی که درمی‌یابد توان مقابله با برزو را ندارد، به نیرنگ دست می‌یازد و به بهانه‌ای هموردی با او را

# درک حماسه ملی، جهان‌شناسی قوم هاست

هر یک از آنها می پردازد.

فصل پنجم کتاب به «ریشه های شکست» اختصاص دارد. به باور او کزروی های دینی و رخنه اندیشه های دینی دیگر در ایران روزگار ساسانیان، دو عامل بنیادی پذیرش اسلام از سوی ایرانیان بوده است. بی ایمانی مردم به دستگاه فرمانروایی و وجود شکاف های ناشی از تناقض های اندیشه ای در درون حکومت ساسانی نیز از عواملی بوده اند که نویسنده آنها را در پدید آمدن رویدادی که به پایان فرمانروایی ساسانیان انجامید، موثر می داند.

## جست و جوی منطق و خرد

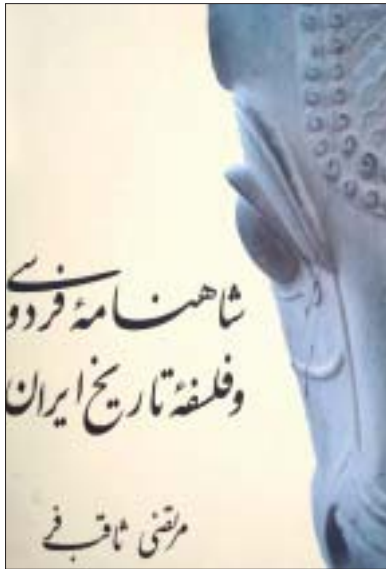
نویسنده در فصل پایانی این کتاب، بار دیگر به فلسفه تاریخ باز می گردد و این نکته اساسی را با خواننده در میان می گذارد که میان فلسفه تاریخی، که از زبان یک فیلسوف گفته می شود، با آنچه در نزد یک حماسه سرامی یابیم، تفاوت وجود دارد. فیلسوف در جست و جوی یافتن منطق و خردی برای تاریخ است. اما حماسه بیش از هر چیز دیگر در جایگاه هنر و چارچوب های آن قرار دارد. هنرمند در پس اثر خود است که می تواند به فلسفه تاریخ پردازد. پیداست زبانی هم که بکار می برد با زبان فلسفه تفاوت دارد. ثاقب فر می نویسد: «از این رو شاهنامه، فردوسی یک حماسه ملی است و نه فلسفه تاریخ، پس هیچ جا از فلسفه تاریخ ویژه ای، آشکارا سخن نمی گوید و نباید بگوید. این ما هستیم که چنین فلسفه ای را باید در درونش بشناسیم و آنگاه به بیرون کشیدن و آشکار سازی آن بپردازیم.»

درباره فلسفه تاریخی که بر شاهنامه حاکم است، نویسنده بر این باور است، که فردوسی درباره پیوند انسان و خدا سخن ویژه و مشخصی نمی گوید، اما سراسر این اثر اشاره به اتکای آدمی به خداوند برای پیشبرد نیکی و چیرگی بر بدی و ناراستی است. ثاقب فر می نویسد که درست است که فردوسی پیوسته از مرگ و نیستی شکوه می کند، اما این آزرده گی او از سر «بد بینی به زندگی» نیست، بلکه برعکس نشان از عشق به زندگی و دوری از نیستی دارد. دلیل درستی چنین برداشتی، رنج سی ساله او برای تدوین و سرودن شاهنامه است.

پس از این، نویسنده از فلسفه ای نام می برد که چه بسا با زتاب دهنده و الگوی رفتاری ایرانیان بوده است و از آن به نام «فلسفه تاریخی ایرجی» یاد می کند. پایه این فلسفه بر جهان گرایی، شهادت خواهی و صوفی منشی گذاشته شده است. این نوع نگاه و بینش «جای جای از اندر زهای درون شاهنامه سر بر می کشد و نگرشی تازه نسبت به جهان مطرح می سازد.» در انتهای نیز می نویسد: «ایرانی سده چهارم پس از شکست ها و رنج های فراوان و مشاهده طلیعه یورش ترکان، شاید بیش از هر زمان دیگر آماده فهم، لمس و پذیرش واکنش ایرج گونه در برابر تاریخ و ستم های آن شده بود.»

یادداشت های مفصل هر یک از فصل ها نیز در پایان کتاب آمده است. خواننده به کمک آن یادداشت ها می تواند با منابع و مآخذ دیگر آشنا شود تا به جست و جوی عمیق تری درباره مباحث طرح شده در کتاب بپردازد.

کتاب «شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران» نوشته مرتضی ثاقب فر در ۴۱۴ صفحه، با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و با بهای ۴۵۰۰ تومان توسط انتشارات قطره و معین چاپ و منتشر شده و در دسترس پژوهندگان شاهنامه و محققان حماسه های ملی ایران قرار دارد.



خودآگاهی تاریخی و حتی فلسفه تاریخی است. **کاوش جهان شناسی ایرانی**

بحث درباره دین و فلسفه زرتشت و مسأله خدا و آفرینش، از موضوعاتی اند که در کتاب «شاهنامه و فلسفه تاریخ ایران» به بحث تفصیلی درباره آن پرداخته شده است. چنان بحثی بدان سبب اهمیت دارد که راهی برای شناخت فلسفه شاهنامه و تاریخ ایران است. نویسنده بر این نکته تاکید می ورزد که حماسه ملی مجموعه ای از جهان شناسی هر قوم در گذر سده های تاریخی است. پایه جهان شناسی ایرانی و شناخت اعماق شاهنامه بدون بررسی دین باستانی ایران امکان پذیر نیست. اما ثاقب فر اشاره می کند که چنین بررسی و تحقیقی بدور از دشواری نیست چرا که «کمتر دینی در جهان وجود دارد که به اندازه دین و آموزش های زرتشت، درباره آن تا این اندازه داورای های دگرسان و حتی متناقض شده باشد.» نویسنده باورمند است که جدای از پیشینه دراز دامن زرتشت، زبان فلسفی آن نیز فهم گوهر و درونمایه این دین را سخت ساخته است.

از اینجا به بعد، نویسنده به بحث درباره خدا و آفرینش و به موضوعاتی مانند آفرینش جهان مینوی، آفرینش گیتی یا جهان مادی می پردازد. گفت و گو درباره پیوند میان آدمی و خدا و نیز گیتی و آدمی از دیگر مباحث محسوب می شوند که در همین فصل بدان پرداخته شده است.

در فصل «فلسفه شاهنامه، یا داستان تحقق مینوهای فرهنگی ایران»، به جستارهایی مانند خدا و آفرینش، نبرد نیکی و بدی، گیتی در آینه کردار و گفتار قهرمانان شاهنامه باز می خوریم. «جستارهای بنیادی گاهانی در شاهنامه» عنوان فصل چهارم کتاب ثاقب فر است. نویسنده چهار جستار منش نیک، راستی، فرمانروایی آرمانی و پارسایی را بنیان های استوار فرهنگ ایران می داند و یادآور می شود که این بنیان ها، به گونه ای پیوسته و مدام در شاهنامه تکرار می شوند. این تکرار در بخش اساطیری و پهلوانی شاهنامه نمود و جلوه بارزتری دارد، چرا که در این بخش از شاهنامه میدان فراختری در اختیار فردوسی قرار داشته است تا اندیشه های فرهنگی ایرانیان را بازگو کند. بنیان هایی که نویسنده از آنها یاد می کند خرد، یکتا پرستی، دانش، کوشش، آبادگری، امید، شادمانی و نمونه های دیگرند و به توضیح درباره

سرزمین می داند و می نویسد که آنها از نظر دینی و فرهنگی، دگرگونی های بنیادینی در ایران پدید آورده بودند.

نویسنده به نکته ای دیگر توجه می دهد و می نویسد که هجوم اقوام ترک ماورالنهر به ایران (در سده چهارم) خطری بود که ایران را تهدید می کرد. چه بسا یکی از انگیزه های مهم ایرانیان برای حفظ و نگهداری اساطیر، حماسه و میراث باستانی خود، همین بیم از غلبه و چیرگی عناصر بیگانه بر ایران بوده است. او می نویسد: «بازی دردناک تاریخ برای ایران، آن بود که درست هنگامی که ایران در آستانه بازیافتن خود و کوشش برای دستیابی به فرهنگی نو و سازگار با آیین های کهن خویش بود و از این رو احتمالاً می رفت که در این راستا یگانگی راستین سیاسی خویش را بازیابد، با این یورش ها روبرو شد و همه آنچه را که اندیشمندان ایران طی چهار سده رشته بودند، پنبه گشت.»

بنابراین، گردآوری اسطوره و حماسه ایران توسط «ابومنصور محمد بن عبدالرزاق طوسی» و بعدها فراهم آمدن شاهنامه هایی همانند شاهنامه «ابومؤید بلخی» و «ابوعلی بلخی» و در نهایت شاهنامه فردوسی از رهگذر چنین تلاشی برای حفظ هویت ایرانی بوده است.

## اسطوره های ایرانی و فلسفه زمان

فصل دوم کتاب درباره «شالوده های فرهنگی شاهنامه» است. این شالوده ها شامل اسطوره های ایرانی و فلسفه دینی ایرانیان در روزگار باستانند. نویسنده، اسطوره، دین و حماسه راسه پایه ای می داند که روح یک قوم را می سازد و ژرفای فرهنگی جامعه را شکل می دهد. پس برای دریافت درون و محتوای شاهنامه چاره ای جز این نیست که از گذرگاه اسطوره و دین بگذریم. از همین رو نویسنده کتاب به معنای اسطوره می پردازد و هسته درونی و گوهری اسطوره های کهن ایرانی را نشان می دهد.

ثاقب فر درباره میزان شناخت فردوسی از اسطوره می نویسد: «خواننده تیزبین با شگفتی در می یابد که فردوسی همتراز یک جامعه شناس، یک مردم شناس، حتی یک زبان شناس و به ویژه یک اسطوره شناس بزرگ، می خواهد مفاهیم درونی اسطوره ها و افسانه ها را بشناسد، نه رویه دیداری آنها را.»

از این روست که فردوسی آگاهانه بسیاری از اسطوره ها را دگرگون می سازد و شکل تاریخی به آنها می دهد. گرشاسب، سام و کیخسرو در شاهنامه، جلوه و نقش ورزی تاریخی و ملی دارند و از محدوده اسطوره فراتر می روند و «یادآور قهرمانی ها و پیکارهای آرمانی قوم ایرانی» می شوند. به باور ثاقب فر چنین دگرگون شدن به منزله آن نیست که شاهنامه یک اثر صرفاً ادبی است. اثر فردوسی فراتر از ادبیات است و گونه ای

«شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران» عنوان کتابی از مرتضی ثاقب فر است که در آن به بنیان ها و خاستگاه هایی پرداخته می شود که زمینه آفرینش حماسه ملی ایران را فراهم ساخته اند و بیانگر این مسأله است که فردوسی تا چه اندازه توانسته به فلسفه تاریخ ایران دست یابد. این کتاب با همکاری انتشارات قطره و معین منتشر شده است.

نویسنده پیش از طرح مباحث کتاب، بحث درباره موضوعاتی را پیش می کشد که با فلسفه تاریخ و خودآگاهی تاریخی پیوند دارند. در این بحث، آنچه پایه استدلالی او را شکل می دهد، نظریه «هگل» فیلسوف آلمانی درباره تاریخ و فلسفه آن است. فلسفه تاریخ می کوشد تا جویای علت و منطق ویژه برای تاریخ باشد تا رویدادها را تبیین و گزارش کند. در پایان این بخش نیز به «آگاهی و خودآگاهی حماسی» می پردازد تا به پاسخ این پرسش اساسی برسد که فردوسی تا چه اندازه توانسته است به فلسفه تاریخ ایران دست یابد.

فصل آغازین کتاب به موضوع «خودآگاهی ایرانی و پیدایش شاهنامه» اختصاص دارد. در این فصل، نخست به پیشینه خودآگاهی تاریخی و حماسی در ایران و بازتاب آن در شاهنامه اشاره می شود. ثاقب فر می نویسد که خودآگاهی ایرانی در تمام تاریخ و فرهنگ ایران پدیدار است. همانند باور به مینوهای دینی، اعتقاد به نبرد نیکی و بدی و راستی و دروغ، ایمان به رسالت آدمی از سوی خداوند برای پیکار با بدی، اتکای به یزدان، گروش به نظام دادگرا نه سیاسی، نقش طبقات اجتماعی و موارد دیگری که همگی نشان از آگاهی و خودآگاهی ایرانی دارند.

## کاخی برافراشته دور از آسیب و گزند زمانه

نویسنده برای کندوکاو بیشتر در این باره به خودآگاهی ایرانی پس از اسلام می پردازد و به پیدایی حماسه های ملی ایران اشاره می کند. آنگاه خواننده را از زمانه فردوسی و مآخذی که او برای تدوین و سرایش شاهنامه در اختیار داشته است، آگاه می سازد. ثاقب فر سرایش شاهنامه را نیز گامی برای دستیابی به همان هدف هایی می داند که در ناخودآگاه ایرانی ثبت شده اند. پیداست که چنین بینش خودآگاهانه ای که در سراسر شاهنامه موج می زند، بیش از هر چیز دیگر نشان از آگاهی تاریخی فردوسی دارد. از همین روست که به سخن نویسنده، فردوسی برخلاف بسیاری از شاعران روزگار، «اندیشه فروش» نبوده است و در پی گرفتن صله های شاهانه بر نمی آمده است. به هر حال مولف از مجموع برداشت ها و تحلیل های خود به این نتیجه می رسد که بی گمان سرودن شاهنامه گامی برای دستیابی به خودآگاهی ملی بوده است. این خودآگاهی، گزینش زبان اثر را در بردارد. فردوسی از آمیختن زبان های بیگانه با زبان فارسی بیمناک بود، پس اثری آفرید که مانند کاخی برافراشته، از آسیب و گزند زمانه در امان مانده است.

نویسنده هنگام گفت و گو درباره شرایط فرهنگی و سیاسی روزگار فردوسی، به حکومت ها و فرمانروایی اشاره می کند که هر یک بر پهنه ای از ایران سلطه داشتند. این فرمانروایان با همه گرایش های ایران خواهی، باز خود را تابع دستگاه خلیفه گری بغداد می دانستند. ثاقب فر چنین تابعیتی را (ولو آن که ظاهری و تنها در حد نام بردن از خلیفه بغداد بود)، برآیند و پیامد آمدن اعراب به ایران و دو سده ماندگاری آنان در این

## «شاهنامه فردوسی و فلسفه

### تاریخ ایران» با فلسفه

### تاریخ و خودآگاهی تاریخی

### پیوند دارد و ویژگی هایی را

### به تصویر می کشد که همگی

### نشان از آگاهی و خودآگاهی

### ایرانیان دارد



ارتباط کودکان با خدا از دریچه نگاه نویسندگان کودک و نوجوان

# نامه‌هایی به نشانی آسمان



«خدای عزیز، چرا به جای این که بذاری مردم بمیرن و مجبور بشن که آدمای تازه دیگه بی بسازی، همین آدمایی رو که وجود دارن، نگه نمی داری؟»  
 «خدای عزیز چه کسی دور کشورها خط می کشد؟»، «خدایا اشکالی نداره که تو مذهب های مختلف ساختی اما گاهی وقت ها اونارو با هم قاطی نمی کنی؟»، «خدای عزیز، شرط می بندم که برای تو خیلی سخته که به همه آدم ها در همه جای دنیا عشق داشته باشی. خانواده ما فقط از چهار نفر تشکیل شده و من هیچ وقت نمی تونم این کارو بکنم...»  
 اینها و نمونه های مشابه دیگر، نامه هایی اند که بچه ها به خدا نوشته اند و خواسته های خود را با او در میان گذاشته اند. شاید بتوان گفت نشر مینتر، سال هشتاد و دو با انتشار کتاب «نامه های بچه ها به خدا» آغازگر این راه بود. کتابی که «استوارت هامپل» و «اریک مارشال» گردآوری اش کرده بودند و دل آرا قهرمان آن را به فارسی برگردانده بود. پس از انتشار این کتاب، ایرانیان هم از دیستانی ها خواستند به خدا نامه بنویسند، آنچه دلشان می خواهد با او در میان بگذارند و با او رازو نیاز کنند. بعد هم بخشی از نامه های بچه ها به خدایی که دوستش داشتند را منتشر کردند و در اختیار علاقه مندان گذاشتند، اما تعداد کتاب های این گونه، بسیار اندک و بیشتر آنها، ترجمه است.

خورشاهیان معتقد است: «تعداد کتاب هایی نظیر «خدا و من» و «نامه های بچه ها به خدا» اندک است و بیشتر جنبه پژوهشی دارد. به این معنی که گروهی می خواهند به ذهنیت بچه ها درباره خدا پی ببرند و آن ذهنیت را در اختیار شاعران و نویسندگان کودک بگذارند.»

مهدی کاموس، نویسنده و پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان، چون خورشاهیان بر این باور است که کتاب هایی این گونه، ربطی به کودکان ندارند، چراکه دعا و خواستن از خدا مستلزم شناخت و درک درستی از اوست و کودکان به این درجه از درک نرسیده اند و برای ارتباط با خدا به او جسمیتی بخشند و آنچه در قالب دعا از سوی آنان مطرح می شود، چیزی است که از پدر، مادر، مربی و بزرگ تران خود شنیده اند. در حقیقت می توان گفت چون بچه ها به درک انتزاعی از خدا دست نیافته اند، تنها خواسته ها و آرزوهای قلبی خود را با او در میان می گذارند، بدون آن که به معنای اصطلاحی دعا فکر کنند.

او می گوید: «اغلب این دعاها با فرهنگ دینی ما هماهنگ نیست، چراکه از زبان دیگری به فارسی برگردانده شده اند و به دین و مذهب دیگری تعلق دارند. مثل «خدای عزیز، می خوام تو جشن هالوین لباس شیطان بپوشم. از نظر تو اشکالی نداره؟» پس بهتر نیست مترجمان این گونه کتاب ها یا عبارات های این چنینی را ایرانی کنند یا در پانویس به توضیح عبارات و اصطلاحاتی بپردازند که در فرهنگ و دین ما وجود ندارد؟»

به باور کاموس، دعای هر فرد، به نوعی معرف سقف شخصیت و شعور اوست. به همین خاطر است که ما در کتابی چون «صحیفه سجادیه» نشانی از خواسته های شخصی نمی بینیم و در همه موارد جمع انسان ها در نظر گرفته می شوند. از سوی دیگر در آداب دینی و در اخلاق اسلامی از ما خواسته شده دسته جمعی دعا کنیم و خواسته های خود را زیر لب با خدای خود در میان بگذاریم اما بچه ها به این درک نرسیده اند و چون حضور اجتماعی شان بسیار اندک و محدود است، آنچه به صورت فردی دلخواهشان است را با خدا در میان می گذارند. کاموس هم این گونه کتاب ها را کتاب های دوگانه ای می داند: کتاب هایی که بیش از کودکان، بزرگسالان مخاطب آنهاند.

## خیلی دور، خیلی نزدیک

«حضور خداوند در زندگی بچه ها، جاری و ساری است. آنها، بودن خدا و مهریانی هایش را حس می کنند. فقط، راه ارتباط با او را نمی دانند و این وظیفه ما نیست که با کودکان از «چیستی» خدا سخن بگویم، چراکه

درد و برعهده شاعر مسلمان است که براساس آموزه های دینی خودش با کودکان از خدا بگوید. کتاب هایی نظیر «نامه های بچه ها به خدا» از آرزوها و خواسته های قلبی این گروه سنی سخن می گوید؛ خواسته هایی که خواه ناخواه از فرهنگ بومی کودکان تاثیر گرفته است.» او می افزاید: «این گونه کتاب ها بیشتر شبیه پژوهش های میدانی اند و در همان زمان و دوره به کار پژوهشگران می آیند، چراکه مخاطبان کتاب های کودک و نوجوان پیوسته در حال تغییرند. از سوی دیگر، این گونه کتاب ها تا حدی ما را با دنیای بچه ها آشنا می کنند.»

دل آرا قهرمان، مترجم کتاب «نامه های بچه ها به خدا» نامه های این کتاب را بیانگر آن بخش از جهان کودکی می داند که به آرزوها و اندیشه های ویژه آنها تعلق دارند، نامه هایی که به طریح سرش ها و تردیدهای مشترک میان کودکان می پردازند، نوشته هایی که گاه خردمندانه و گاه ساده لوحانه اند؛ گاهی خیلی جدی و در بعضی دیگر از موارد شوخ طبعانه اند، اما با ایمان کامل به خداوند نوشته شده اند.

او می افزاید: «نامه هایی که اگر چه از سوی کودکان نوشته شده، اما همه گروه های سنی می توانند خواننده آن باشند، نامه هایی که گاه شبان منوی را به خاطر می آورند، همان شبانی که می خواست موهای خدا را شانه کند، چارقش را بدوزد، دستکش را بشوید و وقت خواب، جایی برایش پهن کند.»

خودمان هم صددرصد درکش نکرده ایم. ما باید چگونگی ارتباط گرفتن با او را به بچه ها بیاموزیم» ابراهیم حسن بیگی، نویسنده کودک و نوجوان، این گونه می اندیشد و می گوید: «بعضی از ما حتی نمی توانیم راه های دعا کردن را به بچه ها یاد بدهیم زیرا خودمان آن را فراموش کرده ایم.» او ادامه می دهد: «سال شصت و هشت بود. حجت الاسلام قرائتی نویسندگان و هنرمندان حوزه هنری را در تالار اندیشه جمع کرد و گفت: همه شما در روز هفده رکعت نماز می خوانید اما چند نفر تا آن حال درباره نماز داستان نوشته و فیلم ساخته اید؟! و آن تلنگری برای ما بود. ما که به نماز خواندن و روزه گرفتن و انجام فرایض الهی عادت کرده بودیم.»

همه ما اهل ارتباط با خداییم اما این موضوع را با همه روشنی اش فراموش کرده ایم و تا آن را به خاطر نیآوریم، نمی توانیم با بچه ها از چگونگی آن سخن بگویم.»

بابک نیک طلب، شاعر کودک و نوجوان، ارتباط کودکان با خدا را جدای از اشعار می داند که شاعران برای این گروه سنی می سراید و در آن به ستایش خداوند با زبانی کودکانه می پردازند.

او چون حسن بیگی، چگونگی ارتباط بچه ها با خداوند را به شرایط خانواده، جامعه، فرهنگ و آداب و رسوم آنها وابسته می داند و می گوید: «در مذاهب و فرهنگ های مختلف، تصاویر متفاوتی از خدا وجود

باسمه تعالی

**نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران**

در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی شکوهمند ملت بزرگ ایران و به منظور تقویت حس مسال آگاهی و بیداری، بصیرت و عدالت، بصیرت و آزادی و با هدف آید آن همه حماسه آفرینی های شور انگیز در حافظه تاریخی بشری، نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران برگزار می شود. این مسابقه فرصتی است برای همه صاحبان ایده و نظر و دیدگاه های خلاق، هنرمندانی که خواه را در تاریخ و سرنوشت میهنی نشان شریک و دخیل می دهند و اهمیت روشنگری و بازنمایی حقایق و وقایع را برای فرزندان امروز و فردا فریاد کنند. مناسب با موضوع رویداد انقلاب اسلامی برای انسان معاصر و روش های تربیتی، آرمان های ملی و آزادی خواهی، تقویت ستیز و عدالت طلبی، حماسه سازی، ابتکار و سایر تاثیرات تمدنی آن در جهان کنونی. آثار مددکار و شایسته ای را به گنجینه ای ادبیات نمایشی کشور خواهند افزود.

**مشارک مورد نیاز:**

1. فرم پر شده تقاضای حضور در مسابقه (وزن هر نمایشنامه پر کردن یک فرم جداگانه الزامی است) و مدارک هویتی بر کدها اثر وجود ندارد.
2. سه نسخه تایپ شده از نمایشنامه به همراه لایق آن در محیط word پر روی لوح فشرده.
3. یک نسخه عکس پرسنلی نویسنده.

**جوایز مسابقه:**

به منظور حمایت و تشویق تمامی فعالان اثر برگزیده در قالب کتاب مستقل منتشر خواهد شد. همچنین جوایزی به رسم یادبود به ده اثر برگزیده به شرح زیر اعطاء می شود:

1. سه اثر برگزیده نخست، هر یک ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل دو میلیون تومان.
2. سه اثر برگزیده دوم، هر یک ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان.
3. چهار اثر برگزیده سوم، هر یک ۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون تومان.

**گاه شمار:**

1. ارسال آثار از طریق پست سفارشی تا تاریخ ۸۸/۱۲/۳۰
2. اعلام نتایج و اهدای جوایز تا تاریخ ۸۸/۹/۳۰

فرم تقاضای حضور در نخستین مسابقه سراسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

هنوان نمایشنامه نویسنده: \_\_\_\_\_

آدرس محل سکونت (یا دفتر رشته و گرایش): \_\_\_\_\_ شماره تماس (شماره همراه): \_\_\_\_\_

نشانی دقیق پستی: \_\_\_\_\_

تایید نام: \_\_\_\_\_ با اطلاع کامل از مفاد فراخوان نخستین مسابقه سراسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران، مدارک فوق را در وضعیت و فرم سنی ارائه می دهد.

تاریخ و امضاء: \_\_\_\_\_

آدرس: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و صافی جنوبی، ساختمان شماره ۱۰۰، طبقه دوم، روابط عمومی مسئول پستی: ۲۱۴-۲۱۴-۲۱۴

شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۶۶۶۶۶-۶۶۶۶۶۶۶



زهره نیلی

مجموعه «مرزپرگهر» تلاشی است برای آشنایی با فرهنگ غنی و آداب و رسوم ارزشمند مردم مسلمان ایران. در این مجموعه، داستان‌هایی از مناطق مختلف سرزمین مان با گویش هر منطقه در کنار زبان فارسی روایت شده است. نبود منابع مکتوب و معتبر برای حصول اطمینان از صحت گویش‌های ایرانی و همچنین روایات مختلفی که گاه داستان‌های یکسان را به مناطق مختلفی از ایران نسبت می‌دهند، موجب می‌شود که حاصل کار از منظرهای متعددی قابل نقد باشد. بدون شک، رسیدن به نقطه مطلوب در این کار، مستلزم پی‌موندن مسیری طولانی است. در یک روز گرم تابستان به دیدار شاه آبادی می‌رویم تا با او از مجموعه‌ای سخن بگویم که می‌کوشد فرزندان این مرزوبوم را با فرهنگ و هنر و قصه‌های عامیانه شان آشنا کند. مجموعه‌ای ده جلدی که در هر مجلد آن، قصه‌ای به دو زبان فارسی و محلی - ترکی، ترکمنی، لری، کردی و ... آورده شده و در پایان نیز به خصوصیات جغرافیایی هر منطقه اشاره شده است. اگرچه سخن به کتاب‌های الکترونیک، بریل و ... هم کشیده شد.

### مدیر انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان:

# هویت ایرانی در بطن فرهنگ بومی است

کارهای اینچنین، البته به صورت اورجینال، بهای این آثار به گونه‌ای خواهد بود که علاقه‌مندان، اصل آن را تهیه کنند؟

بله. این کتاب‌ها به قیمت ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد.

انتشار کتاب - لوح فشرده یا کتاب- فیلم چگونه است؟ آنها به مقوله پویانمایی برمی‌گردند و تمایل کانون به تجربه کردن قالب‌های مختلف.

انتشار کتاب‌های بریل، یکی از سیاست‌های کانون برای ارتباط با مخاطبان خاص بود. چرا شمارگان انتشار در این سال‌ها پایین آمده؟

انتشار کتاب‌های بریل از سال ۸۲ آغاز شد چراکه از کانون پرورش فکری انتظار می‌رفت مخاطبان از نظر دورمانده خود را پیدا و برای آنها کتاب منتشر کند. شروع کار بسیار دشوار بود؛ چون نه موضوع را می‌شناختیم و نه تجربه‌ای در زمینه تولید انبوه این گونه آثار وجود داشت. به عبارتی کانون، نخستین ناشری بود که به تولید انبوه کتاب به خط بریل پرداخت و بهای کتابی را که ۲۵ هزار تومان بود به ۱۲۰۰ تومان رساند و همان سال ۸۲ بود که کودکان و نوجوانان نابینا به نمایشگاه کتاب و سالن کانون آمدند.

سالی چند عنوان کتاب بریل از سوی کانون منتشر می‌شود؟

از آن سال تا به امروز، سالی ده یادآورده عنوان کتاب منتشر می‌شود. اما هیچ‌یک از سازمان‌های وابسته مانند بهزیستی و آموزش و پرورش، از این جریان پشتیبانی نکرده‌اند.

کانون به انتشار کتاب‌های صوتی پرداخته است؛ کتاب‌هایی که می‌توانند نیاز نابینایان را هم برآورده کنند.

کتاب‌های صوتی و بریل، با یکدیگر متفاوتند. نابینایان هم دوست دارند کتاب کاغذی بخوانند. کتاب صوتی بیشتر برای کسانی است که دلشان می‌خواهد حین انجام کار یا رانندگی، برایشان کتابی هم خوانده شود.

تاکنون چند کتاب صوتی منتشر شده است؟

دو عنوان «قلب زیبای بابور» نوشته «جمشید خانیان» و «گزیده چهل حدیث» امام خمینی (ره) از جمله آثاری‌اند که به همت گویندگان رادیو خوانده شده‌اند. همچنین چهار داستان احمد رضا احمدی با صدای خود او و در قالب یک لوح فشرده منتشر می‌شود و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.



تلاش ما بر این بوده که چه در موضوع و چه در گروه سنی، تنوع را رعایت کنیم. برای نخستین قدم، ده عنوان از آثار کانون را که پیش از این در قالب کتاب کاغذی منتشر شده بودند، انتخاب کردیم که گروه‌های سنی ب، ج و د را دربرمی‌گیرند. یازدهمین عنوان به «همه چیز درباره کاغذ و تا» اختصاص دارد که به آموزش آریگامی می‌پردازد و به عموم مخاطبان تعلق دارد. در مرحله بعدی هم تصویرگران و نقاشان ایرانی را که نخستین آنها غلامعلی مکتبی است، به علاقه‌مندان معرفی می‌کنیم.

میزان استقبال مخاطبان از این گونه کتاب‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مخاطبان کانون همیشه متغیر بوده‌اند. ما با یک گروه مخاطب خاص رو به رو نیستیم. کودکان سه ساله امروز، چهار سال دیگر خواننده گروه الف ما را تشکیل می‌دهند. بنابراین استقبال مخاطب را باید با روش‌ها و معیارهای دیگر سنجید. برای مثال کتاب «مهمان‌های ناخوانده» فریده فرجام، نخستین کتابی است که از سوی کانون منتشر شده، پس بهتر است نخستین کتاب الکترونیک کانون پرورش فکری هم باشد. ضمن این که این کتاب تا به حال، هجده بار تجدید چاپ شده است. با تمام این تفاسیر، انتخاب ده عنوان کتاب از بین دو هزار کتاب منتشر شده، کار دشواری است.

با توجه به نبود قانون کپی رایت و بالا بودن قیمت

و برای این کار قالب قصه را انتخاب کردید.

بچه‌ها قصه را دوست دارند. به همین دلیل از هر منطقه یک قصه عامیانه را انتخاب و به دو زبان فارسی و محلی منتشر کردیم. مطالبی را هم درباره جغرافیا، زبان و بعضی آداب و رسوم هر منطقه در پایان هر جلد گنجانیدیم.

کتاب‌های الکترونیک از دیگر کتاب‌هایی‌اند که کانون پرورش فکری به انتشار آنها پرداخته. فکر می‌کنید این کتاب‌ها می‌تواند جای کتاب‌های کاغذی را بگیرند؟

کانون پرورش فکری نه تنها در محتوا که در قالب و شکل ارائه نیز به دنبال ایجاد تنوع است و دلش می‌خواهد قالب‌های مختلف را تجربه کند و سلیقه‌های گوناگون را پوشش دهد. اگرچه هنوز هم مهم‌ترین بخش از فعالیت‌های انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به کتاب کاغذی اختصاص دارد و هیچ کتاب الکترونیک نمی‌تواند لذت کتاب کاغذی را به بچه‌ها بچشاند اما باید مخاطبان گوناگون را در نظر گرفت و با جریانات روز دنیا هماهنگ شد. امروز در بسیاری از کشورهای دنیا، به ویژه کشورهای پیشرفته، کتاب‌های الکترونیک منتشر می‌شوند و در اختیار بچه‌ها قرار می‌گیرند.

پس به گونه‌ای در پی به روز و هماهنگ شدن با جریانات فرهنگی غالب هستید.

بله. بعضی مخاطبان با کتاب کاغذی ارتباط نمی‌گیرند و فناوری‌های جدید برایشان بسیار جذاب است، بنابراین از طریق کتاب‌های الکترونیک می‌توان با آنها ارتباط برقرار کرد. اگرچه هیچ کتابی نمی‌تواند جایگزین کتاب‌های کاغذی شود.

هر حرکت فرهنگی زمانی موثر است که به جریان تبدیل شود. برای این که کتاب‌های الکترونیک فراگیر شوند، چه تدابیری را در نظر گرفته‌اید؟

برای این که یک حرکت به جریان فرهنگی تبدیل شود، باید آگاهانه وارد میدان شد و دانسته‌ها و امکانات خود را به گونه‌ای تنظیم کرد که امکان ادامه حرکت وجود داشته باشد. از سوی دیگر، باید مخاطب خود و میزان استقبال او از یک حرکت فرهنگی را هم در نظر بگیریم و براساس چنین پیش‌فرض‌هایی به جلو حرکت کنیم.

سیاست کانون در انتخاب کتاب‌های الکترونیک چه بوده؟ با توجه به این که سه کتاب الکترونیک تا به حال منتشر شده و هر سه، از تولیدات پیشین و مکتوب کانون بوده‌اند؟

هدف از انتشار مجموعه مرزپرگهر چه بود؟

این مجموعه، در پی اندیشه‌ای منتشر شد که بر آن بود تا به فرهنگ‌های بومی و زبان‌های منطقه‌ای احترام بگذارد. به همین خاطر، در دهه ۶۰ شمسی، کتاب‌هایی به زبان ترکی و کردی منتشر و انتشار آن‌ها پس از مدتی، متوقف شد. تا این که در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو، بار دیگر گردآوری این گونه کتاب‌ها آغاز شد و موفق به انتشار ده عنوان کتاب به زبان‌ها و گویش‌های مختلفی چون ترکی، کردی، سیستانی، بلوچی، گیلکی، مازندرانی، یزدی، لری و ترکمنی شدیم.

بنابراین، یکی از اهداف شما در گردآوری این مجموعه، مستند کردن گویش‌ها و زبان‌های ایرانی است؟

بسیاری از ما از گستردگی و گوناگونی زبان‌ها و گویش‌هایی که در کشورمان وجود دارد، بی‌خبریم. گویش‌های بسیاری که در آستانه فراموشی‌اند و یکی از اهداف این مجموعه، مکتوب کردن این زبان‌ها و گویش‌هاست. به این ترتیب، «مرزپرگهر» سندی مکتوب و منتشر شده از میراث ارزشمندی است که اندک اندک فراموش می‌شود. از سوی دیگر انتشار این مجموعه، بچه‌هایی را که دوزبانه‌اند به مطالعه علاقه‌مند می‌کند. چراکه فارسی، زبان دوم کودکان مثلاً ترک یا کرد است و آنها تر جیح می‌دهند و وقتی کتاب می‌خوانند، به ویژه در سال‌های نخست سوادآموزی، از زبان و گویش آشنای مادری استفاده کنند.

اما زبان، عامل وحدت است یکی از عواملی که ترک و کرد و فارس را به هم پیوند می‌دهد، زبان فارسی است.

بر کسی پوشیده نیست که هویت ایرانی و وحدت ملی ما در ارتباط با حفظ زبان فارسی است و هدف از انتشار مجموعه‌هایی اینچنین، نه تضعیف این زبان که تقویت آن است. چون اعضای بدن که هر یک جدای از دیگری‌اند و هر یک وظیفه خاص خود را انجام می‌دهند اما در نهایت، به یکدیگر وابسته‌اند و یک کل واحد را دربرمی‌گیرند. آنچه اهمیت دارد، این است که همه فرهنگ‌ها و زبان‌ها و گویش‌های محلی، روح ایرانی را در خود نهان کرده‌اند و احترام به هویت ملی و تقویت آن، در سایه پاسداشت فرهنگ و زبان بومی است. به عبارت دیگر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بر آن است تا به کثرت‌های قومی و فرهنگی در لوای وحدت ملی احترام بگذارد.

### معاون فرهنگی موسسه نشر شهر:

## کودکان، مخاطبان اصلی جمعه‌بازار کتاب

مسعود سریع القلم، معاون فرهنگی موسسه نشر شهر بر این باور است که کودکان، مخاطبان اصلی جمعه بازار کتاب را که از ۲۶ تیرماه در پنج بوستان تهران آغاز به کار کرده، تشکیل می‌دهند. او جمعه بازار کتاب را یکی از برنامه‌های موسسه نشر شهر می‌داند و با اشاره به اهداف این بازار می‌گوید: «نشر شهر با هدف بالا بردن دانش عمومی، دسترسی آسان مردم به کتاب و گسترش فرهنگ کتابخوانی، اقدام به برگزاری جمعه بازار کرده و از ناشران خواسته به نمایش آثار خود در پردیس سینمایی ملت و بوستان‌های نیواران، قیطره، زمرد و گفتگو بپردازند.» سریع القلم، این اقدام موسسه نشر شهر را امری غیرانتفاعی برای شهرداری و در راستای حمایت از ناشران برمی‌شمارد و بیان می‌کند: «ما توانسته ایم ارتباط خوبی با ناشران تهرانی و نمایندگان ناشران

شهرستانی در تهران برگزار کنیم. به همین خاطر، برای حضور ناشران در این حرکت فرهنگی فراخوانی اعلام کردیم که امیدواریم در مجموع ۲۰۰ ناشر در جمعه بازار کتاب حاضر شوند.»

معاون فرهنگی نشر شهر در پاسخ به این که چرا هیچ‌یک از ناشران خوب کودک و نوجوان یا بزرگسال در جمعه بازار کتاب شرکت نکرده‌اند؟ می‌گوید: «جمعه بازار کتاب در سال جاری تازه فعالیت خود را آغاز کرده. ضمن آن که این برنامه تا پایان مرداد ماه ادامه دارد و خانواده‌ها می‌توانند از ساعت ۱۶ تا ۲۲ به پارک‌های نامبرده بروند و علاوه بر تفریح و گذران اوقات فراغت، به خرید کتاب هم بپردازند. اما هم‌زمان با شروع ماه رمضان، ساعت برگزاری جمعه بازار کتاب نیز تغییر می‌کند.»

سریع القلم، بوستان‌ها را مکانی تفریحی می‌داند و معتقد است: «پارک‌ها در درجه نخست برای گذراندن ایام فراغت خانواده‌ها در نظر گرفته شده‌اند و نه چیز دیگر؛ بنابراین نمی‌توان به آنها کاربری دیگری

داد و این فضاهای تفریحی را به بازارهای دائمی تبدیل کرد، حتی اگر هدف، فروش و نمایش کتاب باشد.»

وی در پاسخ به این که بعضی شرکت‌کنندگان در جمعه بازار کتاب از زمان کمی که برای آنها در نظر گرفته شده، گله مندند و فکر می‌کنند اگر این بازار، طی یک ماه، به طور پیوسته برگزار شود، بهتر است و تاثیر بیشتری دارد، بیان می‌کند: «استمرار در هر حرکت فرهنگی، ثمربخش است اما همان گونه که اشاره شد، این سیاست شهرداری است که پارک‌ها به بازار تبدیل نشوند، ضمن این که مردم هر مرحله نیز در برابر چنین رویدادی مقاومت می‌کنند.»

اگرچه معاون فرهنگی موسسه نشر شهر امیدوار است ۲۰۰ ناشر در این نمایشگاه شرکت کنند، اما ظاهراً هیچ‌یک از ناشران جدی و موثر در این جمعه بازار شرکت نکرده‌اند. کتاب‌هایی که در این جمعه بازار در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته‌اند، کتاب‌های عامه‌پسند از نویسندگانی چون نسرین ثامنی و م. مودب پور.»



نگاهی دوباره به زنجیره عرضه کتاب در ایران

# توقف بیجا هنوز مانع کسب است؟

مطالعه پایینی داریم. پس باید زیرساخت‌ها را اصلاح کرد. عرضه کتاب آخرین حلقه است، یعنی جایی است که فرد می‌خواهد کتاب بخرد، اما این خواستن را باید در او ایجاد کرد و این کار کتابفروشی نیست. البته او منکر اشکالات موجود در سیستم عرضه نیست، چراکه خود دست به تغییراتی در کتابفروشی زده است. کنی در این باره می‌گوید: «دکوراسیون کتابفروشی‌های انقلاب اشتباه است. برخورد با مشتری و مشتری‌مداری مطرح نیست. باید محیط را تاثیرگذار کرد. این که کتابفروشی به مشتری می‌گوید: آقا اگر کتاب می‌خواهید بگویید من برایتان می‌آورم اشتباه است. باید اجازه داد مشتری در میان کتاب‌ها بگردد و خودش انتخاب کند.»

هنوز ما به شیوه «توقف بیجا مانع کسب است» کار می‌کنیم، در حالی که باید کتابفروشی را به محلی برای توقف تبدیل کرد.»

او پیشنهادهایی هم دارد: «ما با جداسازی نوع کتاب‌ها، مشتری‌ها را دسته‌بندی می‌کنیم تا مشتری‌هایی که دنبال کتاب خاصی هستند بتوانند با هم تبادل نظر و گفت‌وگو کنند و بتوانند در موقعیت ایجادشده جمع بشوند.»

او هم انتقاد قابل توجهی دارد. به اعتقاد این کتابفروش خوش ذوق: «مشکل اصلی برای نوسازی دخالت نهادهای غیرمسئول است. باید برای کوچک‌ترین تغییری به همه پاسخ داد.»

## چشم‌ها را باید شست

مصطفی فرقانی نیز از دیگر کتابفروشان قدیمی خیابان انقلاب است. او نوسازی کتابفروشان را نسبت به نوسازی کتابفروشی‌ها ترجیح می‌دهد. به اعتقاد او بسیاری از کتابفروش‌ها نیز سنتی‌اند. وی می‌گوید: «بسیاری از کتابفروش‌ها در مقابل مشتری اطلاعات اندکی دارند. کسی که کالایی را می‌فروشد که به آن احاطه و تسلط ندارد، نمی‌تواند موفق باشد. به اعتقاد من کتابفروش‌های جوان بهتر می‌توانند در این بازار کار کنند. سیستم آموزش کتابفروشی هم متأسفانه وجود ندارد. من هشت سال با کتاب‌های فنی کار کردم. یک نفر که در یک کتابفروشی سنتی کارش را شروع کند، طبیعتاً همان شیوه را اعمال خواهد کرد.»

به نظر می‌رسد تغییر نگاه کتابفروش به این شغل، ارائه آموزش‌های سیستماتیک بازاریابی و فروش و نوسازی ساختار فیزیکی کتابفروشی‌ها سه عاملی‌اند که در مجموع می‌توانند بازار کتاب را نجات دهند. هرچند اجتماع این سه عامل مهم‌ترین چالش در نوسازی بازار کتاب است.



ما نسبت به ۱۳ سال پیش کالاهای متنوع‌تری را با شیوه‌های متنوع‌تر عرضه می‌کنیم، اما میزان فروش تغییر نکرده است.»

نکته تامل برانگیزی که ثابت می‌کند برای تغییر در عرضه کتاب باید نوع نگاه فعالان این بازار را تغییر داد و شیوه‌های موثر فروش را به آنها آموخت در آخرین جمله پورنعمتی نهفته است. او می‌گوید: «راستی ما یک سایت هم داریم، اما الان آدرسش را فراموش کرده‌ام.» نوسازی بازار زمانی موثر است که کاملاً کاربردی باشد و تمام عناصر بازار با سیستم تازه درگیر باشند.

البته پورنعمتی انتقادی هم به سیستم عرضه کتاب و حاشیه‌های بازار دارد. او می‌گوید: «نباید رکود بازار کتاب سهم و نقش بازارهای هفتگی کتاب یا کتابفروشی‌ها و میدان‌ها و را نادیده گرفت. کتابفروشی‌هایی که چون هزینه سرفه‌ای ندارند و با هزینه اندکی بساط خود را برپا می‌کنند، می‌توانند کتاب را با ۳۰ درصد تخفیف به مشتری عرضه کنند. حال آن که کتابفروشان خیابان انقلاب قدرت این مانور را ندارند.»

## مشکل جای دیگر است

کتابفروشی روزبهران هم مثل کتابفروشی‌های قدیمی‌ها و شناخته‌شده‌های خیابان انقلاب است. فرامرز کنی مدیر بخش فروش درباره بحث حاضر دیدگاهی متفاوت دارد. او می‌گوید: «به نظر من نوسازی کتابفروشی‌ها صددرصد مزیت نیست، چراکه هزینه تحمیل می‌کند، در حالی که ما سرانه

در شماره ۱۸۹، موضوع بحران در اقتصاد عرضه کتاب را به بحث گذاشتیم. در این شماره به شیوه‌های نوسازی عرضه کتاب و مقایسه کتابفروشی‌های مختلف را در تهران از نظر نحوه عرضه کتاب و میزان فروش می‌پردازیم. عرضه کتاب، سیستمی دارد که عناصر مختلفی به عنوان ورودی آن مطرح‌اند تا بتوانند طی فرایندی که اغلب یک شکل و هم‌ساختارند، یک خروجی مشترک داشته باشند. مشتری، خریدار و دیگر هیچ! این عناصر از موزعان کتاب تا کتابفروشان، ناشران و مدیران کتابفروشی را که سیاستگذاران بنگاه کوچک اقتصادی خود هستند، دربرمی‌گیرد؛ به همین دلیل در این گزارش تلاش کرده‌ایم منعکس‌کننده دیدگاه‌های همه فعالان بازار کتاب باشیم.

## برداشتن تقصیر از گردن مشتری

ویزیتورها و پخش‌کنندگان کتاب، اولین حلقه از زنجیره به هم پیوسته سیستم عرضه‌اند. کاری که در این آشفته بازار طاقت فرساست و ماندگاری در آن بیشتر به یک امید وابسته است. امید به آن که این بازار خود را دریابد و تقصیر را از گردن مشتری و جامعه کتاب‌نخوان بردارد.

مهدی حسن زاده، ویزیتور و پخش‌کننده کتاب موسسه آبان است. به اعتقاد او سیستم‌های مکانیزه توانسته‌اند در بعضی کتابفروشی‌ها آمار فروش کتاب را بالا ببرند. او مهم‌ترین گام را در نوسازی سیستم عرضه کتاب، تجهیز کتابفروشی‌ها به سیستم‌ها و نرم‌افزارهای رایانه‌ای می‌داند. لااقل او در مواجهه با مشتری‌هایش که اغلب کتابفروشان خیابان انقلاب هستند، مشکل اساسی را در این موضوع دیده است و می‌گوید: «کتابفروش‌ها معمولاً نمی‌دانند کدام کتاب را از کدام بخش یا ناشر گرفته‌اند. سیستم انبارداری‌شان با مشکل مواجه است. درست اطلاع ندارند که موجودی‌هایشان در قفسه‌ها چیست؟ کدام کتاب در بازار موجود نیست و تقاضا برای کدام کتاب‌های بیشتر است؟ چون اطلاعات خود را به صورت منسجم ندارند.»

حسن زاده اگر چه تاکید می‌کند که کتابفروشان به این نقطه ضعف خود آگاهند، اما دلیل‌کننده روند نوسازی بازار عرضه را در پرهزینه بودن تغییر سیستم می‌داند و معتقد است رونق کم بازار باعث شده است که انگیزه‌ها برای نوسازی بازار کتاب کم باشد.

ثبت رایانه‌ای کتاب‌ها شامل بارکد دادن به کتاب‌ها، استفاده از سیستم‌های ردیابی و ثبت تمام نسخه‌های موجود در نرم‌افزار فروش است که به زمان زیادی احتیاج دارد و علاوه بر این در گام نخست باید برای

## آن هزینه کرد. کتابفروش‌ها با خود چه می‌گویند؟

سعید پورنعمتی نیز کار خود را در بازار کتاب از حلقه نخست زنجیره عرضه، یعنی پخش کتاب آغاز کرد. بعد از یک سال به عنوان کتابفروش به کتابفروشی خوارزمی رفت و پس از شش ماه کتابفروش زمان شد. او حالا ۱۳ سال است که در کتاب زمان مشغول کار است. وی معتقد است: «استفاده از شیوه‌های روز در بازار کتاب انقلاب متداول نیست، با این حال همه می‌دانند که باید این فضا را تغییر و کتاب را در دسترس مشتری قرار داد، اما هیچ‌یک هم حاضر نیستند قفسه‌ها را کنار بگذارند. فکر می‌کنم این تصور که کتابفروشی کار سودآوری نیست، در ذهن همکاران ما نهادینه شده است. آنها حالا به خاطر آنسی که با کتاب دارند، به این کار ادامه می‌دهند و دائم با خود می‌گویند اگر این پول را در جایی دیگر سرمایه‌گذاری می‌کردند، درآمد بیشتری داشتند!»

این کتابفروش حد اکثر فروش روزانه خود را ۴۰ تا ۵۰ نسخه عنوان می‌کند. به اعتقاد او کتابفروشی در این بازار تبدیل به یک شغل فصلی شده است. او می‌گوید: «از ابتدای تابستان تا اواسط شهریور که دانشگاه‌ها تعطیلند، پیاده‌رو خلوت است و تهرانی‌ها به سفر می‌روند و بازار کتاب تعریفی ندارد. با این حال ما تلاش کرده‌ایم تغییراتی در شیوه فروش ایجاد کنیم. سیستم رایانه‌ای را ایجاد کرده‌ایم، اما هنوز فعال نیست. نورپردازی هم کرده‌ایم. کتاب‌های درخواستی را بایک‌برای مشتری می‌فرستیم. در واقع

## جستاری به مناسبت ۹ مرداد، روز اهدای خون

### انتقال خون در شریان کتاب

**زهره سعیدی:** همه روزه در سراسر جهان بسیاری از افراد به خون و فرآورده‌های خونی نیاز پیدا می‌کنند، به طوری که از هر سه نفر مردم دنیا، یک نفر در طول زندگی احتیاج به تزریق خون پیدا می‌کند.

اهمیت این مایع حیاتی، یعنی کمک‌رسانی به همنوع از طریق خون، تاکنون به شیوه‌های مختلف که بیشتر حالت تبلیغی داشته‌اند، بیان شده است، در حالی که بیان علمی و همچنین انسانی، یاری‌رسانی از طریق اهدای خون به یقین می‌تواند بسیار کارساز باشد. بدون شک با چنین نگرشی گنجاندن مطالب در قالب کتاب، یکی از بهترین راهکارها به حساب می‌آید.

۹ مردادماه، روز ملی اهدای خون نام گرفته است. به این بهانه گزارشی درباره وضعیت کتاب‌های مرتبط با این حوزه و چگونگی انتقال مباحث علمی از طریق رسانه مکتوب کتاب و همچنین وضعیت کتاب و کتابخوانی در سازمان انتقال خون ایران تهیه کرده‌ایم.

وارد پایگاه انتقال خون می‌شوند و از بروشورهای آن استفاده می‌کنند. سازمان انتقال خون باید کتاب‌هایی برای طبقات مختلف جامعه از جمله عوام، خواص و پزشکان و دانشجویان تالیف کند.»

تاکنون در زمینه انتقال خون کتاب‌های مختلفی از جمله «اهدائندگان خون» به قلم سهیلا رهگذر و دکتر علی اکبر پورفنج‌الله، «کاربرد بالینی خون و فرآورده‌های خونی»، «استانداردهای انتخاب اهدائندگان خون»، «آشنایی با سیستم هموستاز خون و ویروس‌ها و انتقال خون» موجود است که البته نسبت به مخاطبان مختلف بسیار کم‌شمار است.

دکتر خلیلی در این زمینه می‌گوید: «برخی از کتاب‌های تخصصی خون بسیار گران است و مردم عادی برای کسب اطلاع درباره فواید و راه‌های صحیح اهدای خون حاضر به پرداخت هزینه گزاف نیستند. بنابراین باید کتابچه‌هایی رایگان متناسب با سطح علمی افراد تالیف و توزیع شوند. تعداد کتابچه‌های سازمان انتقال خون برای گیرندگان و دهندگان خون بسیار کم است و این کتابچه‌ها بیشتر در مقاطع خاصی تالیف می‌شوند.»

دکتر احمد خلیلی، مدیر گروه پایه پزشکی جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، در این باره می‌گوید: «همه مردم درباره اهدای خون نگرش مثبتی دارند، ولی گاهی به دلایل کم‌اطلاعی برخی از عوارض آن می‌ترسند. برای نمونه بسیاری از افراد از آلوده شدن به ویروس ایدز در هنگام اهدای خون واهمه دارند. در صورتی که اگر روی این مسأله کار شود و اطلاع‌رسانی صحیح از طرق مختلف صورت گیرد، این ترس واهی از بین برود. باید از طریق نگارش مطالب علمی به ویژه در قالب کتاب، این ذهنیت نادرست را پاک کرد.»

وی در این باره توضیح می‌دهد: «اهدای خون عاملی برای احیای سلول‌هاست و باعث فعال شدن مکانیزم‌های بدن می‌شود. اطلاعات مربوط به این امر متأسفانه به جامعه منتقل نشده است. همچنین ارائه اطلاعات به صورت بروشورها و کتابچه‌ها به صورت مقطعی صورت گرفته و همیشگی نبوده است.»

خلیلی درباره تاثیر انتشار کتاب برای اطلاع‌رسانی درباره فواید اهدای خون یادآور می‌شود: «سازمان انتقال خون دارای اطلاع‌رسانی مثبت و فعالی است، ولی این اطلاع‌رسانی مربوط به افرادی است که





گفت و گو با دکتر حسن رهاورد؛ استاد نسخه شناسی

# هیچ سندی را از دست ندهید



فعالیت‌ها و آثار و همچنین عکس‌هایی از شصت و پنج تن از رجال و مشاهیر ادبی، هنری، سیاسی و تاریخی بعد از دوران مشروطه و بعد از آن (سالهای هزار و سیصد و ده تا هزار و سیصد و چهل) است که در چندین سال آنها را گردآوری کرده‌ام و کتابخانه مجلس آنها را در قالب کتابی با عنوان «رهاورد حسن» منتشر کرده‌است.

**گردآوری آثاری از این دست را با چه هدفی انجام می‌دادید؟**

از گذشته به گردآوری دست‌نوشته‌ها، عکس‌ها و اشیای قدیمی علاقه داشتم و مدتی با سفر به شهرهای مختلف قصه‌های عامیانه را جمع‌آوری می‌کردم. عشق وافر به جمع‌آوری یادداشت‌های روزانه و دست‌نوشته‌های اشخاص برجسته داشتم و به شما هم توصیه می‌کنم که هر چه می‌توانید خاطرات خود را یادداشت کنید و عکس بگیرید و فرهنگ عامه و فولکلور را جمع‌آوری کنید. اینها یک زمانی ارزش تاریخی بسیاری خواهند داشت. بنده معتقدم که این سرزمین هنوز بکر است و هنوز ما به عمقش نرسیده‌ایم. باید یادداشت برداری از مسائل مختلف زندگی سرلوحه برنامه‌های ما ایرانیان باشد. این یادداشت‌ها با گذشت زمان به اسناد تاریخی ارزشمندی بدل می‌شوند که آیندگان با دستیابی به آنها از سرنوشت ما باخبر می‌شوند.

**چگونه دست‌نوشته ۶۵ تن از رجال را جمع‌آوری کردید؟**

قبل از هر توضیحی باید این نکته را یادآور شوم که هدفم و وجه علمی شخصیت‌ها بود، نه شخصیت سیاسی آنها و این دست‌خط‌ها مشتمل بر سوابق و یادداشت‌های علمی اشخاص است. من آن زمان، بر گه‌هایی شامل نام، نام خانوادگی، تخلص، نام پدر، سال ولادت، محل ولادت، تاریخچه‌ای از تحصیلات، خلاصه‌ای از مشاغل آزاد یا دولتی که تاکنون عهده‌دار آنها بوده‌اند، آثار به طبع رسیده و نرسیده تهیه کردم و برای چهارصد تن از مشاهیر فرستادم که متأسفانه برخی از آنها اهمیت این کار را درک نکردند و تنها شصت و پنج فیش را پر کردند. من در کنار ارسال این برگه‌ها صدای چند تن را نیز ضبط کردم. در این مجموعه دست‌نوشته‌هایی از میرزا حسن خان اسفندیاری (محتشم السلطنه)، سیدحسن تقی زاده، محمدعلی جمال زاده، رضا زاده شفق، علی اصغر حکمت، علی اکبر دهخدا، امینه پاکروان، علی جواهر کلام، احمد کسروی، عباس اقبال، رشید یاسمی، نصرالله فلسفی و محتشم السلطنه، لطفعلی صورتگر، عبدالله مستوفی، دکتر امیر علم، دکتر قاسم غنی و دکتر بدیع الزمان فروزانفر وجود دارد. همچنین دست‌نوشته‌های عبدالعلی لطفی، وزیر دادگستری دولت مصدق در سال هزار و سیصد و یک و خاطرات روزانه محمدعلی فروغی از زمره آثار قابل توجه این مجموعه است. نمونه امضا و دو قطعه عکس نیز از آنها دریافت و گردآوری کردم و بعد از مدت‌ها به کتابخانه مجلس شورای اسلامی اهدا کردم.

**پیش از آنکه درباره دست‌نوشته‌های علامه دهخدا بر فرهنگ فرانسه به فارسی بپرسم؛ از آشنایی تان با علامه دهخدا بگوئید. چطور شد که با دهخدا در گردآوری لغتنامه همکاری کردید؟**

بنده در وزارت فرهنگ وقت رئیس بخش مطالعات فرهنگی بودم. دکتر مرعاد، وزیر آموزش پرورش وقت با علامه دهخدا قراردادی مبنی بر گردآوری و تالیف امثال و حکم داشت که مبلغ قرارداد نیز اندک بود و به همین دلیل قرارداد تازه‌ای نوشته شد. دهخدا پس از تجدید قرارداد از وزارت فرهنگ درخواست یک دستیار کرده بود و وزیر مزبور نیز از من خواست تا با ایشان همکاری کنم، پس از اینکه قبول کردم، مرا به دهخدا معرفی کردند و من به خدمت دهخدا رسیدم. در آنجا مشاهده کردم که کتاب‌ها و فیش‌های تحقیقی ایشان بسیار نامنظم است؛ برای همین در بدو ورودم به آنجا طبق اصولی که در دوران دانشجویی در فرانسه آموخته بودم همه این فیش‌ها را مرتب کردم. همین امر موجب شد دهخدا قبیل از درگذشتش دست‌نوشته‌هایش درباره فرهنگ فرانسه به فارسی را در اختیار من قرار دهد تا آنها را تنظیم کنم.

این فرهنگ همان فرهنگی بود که گفته می‌شود از سرنوشت آن خبری نیست؟

نه، این دو با هم تفاوت داشتند. دهخدا دو جلد فرهنگ فارسی و فرانسوی داشت که بر آن نیز ایشان علامه دهخدا شخصیت بی نظیری بود که هر کار او واجد ارزش است. دوم اینکه این فرهنگ از جمله اولین فرهنگ‌های فرانسه به فارسی است که دهخدا حواشی سودمندی در شرح لغات و مترادف‌ها بر آن نوشته است.

**چرا در طول این سال‌ها اقدامی نسبت به اهدا و چاپ این کتاب‌ها نکردید؟**

در تمام این مدت این اسناد را به صورت منظم نگهداری کرده بودم تا در فرصتی مناسب تنظیم و منتشر کنم، اما نه فرصتی برای تنظیم آن یافتن و نه توانایی چاپ آنها را داشتم. تا اینکه مسئولان کتابخانه مجلس با من تماس گرفتند و چون صحبت آنها را بی غل و غش دیدم تصمیم گرفتم این اسناد را به مجلس اهدا کنم.

پس از آنکه قبول کردم، مرا به دهخدا معرفی کردند و من به خدمت دهخدا رسیدم. در آنجا مشاهده کردم که کتاب‌ها و فیش‌های تحقیقی ایشان بسیار نامنظم است؛ برای همین در بدو ورودم به آنجا طبق اصولی که در دوران دانشجویی در فرانسه آموخته بودم همه این فیش‌ها را مرتب کردم. همین امر موجب شد دهخدا قبیل از درگذشتش دست‌نوشته‌هایش درباره فرهنگ فرانسه به فارسی را در اختیار من قرار دهد تا آنها را تنظیم کنم.

خانه کتاب

## فراخوان

### بیست و هفتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

بیست و هفتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۸۸ برگزار می‌شود. بر این اساس دبیرخانه «کتاب سال» از کلیه پدیدآورندگان، مترجمان، مصححان و نشران دعوت می‌کند، آثار خود را برای شرکت در مسابقه کتاب سال ۱۳۸۸ شهریور ۱۳۸۸ به نشانی دبیرخانه ارسال کنند.

**اهداف کتاب سال:**

« ارتقای فرهنگ جامعه اسلامی، حفظ استقلال و هویت فرهنگی  
« حمایت و تشویق مؤلفان، مترجمان و مصححان و نشران متعهد کشور

**شرایط شرکت در کتاب سال:**

« آثار ارسالی برای اولین بار در سال ۱۳۸۷ منتشر شده باشند.  
« کتاب‌های درسی و کمک‌درسی نباشند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان صبا و فلسطین جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲-  
دبیرخانه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران  
تلفن: ۶۶۹۶۶۱۳۹ : دورنگار: ۶۶۹۶۶۲۱۸  
www.ketabulir



احسان استیری

حمیدرضا آذرنگ از نمایشنامه نویسان تاثیرگذار کشورمان است که در حوزه های کارگردانی و بازیگری تئاتر نیز فعال بوده است. در میان آثاری که به قلم آذرنگ نوشته شده، نمایشنامه های فراوانی با مضامین مذهبی و دفاع مقدس وجود دارند و همین موضوع، نمایشنامه نویس مذکور را به عنوان نویسنده ای مطرح در این عرصه معرفی کرده است. «خیال روی خطوط موازی»، «آخرین مروارید»، «دو متر در دو متر جنگ»، «روزی، روزگاری، آبادان» و «این کدامین پنجشنبه است؟»، تعدادی از نمایشنامه هایی اند که از آذرنگ منتشر شده. وی داوری چندین جشنواره داخلی تئاتر مانند پنجمین جشنواره تئاتر بسیج تبریز و اولین جشنواره های تئاتر کوتاه مشهد را بر عهده داشته است. در میان تعداد فراوان جوایزی که آذرنگ در زمینه های کارگردانی، بازیگری و نمایشنامه نویسی از جشنواره های مختلف کسب کرده، جایزه اول نویسندگی در جشنواره فجر سال ۱۳۸۵، خودنمایی می کند. این عضو کانون نویسندگان انجمن تئاتر دفاع مقدس، علاوه بر تدریس تئاتر، در حوزه های مدیریتی تئاتر کشور نیز فعال بوده است. به مناسبت ولادت امام حسین (ع) گفت و گویی با این نمایشنامه نویس انجام داده ایم که در ادامه می آید.

## عضو انجمن تخصصی نمایشنامه نویسان دفاع مقدس مطرح کرد

# برگزاری جشنواره نمایشی ویژه امام حسین (ع)

چيست؟

نخست آن که باید برهه هایی از تاریخ زندگی اولیا را بیابیم که بار دراماتیک بیشتری دارند. برای این کار، هم باید نسبت به تاریخ تسلط داشت و هم باید فنون درام را به خوبی شناخت؛ البته این را هم بگویم که تسلط به هر دوی این زمینه ها تا حدی دشوار می نماید. به این ترتیب، باید رابطه ای میان تاریخ نویسان اندیشمند اسلامی و متخصصان نمایشنامه نویسی برقرار شود؛ چیزی که متأسفانه در حال حاضر وجود ندارد. بسیاری از مورخان اسلامی، نسبت به اهالی تئاتر خوشبین نیستند و برخی از نمایشنامه نویسان نیز خود را از متخصصان تاریخی بی نیاز می دانند. باید تلاش کنیم که این دیوار بی اعتمادی فرو ریزد، به یکدیگر اعتماد داشته باشیم و نسبت به هم احساس غریبی نکنیم، همه ما، چه نیروهای اعتقادی و مورخان اسلامی و چه نمایشنامه نویسان مذهبی، در پی القا و ترویج صحیح فرهنگ اسلامی در جامعه هستیم، علاوه بر این، مسئولان تئاتر کشورمان و مدیران جشنواره های مناسباتی، باید با سعه صدر بیشتری برخورد کنند و به نمایشنامه نویسان مذهبی اجازه نگرستن به زندگی اولیا را از زوایای نامتعارف تری بدهند؛ البته این سعه صدر به تازگی در میان مسئولان فرهنگی کشورمان دیده می شود؛ امری که پیش از این کمتر شاهدش بودیم. اگر هنرمندان و نمایشنامه نویسان در کار خود آزاد باشند، مطمئناً بهتر می توانند تاریخ و درام را بر یکدیگر منطبق کنند. از اینها گذشته، الزامی برای کار کردن در حیطه درام ارسطویی وجود ندارد. تعزیه؛ شیوه ای که هنرمندان نمایشی ما در طول تاریخ، با آن به بازنمایی زندگی اولیای خدا پرداخته اند، سنخیت چندانی با درام ندارد، اما یک گونه نمایشی است. در نهایت این را هم بگویم که شاید گاهی میان روایت تاریخ و فنون، تضادی پیش بیاید که در این موارد، نمایشنامه نویس نباید هیچ یک از این دو، یعنی تاریخ و درام را به نفع دیگری مخدوش کند. نویسنده متبحر، میان تاریخ و درام یک دیالکتیک ایجاد و تلاش می کند ویژگی های هر دو را در اثرش نمایش دهد.

**اجازه دهید بحث را با پرسشی در مورد نمایشنامه هایی که در مورد امام حسین (ع) نوشته شده اند به پایان ببریم. این نمایشنامه ها تا چه حد موفق بوده اند؟**

ما در طول تاریخ نمایشنامه نویسی همواره شاهد تولید آثار بسیار محکمی در مورد امام حسین (ع) بوده ایم. بزرگ ترین و اسطوره ای ترین نمایشنامه نویسان معاصر، آثار محکمی درباره سومین امام شیعیان نگاشته اند و این همه، به خاطر بنیه و پشتوانه فرهنگ دینی در جامعه ماست. اما تصور می کنم که شخصیت امام حسین (ع) هنوز جای کار زیادی دارد چراکه واقعا ما نتوانسته ایم، بزرگی، عظمت و شکوه این شخصیت را به تمامی تصویر کنیم و مبارزات ایشان را تنها به چند روز عاشورا محدود کرده ایم، گرچه مانند حسین (ع) مردن کار هر کسی نیست؛ اما مانند حسین (ع) زیستن هم کار هر کسی نیست و ما باید بتوانیم زندگی پیشوای آزادگاه جهان را نیز با قدرت به تصویر بکشیم.



به زعم من، ریشه اصلی وجود چنین وضعیتی، بی توجهی به اهمیت حضور توامان «تعهد» و «تخصص» است. در طول سال های اخیر، نمایشنامه نویسان متعددی دیده ام که با آن که به لحاظ اعتقادی، افرادی استوار و قابل احترام بوده اند، اما به فن کار، آگاهی لازم را نداشته اند. باید حضور چنین افراد متعهد و متدینی را در حوزه هنرهای نمایشی به فال نیک گرفت، اما از دیگر سو این افراد باید اصول نمایشنامه نویسی را بیاموزند؛ در غیر این صورت نه تنها به درام ضربه می خورد بلکه حقیقت امر قدسی و زندگی اولیا و بزرگان نیز به درستی منتقل نخواهد شد. به این ترتیب، ما از لحاظ فرهنگ دینی ضربه می خوریم. ما باید آثاری چنان ارزشمند و جذاب تولید کنیم که مخاطبان از هر گروه سنی به دیدن آثارمان ترغیب شوند و به صورت خودانگیخته، به تماشای تئاتر مذهبی بیایند؛ نه آن که نمایشنامه ضعیفی بنویسیم، نمایش سستی بسازیم و از مردم توقع داشته باشیم که به دیدن این نمایش بیایند یا آن نمایشنامه سست را بخوانند. گاهی مسئولان نیز در این زمینه مقصرند؛ چون به هر کاری که ادعای مذهبی بودن دارد، اعتماد کرده و موجبات چاپ نمایشنامه و اجرای آن را فراهم می کنند. غافل از این که هر نمایشنامه مذهبی الزاماً، اثری قوی نیست و شاید حتی با ضعف هایش باعث دلسردی و واپس زدگی مخاطبان شود. از این رو، مسئولان نیز باید دقت کنند و با تکیه به افراد متعهد و متخصص، آثار سبک را از نوشته های وزین تمیز و آثار وزین را در صدر توجهات خود قرار دهند.

ارسطو در فن شعر، رعایت فنون درام را برای نمایشنامه نویس، واجب تر از رعایت و حفظ تاریخ می داند. او معتقد است که نمایشنامه نویس باید یک درام بی نقص بیافریند، نه آن که تاریخ را بی کم و کاست روایت کند؛ پس نمایشنامه نویس اگر مجبور شد، می تواند تاریخ را به نفع درام تغییر دهد، حال آن که در نمایشنامه های مذهبی، عموماً با تاریخی روبه رو هستیم که به لحاظ دینی، تقدس خاصی دارند و تغییر آن می تواند گناه باشد. راه حل نمایشنامه نویسان مذهبی در چنین مواردی

## نمایشنامه نویسی مذهبی چه مشکلات و دشواری های دارد؟

در عرصه نمایشنامه نویسی مذهبی، برخی یکسوگرایی ها و دیدگاه های سلیقه ای وجود دارد که به شدت به نمایش مذهبی ضربه می زند. این یکسوگرایی ها نه تنها موجب مخدوش شدن درام و نمایش می شود بلکه حتی چهره حقیقی اولیای خدا و موقعیت آنها را نیز به درستی منعکس نمی کند. گاهی دیده می شود که برخی از دست اندرکاران هنرهای نمایشی، متن هایی می نویسند که در آنها از روی نفرتی که از اشقیاء دارند، آنها را کره المنظر معرفی می کنند، سراغ روایت هایی می روند که سندیت ندارند و متواتر نیستند و در کل، دشمنان اولیا را افرادی ضعیف، زیون، بی خرد و ناتوان معرفی می کنند. حال آن که در درام، هنگامی که نمایشنامه نویس قدرت یکی از کنشگران را محدود می کند، قدرت کنشگر مقابل یا قدرت واکنش نیز محدود می شود. به تعبیر ساده تر، هنگامی که نمایشنامه نویسی، توانایی اشقیاء را ضعیف جلوه می دهد، ارزش، اهمیت و عظمت مبارزات اولیا را نیز کم رنگ می کند. البته همه ما اعتقاد داریم که اولیا بر حق اند و اشقیاء باطل، اما باید در نشان دادن این حق و باطل در درام، به ویژگی های فنی درام آگاه باشیم و آنها را رعایت کنیم.

**چرا چنین یکسوگرایی هایی در عرصه هنرهای نمایشی وجود دارد؟**

**نمایشنامه نویسان باید با نگاهی عمیق تر به زندگی بزرگان دینی بنگرند. مسوولان تئاتر کشور نیز نباید تصور کنند که تئاتر عاشورایی محدود به واقعه عاشورا می شود**

زندگی بزرگان دینی و به ویژه امام حسین (ع) دارای فراز و نشیب های بسیاری بوده است و ایشان در طول زندگی خود با دشواری های فراوانی روبه رو شدند و تمامی تصمیماتی که در دشواری ها و ناملايمات زندگی خود گرفتند، دارای ارزش قابل توجهی از نگاه دینی اند. اما هنرمندان ما در حوزه نمایشنامه نویسی، بیشتر سراغ واقعه عاشورا رفته اند و از دیگر بخش های تاریخ زندگی امام حسین (ع) غافل مانده اند. از دید شما، علت این امر چیست و چرا هنرمندان کمتر به دیگر ابعاد زندگی امام سوم شیعیان توجه کرده اند؟

این قضیه از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. در وهله اول، باید بپذیریم که حادثه عاشورا نه تنها در تاریخ حیات امام حسین (ع) که در تاریخ مبارزات حق علیه باطل همیشه مورد توجه مسلمانان و غیرمسلمانان بوده است. عظمت این واقعه به حدی است که شمادر نخستین نگاه به زندگی امام حسین (ع)، پیش از هر چه و پررنگ تر از هر واقعه ای، حادثه عاشورا را می بیند. اما این امر نباید نمایشنامه نویسان ما را به سمتی برد که به دیگر بخش های زندگی ایشان کم توجهی کنند. نمایشنامه نویسان باید با نگاهی دقیق تر و عمیق تر به زندگی بزرگان دینی بنگرند و وسعت دید خود را افزایش دهند. برای تحقق چنین امری، باید تحقیق و تفحص بیشتری در مورد زندگی امام حسین (ع) انجام شود و به دانسته های عمومی و کلی. که همه مردم نسبت به آن آگاهی دارند. بسنده نکرد. از دیگر سو، مسوولان تئاتر کشور نیز نباید تصور کنند که تئاتر عاشورایی محدود به نمایش هایی است که درباره واقعه عاشورا نوشته می شوند؛ بلکه باید پذیرفت که دیگر فراز و نشیب های زندگی امام حسین (ع) نیز دارای ارزش های انسانی و دینی فراوانی اند.

**به نظر می رسد یکی از پیشنهادهایی که می توان در این زمینه مطرح کرد، ترغیب نمایشنامه نویسان به نوشتن در مورد دیگر بخش های زندگی امام حسین (ع) در فراخوان این جشنواره است.**

این پیشنهاد خوبی است؛ اما من تصور می کنم که ظرفیت زندگی بزرگانی چون امام حسین (ع) چنان عظیم است که حتی می توان جشنواره ای بین المللی در این زمینه برگزار کرد، به عنوان مثال، می توان جشنواره ای برگزار کرد و در آن از همه کشورهای جهان و هنرمندان آنها دعوت شود که آثار نمایشی شان را در مورد قهرمانان اعتقادی خود ارسال کنند؛ ما هم تلاش کنیم که جنبه های مختلف، زندگی قهرمانان اعتقادی و امامانمان چون امام حسین (ع) را به نمایشنامه تبدیل کنیم و به همه جهانیان نشان دهیم که اولیای دینی ما زندگی چند بعدی داشته اند و در نگاه روشن شان تا چه حد به معیارهای الهی و انسانی، قائل بوده اند. البته ما در صورتی در این رقابت ها پیروز خواهیم بود که بتوانیم، زندگی اولیای دینی مان را به درستی به نمایشنامه و نمایش تبدیل کنیم و این رخ نخواهد داد مگر این که در فرآیند تولید اثر و حتی پیش از آن، به همه ابعاد شخصیتی آنها و تمام مدت زندگی بزرگان و قهرمانان مذهبی مان اشراف داشته باشیم.



درباره کتاب «عقل و زمانه» مجموعه گفت و گو ها با دکتر داوری

# فلسفه، تکرار الفاظ فیلسوفان نیست

جیمز و لیونار، فوکو و ویتگنشتاین را مطالعه کرده‌ام و البته افلاطون و فارابی را بیشتر خوانده‌ام. من دانشجوی فلسفه‌ام و نه مرید فیلسوفان و اقتضای دانشجویی این است که همه را بخوانم.» (ص ۷۸ همان).

۵. در همان صفحه داوری می‌گوید: «... اما بحث در مورد سنت قدری دشوار است. من برای نقد تجدید و رفتن به پست مدرن به سنت متوسل نشده‌ام، بلکه می‌خواسته‌ام عالمی را که در آن به سر می‌بردم بشناسم. ما اگر راهیان راه آینده‌ایم باید پیش از آن که عزم رفتن کنیم بدانیم کجا ایستاده‌ایم و به کجا می‌رویم. آنجا که ما ایستاده‌ایم، سنت است ولی رهرو، سنت را هانمی‌کند و از آن جدا نمی‌شود؛ درست بگوییم: «سنت مرکب ماست.»

او درباره سنت و کاربرد آن در دنیای امروز می‌گوید: «من به سنت اهمیت می‌دهم اما آن را حلال مسائل نمی‌دانم. نمی‌شود به آن پشت کرد، اما چرا و چگونه بگوییم رجوع کنید به فلان گفته قیاس بن سعد تا مسائل امروزی حل شود. من چنین حرف‌هایی نمی‌زنم و از هر چه قالبی و خشک است پرهیز می‌کنم. مسائل جهان کنونی را باید در همین جهان حل کرد...» (ص ۱۳۸).

۶. در آخر این نکته جالب است که درباره جای خالی بحث‌های کلامی (چون اثبات وجود خدا) در کارهایش می‌گوید: «گفته بودند که من یک دلیل در اثبات وجود خدا در نوشته‌هایم نیاورده‌ام، چرا باید بیاورم؟ برای کسی که به خدا معتقد است وجود خدا از هر دلیلی روشن تر است و کسی که منکر است گوشش به دلیل بدهکار نیست. ما اگر بتوانیم نسبت خود را بدین دریابیم در حقیقت راه را یافته‌ایم.»



درد البته داوری در جایی از کتاب اشاره می‌کند که در ضمن اذعان به بزرگی هایدگر، خود را هایدگری نمی‌داند، وی می‌گوید: «درس بزرگ هایدگر برای من درس مربوط به تاریخ و عوالم تاریخی است و به بقیه مطالب هایدگر کمتر پرداخته‌ام. بعضی مطالب او هم از حد فهم من بیرون بوده است. من هایدگر را متفکر بزرگ قرن ۲۰ می‌دانم و... اما مدعی هایدگری بودن نیستم نمی‌پسندم که بگویند فلانی هایدگری است. من همان اندازه هایدگر را خوانده‌ام که ارسطو، کانت، هگل، برگسون، ویلیام

مصاحبه کننده با شیوه جدی تر و دقیق تری (به خصوص از منظری فلسفی) به برخی از تناقض‌های موجود در نگاه داوری اشاره کرده است از سوی دیگر گفت و گوی نخست کتاب (گزارش کوتاه هفتاد سال عمر) از این لحاظ که سیر دغدغه‌های فکری دکتر داوری در دوره‌های گوناگون زندگی اش را بر مخاطب روشن می‌کند و گوشه‌هایی از تاریخ روشنفکری و در عین حال سیر تحول آموزش فلسفه را در دوره‌های گوناگون بر ما هویدا می‌سازد، حائز اهمیت است. اما ذکر یک نکته مهم که پرداختن به آن خالی از اهمیت نیست و به نوعی می‌تواند نگاهی آسیب‌شناختی به تنظیم این گفت و گوها داشته باشد، این است که اساساً دکتر داوری مانند بسیاری از متفکران این مرز و بوم عادت دارد متن گفت و گوها را قبل از چاپ در یک نشریه مورد بازنگری قرار دهد که در اغلب موارد این بازنگری‌ها تغییر ماهوی متن اولیه مصاحبه را در پی داشته و حتی بیشتر اوقات متن‌ها ویژگی گفت و گویی و به طور دقیق‌تر خصوصیت زنده بودن خود را از دست می‌دهد و در بیشتر مواقع خصلت مونولوگی. تک‌گفتاری. و یکطرفه به نفع مصاحبه‌شونده را به خود می‌گیرد.

اما برای آشنا شدن با برخی نکات حیاتی تازه‌ای که از زبان دکتر داوری در پاسخ پرسشگران در این مجموعه گردآوری شده، بخش‌هایی از این کتاب عیناً نقل می‌شود. ۱. در گفت و گوی اول کتاب که همان گزارش کوتاه هفتاد سال عمر از جمله در صفحات ۱۴ و ۱۵ است، دکتر داوری درباره تبیین فضای دانشگاهی خود در رشته فلسفه در دهه ۱۳۳۰ و استادان خویش، به نکات تازه و از آن جمله به برخی واحدهای درسی خود و جزوه‌هایی که در آن زمان موجود بوده اشاراتی می‌کند؛ به خصوص به جزوه‌ای از دکتر صدیقی درباره فلسفه یونان. که البته هرگز به چاپ نرسید. و جزوه‌ای از مرحوم دکتر یحیی مهدوی درباره فلسفه قرون وسطی که البته بیشتر برگرفته از کتاب «تاریخ فلسفه» امیل برهیه بود و البته بعدها مرحوم مهدوی تمام مجله‌های کتاب برهیه را به طور مستقل ترجمه کرد.

و در عین حال داوری در صفحه ۱۵ این کتاب به شرکت خود در کلاس‌های درس تاریخ علم مرحوم دکتر هشترودی اشاره می‌کند؛ کلاسی که در دهه ۳۰ تشکیل می‌شد و داوری تنها شرکت‌کننده فعال آن کلاس‌ها بود. دکتر هشترودی تاریخ علم را بر مبنای نئوپوزیتیویسم تفسیر می‌کرد و نگاهش درست برخلاف نگاه احمد فردید بود. داوری در این کتاب به گفتارهای هشترودی درباره جدال «کارناپ» با «هایدگر» اشاره می‌کند که شاید برای نخستین بار در ایران مطرح می‌شد. ۲. داوری در این مجموعه مصاحبه هم باز به صورتی دیگر عدم تمایز میان غرب و مدرنیته را بیان کرده است چرا که در قاموس تفکر او، میان غرب و مدرنیته تلازمی برقرار است که از هم جداشدنی نیستند. درست برخلاف عده‌ای دیگر، به ویژه در دهه‌های اخیر، که الزاماً میان این دو، این همانی قائل نیستند برای نمونه او در جایی می‌گوید: «غریزدگی یک نحوه بودن در جهان است، غریزدگی نگاه سوپزکتیو به جهان و موجودات است و به این معنا، غربیان هم غریزده‌اند. اروپای غربی، آمریکای شمالی، ژاپن و مناطقی از این قبیل را مستثنا نمی‌توان دانست، اما اینها غریزده بسیط‌اند و بقیه عالم دچار غریزدگی مضاعفند.» (ص ۲۸).

۳. داوری در ص ۵۶ می‌گوید: «یکی از اموری که در زمانه ما اهمیت دارد و من در این باره به دوستان جوانم توصیه می‌کنم، توجه به شعر است؛ ما از شعر غافل مانده‌ایم و چنان است که وقتی می‌خواهیم به امری بیهوده‌ای اشاره کنیم می‌گوییم شعر است. این که به شعر بی‌اعتنایی می‌کنیم، متوجه نیستیم که در واقع به وجود خود و به خانه وجود خود لطمه می‌زنیم. بی‌اعتنایی به شعر، بی‌اعتنایی به آدم و عالم است. اصلاً بحران امروز بحران شعر است.» این گفته‌ها، اما تاثیر هایدگر را بر او بسیار نشان می‌دهد، به خصوص در شیفتگی‌ای که به هولدرلین

کتاب «عقل و زمانه» برگزیده گفت و گو‌هایی است که در سالیان اخیر با دکتر رضا داوری اردکانی درباره موضوعات مختلف صورت گرفته است. این گفت و گوها، به ۱۹ مورد می‌رسد که قدیمی‌ترین آن با عنوان «راهبردهای جدید فلسفه» در سال ۱۳۷۴ در کیهان فرهنگی به چاپ رسیده و جدیدترین آن نیز از حیث تاریخ چاپ، با عنوان «ما هنوز خود را به علوم انسانی نیازمند نیافته‌ایم» در نشریه جشنواره بین‌المللی فارابی در خرداد و تیر ۱۳۸۷ منتشر شده است. داوری در مقدمه‌ای که بر این مجموعه گفت و گوها نگاشته، ضمن تأکید بر اهمیت گفت و گو و دیالوگ در دنیای امروز، در رفع بسیاری از سوء تفاهم‌ها و باز شدن بسیاری از حقایق، بر این نکته پافشاری می‌کند: «من در این گفت و گوها، گرچه همواره دیالوگ را در نظر داشته‌ام، گاهی احساس می‌کنم که تنها هستم و حدیث‌نفس می‌کنم، می‌پندارید که اشخاص مصاحبه‌کننده را بیگانه و از خود دور دانسته‌ام... اما در این زمان گشودن زبانی که با آن سوء تفاهم‌ها برطرف شود، آسان نیست به این جهت این گفت و گوها اگر در جایی سوء تفاهمی را رفع کرده چه بسا که محل سوء تفاهم تازه شده است.» و در پایان مقدمه هم به نکته بسیار مهمی اشاره می‌کند که به خصوص برای جامعه فکری و فرهنگی ما بسیار مفید است. او می‌گوید: «مراد من از فلسفه تکرار الفاظ و عبارات فیلسوفان نیست، بلکه گوش دادن به سخن زمان برای یافتن و درک جایگاه خود و یافتن راه آینده است. اگر همنوایی و هم‌داستانی با متفکران و فیلسوفان و شاعران را یاد بگیریم، گوش‌نویشا پیدا می‌کنیم و زبانمان به سخنی باز می‌شود که سخن وجود است و به زبان باقی تعلق دارد یا جلوه زمان باقی است.»

و در همین مسیر بر یک موضوع کلیدی و حیاتی انگشت تأکید می‌گذارد: «اگر کسی بخواهد به فلسفه وفادار باشد، نمی‌تواند مرید کسی باشد، نمی‌تواند حرف‌های یک فیلسوف را تکرار کند و اگر چنین کند از فلسفه استعفا کرده است، چون فلسفه مقام تفکر است و مقامی نیست که در آن گفته شود، فلان، فلان چیز فرمود فلان، فلان سخن را گفت.» (صفحه ۱۹ عقل و زمانه). به هر حال در مجموع و با مطالعه این ۱۹ گفت و گو به نکات نسبتاً تازه و جدیدی در باب افکار و آرای دکتر داوری می‌رسیم که به احتمال قوی با مطالعه آثار قبلی وی به راحتی یا حداقل به طور مستقیم نمی‌توانیم به آنها دست پیدا کنیم. اما اگر بخواهیم در مورد گفت و گو‌هایی که در این مجموعه گردآوری شده است یک مقایسه منصفانه و تطبیقی صورت دهیم (البته از منظر راقم این سطور) به نظر می‌رسد که پنج گفت و گو از میان ۱۹ گفت و گوی این کتاب از مناظر گوناگون واجد اهمیت بیشتری باشند و گفت و گوکنندگان بیشتر توانسته‌اند زوایای نامشکوف از دیدگاه‌های او را باز کنند. عناوین این گفت و گوها عبارتند از «گزارش کوتاه هفتاد سال عمر» (متن این گفت و گو در دی ماه ۱۳۸۳ و توسط امید قنبری در زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر داوری به چاپ رسیده است)، «من تغییر نکرده‌ام، زمانه تغییر کرده است» (گفت و گو با مسعود پدرام و جواد غلامرضا کاشی؛ نامه فرهنگ شماره ۴۶)، «تغییرات اقتضانات مدرنیته ناممکن است» (گفت و گو با حامد یوسفی و احمد رضا همتی مقدم؛ سال ۱۳۸۴ روزنامه شرق)، «بودن با ریشه‌ای تاریخی در فضای متجدد» (گفت و گو با سیدمجید حسینی؛ روزنامه ایران؛ آذر ۸۲) و در نهایت «نسبت اسلام و غرب» (گفت و گو با حسین کاجی؛ ماهنامه چشم‌انداز؛ مهر و آبان) و از میان این پنج گفت و گو هم به نظر می‌رسد، مصاحبه پدرام و کاشی حاوی نکات جدیدتر و بدیع‌تری به ویژه در زمینه مسائل مرتبط با تفکر وی و سیر تحول فکری داوری در حوزه روشنفکری و تبیین دقیق‌تری از نگاه وی درباره نسبت سنجی سنت و مدرنیته و مباحثی از این دست است. در عین حال، به نظر می‌رسد، گفت و گوی حسین کاجی حاوی نگاه فلسفی تری در این میان باشد چرا که

باسمه تعالی

مؤسسه خانه کتاب

ششمین دوره جشنواره نقد کتاب  
همزمان با هفدهمین دوره هفته کتاب

مؤسسه خانه کتاب به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی نقد جشنواره نقد کتاب را همزمان با هفدهمین دوره هفته کتاب در سال جاری برگزار می‌کند. لذا از تمامی منتقدان و مدیران مسئول مطبوعات و نشریات دعوت می‌کند مقالاتی را که در حوزه نقد کتاب در سال ۱۳۸۷ منتشر کرده‌اند، حداکثر تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۸ به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

تلفن تماس: ۶۶۴۱۵۲۵۵      تلفن: ۶۶۹۶۶۲۱۸

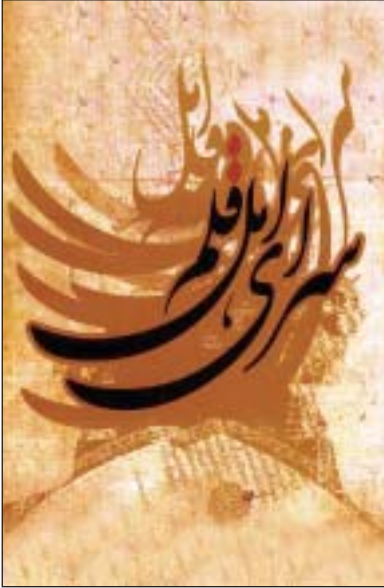
www.naghdeketab.ir

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین فلسطین و برادران مظفر جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲-



از چهارشنبه تا سه شنبه با برنامه های سرای اهل قلم

# وحی، آمار و تبلور واقعیت



موسی ملایری بود.

در ابتدای این نشست، پرویز عباسی داکانی گفت: «وحی به جان پیامبران القا می شود و اصل آن رازی است که خدا به انسان محبوبش می دهد. جان لاک بر این عقیده است که وحی به جان پیامبران القا می شود. علامه طباطبایی نیز حقیقت وحی را غیر لفظی می داند.» وی ادامه می دهد: «مولانا دل را به دلیل اتصالی که می تواند با خدا داشته باشد، منبع الهام و اشراق می داند که به این اتصال، وحی بر دل هم می گوید.»

موسی ملایری، مولوی پژوه و محقق، از دیگر سخنرانان این جلسه با اشاره به شیوه های تفسیر فلسفی و عرفانی وحی، خاطر نشان کرد: «هم فیلسوفان و هم عارفان، همواره تلاش می کردند وحی را تفسیر کنند که این دو تفسیر همیشه در یک نقطه به هم متصل می شد. ابن سینا نیز در «مناقب العارفین» درصدد است تا وحی فلسفی و عرفانی را به هم نزدیک کند.»

وی افزود: «مولانا تلاش می کند بگوید چگونه انسان می تواند با دنیای دیگر ارتباط برقرار کند و دارای معرفتی خاص شود. وحی خصوصیتی خلاف معارف حسی و طریقه آن دل است و معرفت الهی از جنس حروف و اصوات نیست.»

ملایری با اشاره به دیدگاه مولانا مبنی بر امکان بهره مندی اولیا از وحی، توضیح داد: «وحی از لوح محفوظ می آید و به قلب عارف و نبی تسری پیدا می کند. در این خصیصه مولانا اولیا را با انبیا شریک می کند و اولیا را هم از وحی برخوردار می بیند و آنان را نیز به سراپرده وحی راه می دهد و تصریح می کند که اولیا به انبیا محتاجند.»

وی با توضیح درباره این که از نظر عرفا هر دلی قرارگاه وحی نیست، گفت: «الفاظ واسطه نیستند که پیامی را به پیامبر برسانند. معرفت آنان بی واسطه است و هر دلی جایگاه وحی نیست و پیامبران اصل معنا را دریافت کرده اند.»

مؤلف کتاب «تبیین فلسفه وحی از فارابی تا ملاصدرا» بیان داشت: «چنانچه همه انسان ها در خود آمادگی ایجاد کنند، دیگر به هیچ واسطه مادی نیازی نیست. مولانا حقیقت را منحصر به انبیا نمی کند و معتقد است، همه انسان ها می توانند از این معرفت استفاده کنند.»

سپس داکانی در تایید گفته های ملایری، توضیح داد: «مولانا می گوید یاران پیامبر کسانی بودند که چشم و گوش بازی داشتند. درک مولانا از وحی، موضوعی فوق العاده است که آن را متعلق به گذشته نمی داند. در غرب، فیلسوفی مانند جان لاک در کتابی با نام «سیری در سپهر جان» به نوعی از وحی قائل است که به جان پیامبر القا می شود. او می گوید اصل وحی، رازی است که خدا به انسان محبوبش می دهد. نویسنده «شمس من و خدای من» گفت: «بر اساس اعتقاد عرفا، قرآن چهار مرحله با نام های عبادات، اشارات، حقایق و لطایف دارد که عبادت برای عوام، اشارت برای خواص، لطایف مختص اولیا و حقایق نزد انبیاست.»

داکانی گفت: «این جهان رازهای اولیا را در خود دارد که فقط باید آنها را پیدا کرد. اصل ولایت یعنی آزادی از بندگی است هابه آزادی خدایرستی. جهان هستی سرشار از سر و رمز است؛ ولی گوش بسیاری از ما نامحرم است.»

ما سمعییم و بصیرییم / هشیم / یا شما نامحرمان ما خامشیم

**نقد در غیاب مترجم!**

ترجمه مژده دقیقی، سه شنبه ۳۰ تیر در سرای اهل قلم خانه کتاب بدون حضور مترجم برگزار شد.

مدیر جلسه، در سرای اهل قلم برگزار شد.

در آغاز این نشست، مهدی مرادحاصل، نویسنده کودک و نوجوان با تاکید بر حجم این مجموعه داستان اظهار داشت: «در مجموعه داستان «یک نفس تا بهار» یک داستان بلند با موضوع انقلاب اسلامی در کنار پنج داستان کوتاه با موضوع جنگ تحمیلی قرار گرفته اند که توالی و توازن اثر را بر هم زده است.»

وی ادامه داد: «نویسنده سبک خاصی را در دیالوگ سازی به کار برده و زبان روان و ساده ای برای ارتباط صمیمی با مخاطب ایجاد کرده است.»

نویسنده کتاب «قصه لاله ها» خاطر نشان کرد: «داستان ها در قالبی معناگرا، بدون شعار و در قالب طنز، مسائل حقیقی و واقعی جنگ تحمیلی را روایت کرده اند و مخاطبی که در دوران جنگ تحمیلی حضور نداشته، کاملاً آن فضا را درک می کند.»

مراد حاصل یادآور شد: «داستان ها فضاسازی و شخصیت پردازی غیر منطقی ندارند، اما حوادث در عین جذابیت برای مخاطب، از راز آمیز بودن و طرح معما دورند. مخاطب نوجوان باید درگیر قصه شود تا پیام های مستتر را بیاموزد. وی با تاکید بر تقویت روحیه خودباوری در نوجوانان گفت: «بیان پیام های حاشیه ای و پنهان، حکومت عقل بر احساس، نحوه برخورد با دیگران در اولین ارتباط و شناخت الگوهای مثبت، به صورت تدریجی در نخستین داستان این مجموعه با عنوان «یک نفس تا بهار» به خوبی نمایان است.»

در ادامه نشست نقد و بررسی مجموعه داستان «یک نفس تا بهار»، علی اکبر والایی یکی دیگر از منتقدان مدعو درباره این اثر اظهار داشت: «فضای بیشتر داستان های این مجموعه برگرفته از مفاهیم دفاع مقدس اند. نویسنده می توانست داستان بلند و با موضوع انقلاب اسلامی «یک نفس تا بهار» را به عنوان اثر مستقلاً برای مخاطب نوجوان منتشر کند.»

وی ادامه داد: «نویسنده این اثر برخلاف بعضی خالقان داستان در عرصه ادبیات دفاع مقدس که شخصیت های جنگ تحمیلی را اسطوره ای و غیر واقعی جلوه می دهند، شخصیت های داستان خود را بسیار قابل لمس، باور پذیر و همذات پندار توصیف کرده است.» نویسنده کتاب «سرزمین خدایان» خاطر نشان کرد: «نویسندگان عرصه ادبیات پایداری با تقویت ساختار و فن نگارش می توانند فضای باور پذیر، قابل لمس و عینی تری را در آثار خود ارائه کنند.» نویسنده کتاب «خلوت مدیر» تصریح کرد: «فضای داستان طنز آمیز در وهله اول باور پذیر است. اما در طنز نوعی اغراق صورت می گیرد که پایه های اصلی داستان را سست می کند. در داستان «میهمان ناشناس» این اغراق در طنز و دوری از فضای داستانی، به چشم می خورد.»

**دل، منبع الهام و اشراق**

نشست مولوی پژوهی با موضوع «مولوی و دین» این بار در سرای اهل قلم میزبان پرویز عباسی داکانی و

سرای اهل قلم خانه کتاب در راستای ایجاد بستری مناسب برای نقد و بررسی آثار مکتوب و همچنین تبادل نظر بین نویسندگان، مترجمان و منتقدان و علاقه مندان عرصه کتاب، بار دیگر میزبان چند نشست پر محتوا بود. «اصول اساسی یادگیری و شرطی سازی» کتابی بود که در بوته نقد حاضران در سرای اهل قلم قرار گرفت. این بار در ادامه نشست های «صد نویسنده، صد داستان» مباحث قابل تاملی مطرح و در نشست دیگر از سلسله نشست های مولوی پژوهی، به بررسی مقوله ارزشمند وحی و چگونگی ارائه این امانت گران بهای الهی به وجود مقدس پیامبران پرداخته شد. همچنین در هنگامه نقد و بررسی کتاب «نقشه های راز بسوزان» سخن از این داستان و همچنین چگونگی ترجمه آن توسط مژده دقیقی به میان آمد.

**روان شناسی بر پایه آمار**

نشست نقد و بررسی کتاب «اصول اساسی یادگیری و شرطی سازی» که با حضور سعید محمود میر سلیمی و دکتر رضامانی (مترجم کتاب) برگزار شد، حاضران بر ضرورت استفاده از مباحث پایه ای، سنجش و آمار در روان شناسی تاکید کردند.

زمانی، مترجم کتاب «اصول اساسی یادگیری و شرطی سازی» در آغاز این نشست گفت: «نخستین اصول روان شناسی، استفاده از مباحث پایه ای، سنجش و آمار است. کتاب های روان شناسی که تاکنون به فارسی ترجمه شده اند، تنها تئوری های روان شناسی را مطرح کرده اند و به اصول یادگیری توجهی ندارند.»

وی با بیان این که «در ترتیب و توالی مطالب، ابتدا باید اصول یادگیری مشخص شود» توضیح داد: برای نمونه، فردی که با شعر و اندیشه فارسی شاعران ایرانی آشنایی ندارد از کلاس های سبک شناسی بی بهره خواهد ماند. وی بر یادگیری را برای سال های ۱۹۰۰ و شروع رسمی مکتب رفتارگرایی را به سال ۱۹۱۳ مربوط دانست و خاطر نشان کرد: «هر روز از اصول و شیوه های یادگیری در آموزش و پرورش، مدارس، زندان ها و بنگاه های اقتصادی به کرات استفاده می شود. برای نمونه، شیوه های تشویقی و تحسینی در مدارس و زندان ها، شیوه های مدیریتی در بنگاه ها و اقتصاد ژتونی یا امتیازی، تقریباً همه جا رعایت می شود.»

زمانی با اشاره به این که کتاب ها باید هر چند سال یک بار تجدید نظر و با استفاده از تحقیقات جدید ویرایش شوند، تصریح کرد: «متاسفانه در کشور ما بر تحقیقات پژوهش ها کمتر تاکید و بیشتر بر کلیات تکیه می شود.» در ادامه این نشست، سعید محمود میر سلیمی، منتقد و دبیر این جلسه با اشاره به مشکلات برخی از کتاب های روان شناسی در مدارس و دانشگاه ها عنوان کرد: «برای بیشتر دانش آموزان، یادگیری کتاب ریاضی، زبان و روان شناسی مشکل است.»

وی در ریشه یابی این مسأله تاکید کرد: «متاسفانه، هر سال اغلب مطالب این کتاب ها تکرار و با فرمول ها، اصول و ساختار قدیمی آموزش داده و کمتر بر شیوه های کاربردی دروس تاکید می شود.»

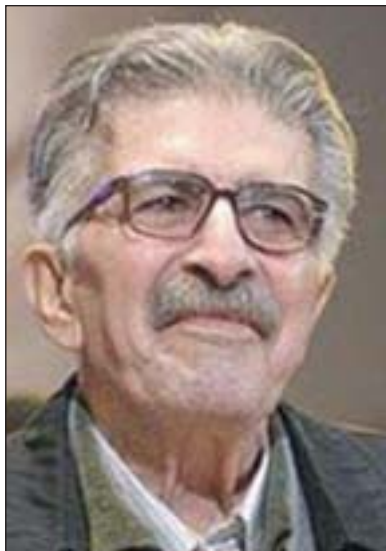
وی با بیان این که ساده بودن متن بر فهم مطلب کمک زیادی می کند توضیح داد: «این کتاب در هر فصل با مجموعه ای از سوالات آغاز می شود و هر یک نیز جنبه باز خوردی دارند. سپس، عباراتی ساده که همه با حداقل معلومات نیز متوجه آن می شوند، آورده شده اند.»

**تبلور واقعیت ها در «یک نفس تا بهار»**

چهارمین جلسه از سلسله نشست های «صد نویسنده، صد داستان» درباره مجموعه داستان «یک نفس تا بهار» نوشته داوود امیریان، با حضور علی اکبر والایی و مهدی مرادحاصل به عنوان منتقد و کامران پارسا نژاد به عنوان

ناصر خسرو به روایت منوچهر آتشی

# «سرگشته یمگان» در نگاه مرد دشتستان



از بحث های برتلس است، باز گو کنم. اما یک نکته جالب که حیف است اشاره نشود.

آتشی در این جا با نظر بخش عظیمی از استادان دانشگاه های ما مخالفت می کند که فردوسی را از نظر طبقه اجتماعی، جزو طبقات بالای جامعه دانسته اند. همه می دانیم که منبع چنین اطلاقی به فردوسی، این است که او را به عنوان «دهقان» می شناسیم و امروز جا افتاده که «دهقان» ها در روزگار فردوسی، طبقه خرده مالکان جامعه بوده اند و مال و منالی داشته اند. حالا ببینیم آتشی چه می نویسد. او در صفحه بیست و پنج کتاب در توضیح نکته ای درباره فردوسی می نویسد: «این نکته» ذخیره رساله ای دیگر (است) که اگر زنده باشیم حتما باید بنویسیم. خصوصاً به رغم مدعای کوتاه فکرانه کسانی که با درک نارسایی از قشر دهقان و آمیزش اسطوره و تاریخ و استنباط خود به غلط، فردوسی را در طبقات فرادست قرار داده و در پرداخت اساطیر، نگرش طبقاتی - مارکسیستی به او نسبت داده اند.» و در دو صفحه بعد ادامه می دهد: «با وجود استعمال کلمه دهقان در معانی ذکر شده از قدیم، این کلمه در مآخذ قدیمی تر (قرن نهم میلادی) گاهی ممکن است به معنی کشاورز ساده و روستایی هم آمده باشد» و البته این بخش را از کتاب «تاریخ نهضت روستایی در ایران» اثر وانیلی ولادیمیروویچ بارتولد نقل قول می کند.

به هر حال، بخش عمده ای از این فصل از این پس به بحث درباره «دهقان» بودن فردوسی و این که او بر خلاف باور رایج، مالک و زمیندار نبوده اختصاص دارد. چرا آتشی این قدر روی این مسئله تأکید می کند؟ چون او اعتقاد دارد که بنا به نظر برتلس: «در تبیین رویکرد دینی، اجتماعی و هنری اندیشمندان برجسته ای چون ناصر خسرو، صرفاً ترسیم مسایل مادی و طبقاتی کارساز نیست؛ ولی بدون شناخت اوضاعی که خردورزانی چون او در دامن آن پرورش یافته اند هم، ارایه چهره واقعی چنان شاعران دلسوز و فداکاری قابل تصور نتواند بود». این گونه است که برتلس به بررسی فئودالیسم آن عصر می پردازد و آتشی نیز بخشی از کتاب خود را به این مبحث اختصاص می دهد.

نکته این جاست که این فصل دو پاره شده. تا پیش از آن «یک نکته» که بالاتر به آن اشاره شد، بحث آتشی درباره فئودالیسم آن عصر و توضیح این

همین منظر قطعاً تفاوت های زیادی با نگاه متخصصان آکادمیک خواهد داشت. آتشی منابع اصلی خود را در تدوین این کتاب این گونه معرفی می کند: «تاریخ گزیده» اثر حمدالله مستوفی، «تاریخ ادبیات ایران» اثر ذبیح الله صفاء، ناصر خسرو و اسماعیلیان» اثر آ.ی. برتلس به ترجمه یحیی آرین پور و مکاتبات هانری کرین و ولادیمیر ایوانف به ترجمه ع. روحبخشان. از این میان، او تأکید بسیار دارد بر کتاب سوم. دیوانی که استفاده کرده نیز همان طور که گفته شد، تصحیح تقی زاده است؛ او بحث خود را با یک پرسش آغاز می کند: «ناصر خسرو و رنسانس ایرانی اسلامی؟» پایه بحث آتشی بر این است که به نظر او، با وجود فاصله زمانی رنسانس ایرانی اسلامی و رنسانس اروپا و تقدم رنسانس ایران بر رنسانس اروپا، عناصر فکری و فلسفی آشنایی در هر دو حرکت دخیل بوده اند. در واقع به نظر او، تمدن ایرانی اسلامی در محدوده زندگی ناصر خسرو دچار یک رنسانس فکری شده که شباهت هایی با رنسانس اروپایی دارد. در این بین، تأکید اصلی آتشی بر پدید آمدن شاعران، نویسندگان، دانشمندان و فیلسوفانی است که از قرن سوم و چهارم هجری به بعد، ایران را با وجود مسلمان شدن، از عرب زدگی مطلق نجات داده اند. او در این جا به اسامی افرادی چون رودکی، شهید بلخی، ابوشکور بلخی، دقیقی، فارابی، زکریای رازی، ابوسلیمان سجستانی، ایرانشهری، بوسهل مسیحی و بلعمی اشاره می کند.

نکته دیگر این که حرکت تفکر یونانی به اسکندریه، و سپس بغداد و ایران، و در آمیختگی مذاهب کلیسی، مسیحی و اسلام با اندیشه های کهن ایرانی، زمینه ساز جنبشی فعال و سازنده در منطقه ای وسیع، خصوصاً در قلمرو اسلامی شده که نتیجه اش رادرائشعابات دینی و ایجاد فرقه های متعدد اسلامی آشکار کرده؛ و بر زیربنای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ما ایرانیان تأثیری سازنده و همزمان مخرب گذاشته است. این دگرگونی ها شباهت های خاصی را با رنسانس اروپا نشان می دهد. حال این پرسش، پرسش بسیار مهمی می شود که چرا ناصر خسرو از میان این شمار زیاد فرقه های اسلامی در آن عصر، متوجه به اسماعیلیان می شود؟ آتشی در پاسخ به این پرسش، خوانندگان خود را به مطالعه کتاب برتلس (ناصر خسرو و اسماعیلیان) توصیه می کند.

وی در فصل بعدی کتابش به بررسی وضع اقتصادی و اجتماعی ایران پیش از قیام اسماعیلیه می پردازد. منبع اصلی او در این جا نیز همان کتاب برتلس است. باید خواند و این جا نیازی نمی بینم که خطوط اصلی بحث آتشی را که در اصل خلاصه ای

## پایه بحث آتشی

### این است که با وجود

### فاصله زمانی

### رنسانس ایرانی اسلامی

### و رنسانس اروپا

### عناصر فکری آشنایی در هر

### دو حرکت دخیل بوده اند

«بیست هزار فرسنگ زیر دریا»؛ این عبارت را همه می شناسیم. نام یکی از مشهورترین آثار ژول ورن، علمی تخیلی نویسنده فرانسوی است. ولی سفر چندین هزار فرسنگی ناصر خسرو از سال چهارصد و سی و هفت تا چهارصد و چهل و چهار هجری قمری روی زمین، کمتر از آن سفر زیر زمینی عجیب نیست. منوچهر آتشی در آخرین اثرش، «ناصر خسرو: سرگشته ی جهان و تبعیدی یمگان»، به بررسی زندگی و آثار حکیم یمگان پرداخته است. این کتاب چهار سال پس از درگذشت آتشی منتشر شده است.

ناصر خسرو، زاده قبادیان بلخ بود، ولی وقتی از دربار المستنصر بالله خلیفه فاطمی به عنوان «حجت خراسان» به زادگاهش برگشت تا مردم را که زیر فشار شدید حکومت سنی مذهب سلجوقی بوده اند به راه شیعه اسماعیلی بکشاند، همشهری هایش هیچ توجهی به او نکردند و حتا از شهر بیرونش انداختند. اول رفت مازندران و بعد نیشابور و بعد هم به یمگان بدخشان. بدخشانی ها عجیب دوستش داشتند و امروز هم در آن منطقه احترام بسیار برایش قایلند.

درباره زندگی ناصر خسرو کتاب های بسیاری نوشته شده. «غریب دره یمگان» نوشته محمدرضا خوشدل، «ناصر خسرو قبادیانی: شاعری سیاسی، مبارزی بی باک و ظلم ستیزی بی پروا» اثر محمدرضا تبریزی شیرازی و «تصویری از ناصر خسرو» تألیف علی دشتی، سه نمونه از این کتاب ها هستند.

در کنار این ها، در مقدمه چاپ های مختلف دیوان ناصر خسرو هم بالطبع توضیحاتی درباره زندگی او به قلم مصحح آمده. منوچهر آتشی که بخشی از چند سال آخر زندگی اش وقف پرداختن به «ناصر خسرو: سرگشته ی جهان و تبعیدی یمگان» شد، او از دیوان چاپ تقی زاده استفاده می کرد. دکتر مهدی محقق توضیحات بسیار جالبی دارد از زمانی که در مجله یغما، درباره اسماعیلیان مطلب می نوشته و مدام از همین چاپ دیوان ناصر خسرو استفاده می کرده تا ملاقات حضوری با تقی زاده و مسایل دیگری که خواندنی ست. کوتاه این که، این چاپ که به دیوان «تقی زاده، تقوی، مینوی» هم معروف است، از چاپ های معتبر دیوان ناصر خسروست. اخیراً انتشارات اساطیر در سال هشتاد و شش آن را تجدید چاپ هم کرد و بعد از مدتی نایابی و کمیابی، دوباره در بازار موجود است.

دو سه سال آخر، از سال هشتاد و دو به بعد که به دلایلی آتشی را زیاد می دیدم، بسیار می شد که از ناصر خسرو حرف می زد؛ و همین کاری که حالا چاپ شده. ولی خوب یادم هست که آن اواخر یک روز گفت کتاب را تحویل آهنگ دیگر دادم. حال آتشی بعد از آن خراب شد و از طرفی هم درگیر نشریه ای شده بود که به تازگی سردبیری اش را پذیرفته بود.

اما ناصر خسرو کتاب آتشی در کل سیصد و چهار صفحه است. از این میان صد صفحه مربوط به شرح حال و آثار است و بقیه، گزیده ای از اشعار ناصر خسرو را در بر می گیرد. کتاب آتشی با کتاب های دیگری که درباره ناصر خسرو منتشر شده اند تفاوت هایی اساسی دارد. شاید مهم ترین این تفاوت ها به این امر بازگردد که آتشی خود، شاعری شناسنامه دار بود. در شعر، زبان و تخیل خاص خود را داشت. نگاه او به ناصر خسرو از

واقعیت دردناک است که خلفای اسلامی به جای آن که بر مبنای اصول اسلامی به گرفتن باج و خراج بپردازند، همچنان از همان اصول فئودالی پیش از اسلام استفاده می کنند تا به سود بیش تر برسند و مسایلی از این قبیل. ولی بعد از آن «یک نکته»، کلا بحث منتقل می شود به دهقان بودن و نبودن فردوسی و ثروتمند بودن و نبودن او. البته این مسئله مهمی است. ولی اصولاً زندگی ناصر خسرو به لحاظ اوضاع خانوادگی چندان شباهتی (یا هیچ شباهتی) با زندگی فردوسی ندارد که نیاز به این طول و تفصیل درباره دهقانان باشد. اگر من بودم، این بخش دهقان را به عنوان بحثی مرتبط ولی نه در ارتباط مستقیم با اصل بحث، یا می بردم به موخره کتاب، یا در حواشی و ذیل صفحه می نوشتم. چون به نظر می آید در روند طبیعی بحث وقفه ایجاد می کند.

«قیام های ملی و دینی ایرانیان از ابومسلم تا اسماعیلیان»، «وجه مثبت و منفی حرکت علویان اولیه»، «ناصر خسرو، شاعران، سبک و سیاق»، «سبک خراسانی و ناصر خسرو»، «ناصر خسرو در میان شاعران قرن چهارم تا پنجم» و «ناصر خسرو واعظ یا حکیم» فصل های دیگر این کتابند.

آتشی شاعر بود. دکتر علی اشرف صادقی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دو سال پیش در نشست رونمایی «دفتر دگرسانی ها در غزل های حافظ» اثر دکتر سلیم نیساری، دیگر عضو پیوسته فرهنگستان، احتمالاً با عطف توجه به دو دیوان حافظ به تصحیح شاملو و ه. الف. سایه، نکته جالبی گفت. او گفت هیچ شاعری نباید دست به تصحیح دیوان حافظ بزند. این جمله به معنای دقیق کلمه به عنوان یک «حکم» بیان شده و نوع نگرش دانشگاهیان ما را به شاعران نشان داد.

فارغ از آن که حافظ شاملو یا سایه چه ضعف هایی دارند، به نظر می آید اختلاف دیرینه برخی شاعران و دانشگاهیان ما که از اوایل این قرن و با خنده های بلند دانشگاهیان به شعرهای نوی نیمایوشیخ آغاز شد، همچنان ادامه داشته باشد. آتشی هم شاعر بود. ولی شاعری که از بدو جوانی مطالعاتی بسیار گسترده در ادب کلاسیک داشت و البته مدرک دانشگاهی اش لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی بود. وقتی کتاب ناصر خسرو و آتشی را می خوانیم، نخست و پیش از هر چیز، با نثری مواجه می شویم که نیم قرن در ذهن یک شاعر طراز اول پخته شده و جا افتاده، نثری سرشار از جمله های بلند و مشحون از عبارات های معترضه که با ریتمی چشم نواز پشت هم ردیف شده اند؛ یعنی درست نقطه مقابل نثر خشک و دقیق دانشگاهی، که البته لازمه هر تحقیق دقیقی نیز هست. تا آن جا که می توان گفت تجربه خواندن این کتاب به لحاظ معنایی و مضمونی یک طرف، و لذت مطالعه نثر آتشی در طرف دیگر.

پس از آن، شیوه تنظیم کتاب، که جز در چند مورد خاص مثل مورد دهقان ایرادی هم به آن وارد نیست، چشم و ذهن خواننده را نوازش می دهد. متأسفانه مجال نیست که همه این ویژگی ها را با ذکر نمونه مشخص کنم. باید خواند. ولی این را گفته باشم که کتاب اندکی پیش از انتشار به نظر دکتر کیوان جمالی از دانشگاهیان فرهیخته و بی تعصب رسید و چند مورد اشکال کوچک آن نیز از آن دیدگاه برطرف شد. چون نام دکتر جمالی در کتاب نیامده، اشاره به قبول زحمت ایشان در این میان لازم بود.



# جستجوی ردپای کتاب بعد از نقد

اگر بی‌گیر صفحات ادبی و کتابی مطبوعات یا رسانه‌های تخصصی مربوط به کتاب باشید، بارها به چنین خبرهایی برخوردیده‌اید: «جلسه نقد و بررسی کتاب... برگزار می‌شود» یا گزارش‌هایی خواننده‌اید که در جلسه‌ای، چند منتقد درباره اثری صحبت کردند و هر یک چیزی گفتند. شاید هم گاهی گزارشان حاضر در پی یافتن این مفهوم است که جلسه‌های نقد کتاب چه تأثیری دارد.

«زیاد تأثیر ندارد، فقط همان‌ها که در جلسه شرکت کرده‌اند، گاهی می‌آیند و یک نسخه می‌برند. کتابی که خوب است، بدون جلسه نقد هم می‌فروشد.» اینها حرف‌های مهدی محمدی است؛ مدیر کتابفروشی اختران در خیابان انقلاب تهران. یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌فروشان این راسته. نمی‌خواهم توجیهش کنم، اما جوایش آن قدر منفی است که سوال می‌کنم: «یعنی کتابی که بعد از سال‌ها هنوز اقبال عمومی دارد و می‌فروشد، خود به خود به این اقبال رسیده؟» پاسخش ساده است: «به خاطر جلسه‌ها نرسیده است. شاید این جلسه‌ها تأثیر داشته باشند، ولی خیلی کم. من تا حالا تأثیر خاصی ندیده‌ام.» رضا نجفی، این نامی است که این روزها در فهرست برنام‌های نقد کتاب زیاد به چشم می‌خورد، همین‌طور در کارگاه‌های نقد یا کلاس‌های آموزش نقد ادبی. او مترجم زبان آلمانی است و تاکنون در چندین دوره نقد ادبی مدرس بوده است. بیش‌تر در جلسه‌های نقدی که مربوط به کتابی از ادبیات آلمانی باشد، دیده می‌شود. این فرد دیگر حرفه‌اش نقد ادبی است. شاید بهتر بتواند بگوید کتاب‌ها بعد از جلسه نقد، کجا می‌روند؛ به هر حال این جلسه‌ها یک کمک کوچک است به بازار چاپ و نشر. مختصر است؛ ولی هست.

می‌پرسم چه می‌شود که دعوت جلسه‌های نقد را قبول می‌کنند؟ پاسخ این است: «اما در کشورمان فقر نقد داریم.

خیلی استعدادهای ما برای نبودن نقد درست، یا شناخته نمی‌شوند یا از دست می‌روند. هم در نقد مکتوب و هم در نقد شفاهی، فقر داریم. برای همین از هر نوع نقادی استقبال می‌کنم. معمولاً وقتی دعوت می‌شوم، حتی اگر نویسنده یا کتاب مورد بحث برایم جالب نباشد، سعی می‌کنم در آن جلسه حاضر شوم. شاید بتوانم به مخاطب کمک کنم. بیش‌تر با اثر آشنا شود و زوایای آن را بهتر بشناسد. این جلسه‌ها اگر باعث شود ۱۰ نفر هم بروند کتاب را بخردند، کمک شده است.» اما این همه حرف‌های نجفی نیست. وقتی می‌پرسم چگونه می‌شود که یک جلسه نقد کتاب خوب برگزار شود یا چگونه چنین جلسه‌هایی به اهداف خود می‌رسند؟ دیگر نجفی این قدر خوش بین نیست. انتقاداتش زیادند. مثلاً می‌گوید ما در برگزاری جلسه‌های نقد، مثل سرمایه‌داران چشممان به بازار است. به تقاضا نگاه و همان را تولید می‌کنیم. او از «شیلر»، شاعر آلمانی مثال می‌آورد و می‌گوید: «شیلر می‌گوید ما باید به جامعه چیزی را بدهیم که احتیاج دارد؛ نه چیزی را که علاقه دارد.» نجفی خیلی چیزها گفت. اما آخر گفت کتاب‌ها بعد از نقد کجا می‌روند؟ یعنی اگر از فردا جلسه نقد کتاب برگزار نکنیم، چه چیزی راز دست می‌دهیم. شاید تندترین پاسخی که می‌شد از این سوال گرفتار فتح‌الله بی‌نیاز، نویسنده و منتقد ادبی به من داد: «هیچ چیز را.» بعد هم اضافه می‌کند: «این‌ها آب در هاون کوبیدن است.»

بی‌نیاز تند رفت تا همان‌طور که خودش می‌گوید ریشه را هدف گرفته باشد: «ما جامعه نقدپذیری نیستیم. اگر فردی ایراد من نویسنده را بگوید، من حد کار را کارانه قبول می‌کنم؛ اما هیچ وقت با انتقاداتش کنار نمی‌آیم. فرهنگ نقد و انتقاد در جامعه‌ما وجود ندارد و این باعث شده بسیاری از جلسه‌های نقد کتاب بی‌فایده باشند.» این نویسنده می‌گوید بسیاری از چیزهایی که در مطبوعات لقب نقد می‌گیرند، نه نقد، نه

تحلیل، که حتی معرفی هم نیستند. بسیاری از آن‌ها تعریف و تمجیدهای بی‌جا هستند و برخی دیگر ایراد گرفتن بی‌هوده. البته بی‌نیاز حرف‌هایش را در پایان تلطیف می‌کند: «فقط شاید جلسه‌های نقد کتاب‌های غیر ایرانی فایده‌هایی داشته باشند. من خودم مدت‌هاست که به جلسه نقد کتاب‌های ایرانی نمی‌روم. ولی جلسه‌هایی که برای نویسندگان یا آثار غیر ایرانی برگزار می‌شود، گاه فایده‌هایی دارد و دست کم باعث می‌شود مخاطب، اثر یا نویسنده‌ای را بهتر بشناسد.» این چه شنیده‌ام را می‌پریم و می‌گذارم روی میز احسان عباسلو. کسی که گذشته از این که در ترجمه و نقاد ادبی دستی دارد، دو سال است مدیریت سرای اهل قلم را نیز به عهده گرفته. عباسلو انتقادات را قبول دارد. مثال می‌آورد که در سرای اهل قلم گاه کار به تعریف‌ها و تملق‌ها کشیده و گاه به عکس ماجرا رفته و حاضران را رنجانده است. همین‌طور قبول دارد که برنامه‌هایی که او مدیریت می‌کند، هنوز ایده‌آل نیستند. مثلاً می‌گوید: «رابط انسان‌ها و البته جایگاه‌ها گاهی بر جلسه‌های نقد کتاب سایه می‌اندازند و منتقد را از عدالت دور می‌کنند. مصلحت‌اندیشی‌ها و بی‌عدالتی‌ها همواره به جریان نقد ادبی ایران ضربه زده است.» اما این مترجم با همه این احوال، از برگزاری جلسه‌های نقد ادبی دفاع می‌کند: «نقد به ارتقای کیفی سطح ادراک خواننده می‌انجامد. او می‌فهمد ادبیات تنها همین لایه‌های سطحی که در کلمه‌ها خوانده نیست. این برای نویسنده هم اهمیت دارد. او هم با نقاط قدرت و ضعف اثر خود آشنا می‌شود هم رویکرد مخاطب را می‌بیند.»

او اندکی از شیوه انتخاب کتاب‌ها برای نقد در سرای اهل قلم می‌گوید. مثلاً تأکید می‌کند که تلاش بر این است «ادبیات معناگر» به این مرکز راه بیابد و در تعریف «ادبیات معناگر» می‌گوید: «یعنی ادبیاتی که چیزی فرای داستان دارد؛ چیزی بیش‌تر از آن کلمه‌ها. نه از آن دست رمان‌های سطحی، زرد یا

شاخص‌های آماری کتاب‌های بزرگسال

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزاترین کتاب	۱۵۰۰ ریال	زیارت وارث، ناشر: ندای کونور، چاپ ۱۶، ۱۶۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۲۹۲۰۰۰ ریال	Seun Sweetman, The complete drug reference، ناشر: تصویرانه، چاپ ۱، ۱۱۷۲ نسخه، ۹۰۰۰۰ ریال
بیشترین نوبت چاپ	۷۵ مرتبه	حکایت دولت و فرازنگی، مارک فیشر، گیتی خوشدل، ناشر: فطرد، چاپ ۱۲۰، ۱۲۰۰ نسخه، ۵۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۵۰۰۰۰ نسخه	آموزش نماز، سیدکاظم ارفع، ناشر: پیام عبادت، چاپ ۱۲، ۲۲۰۰۰ نسخه
کمترین شمارگان	۱۵۰ نسخه	راههای مستوهای پیش‌ساخته سبک سعیدی، حسین گلری، ناشر: دانشگاه سمتان، چاپ ۱، ۲۹۶، ۱۰۰۰ نسخه، ۶۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۹۲۰ صفحه	A. S. Homby, Oxford advanced learner's dictionary of current English، ناشر: دانشگاه، چاپ ۱، ۵۲۰۰۰ نسخه، ۱۹۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۶ صفحه	زیارت وارث، ناشر: ندای کونور، چاپ ۱، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۵۰۰۰ ریال

شاخص‌های آماری کتاب‌های کم‌کدرسی

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزاترین کتاب	۱۰۰۰۰ ریال	بانک سوالات چهارگزینه‌ای کلمات لغت‌ساز، غنیزاده پیام‌آورد، ناشر: فراگیر هکمتا، چاپ ۱، ۱۲۰۰ نسخه، ۳۰۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۵۸۰۰۰ ریال	بانک جامع سوالات با تشریح و ارزیابی آزمون پیش‌کروزی و پذیرش هستی‌پژوهی، ناشر: سال ۱۳۷۷ تا شهریور ۱۳۸۷، ناشر: اندیشه رفیع، چاپ ۱، ۵۴۰، ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۳۳ مرتبه	۱۱۰۰ سوال چهارگزینه‌ای ریاضیات پنجم ابتدایی: قابل استفاده دانش‌آموزان سرآمد مقطع ابتدایی، حسین انصاری، ناشر: پیشروان، ۴۲۲ نسخه، ۴۰۰۰ نسخه، ۶۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۵۵۰۰ نسخه	جمنوعه سوالات راه‌کار درجه ۲، به انضمام پروژه‌های عملی، غلامرضا حقیق، ناشر: اندرونی، چاپ ۱، ۲۴۸، ۱۰۰۰ نسخه، ۴۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	تنظیم شرایط محیطی، گورش محمودی، ناشر: خندان، چاپ ۱، ۴، ۲۰۴ نسخه، ۳۵۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد ناشران بدون قیمت	تعداد پدیدآورندگان		
		تولف*	ترجم	مترجم
۳۷۰	۶۴	۱۱۲	۵۹۴	۱۵۴

\* مؤلف نامی پدیدآورگان (مانند نویسنده، نام، کتابخانه، مصحح و... به جز مترجم)

## گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می‌شود. از شنبه ۸۸۹۲/۲۰ تا چهارشنبه ۸۸۹۲/۲۴، ۹۷۸ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب‌ها در موضوع ادبیات و سپس دین بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات کودک و نوجوان، علوم عملی، آموزش و کم‌کدرسی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب‌های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	عنوان کل	تایید*	نویسنده	چاپ اول	تعداد چاپ	نویسنده	شمارگان	مجموع صفحه
۱	کتابت	۴۲	۲۴	۸	۱۷	۱۵	۲۸	۴	۲۳۷
۲	فلسفه و روانشناسی	۴۲	۱۷	۲۵	۱۷	۲۵	۴۱	۱	۲۳۷۰
۳	دین	۱۲۸	۱۱۵	۲۳	۲۶	۷۴	۶۴	۶۴	۴۲۶۱
۴	علوم اجتماعی	۸۳	۷۰	۱۳	۴۳	۴۰	۶۷	۱۶	۲۳۲۱
۵	زبان	۲۹	۲۷	۲	۱۲	۱۷	۲۸	۱۶	۲۷۴۴
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۴۰	۳۳	۷	۱۷	۲۳	۳۵	۵	۱۹۶۹
۷	علوم عمومی	۱۱۶	۹۰	۲۶	۶۱	۵۵	۹۰	۳۶	۲۴۴۷
۸	هنر	۶۴	۴۲	۲۲	۳۵	۲۹	۵۸	۶	۲۰۸۹
۹	ادبیات	۱۴۷	۱۱۴	۳۳	۷۹	۶۸	۱۳۷	۱۰	۲۴۴۶
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۶۴	۵۰	۱۴	۳۰	۲۴	۵۶	۸	۲۶۰۲
۱۱	آموزشی و کمک‌درسی**	۸۶	۸۶	-	۴۶	۴۰	۷۶	۱۰	۲۷۴۳
۱۲	کودک و نوجوان	۱۳۷	۱۰۷	۳۰	۵۲	۸۵	۱۳۰	۷	۴۶۴۷
	مجموع بندی	۹۷۸	۷۷۵	۲۰۲	۴۷۵	۴۰۲	۸۲۰	۱۵۸	۲۸۹۷

\* تأیید به نامی از بانک می‌شود که توسط بانک ادبی بین نسخه، نویسنده، کتابدار، ناشر و مترجم...  
\*\* منظور از موضوع آموزشی و کمک‌درسی، کلیه کتاب‌های است که به نحوی با مواد درسی و برنامه‌های آموزشی نام‌مطابق تعریف شده است. و در صورت مربوط است و مطالب آن‌ها بیشتر از پیش‌بینی تا نوشتار است.

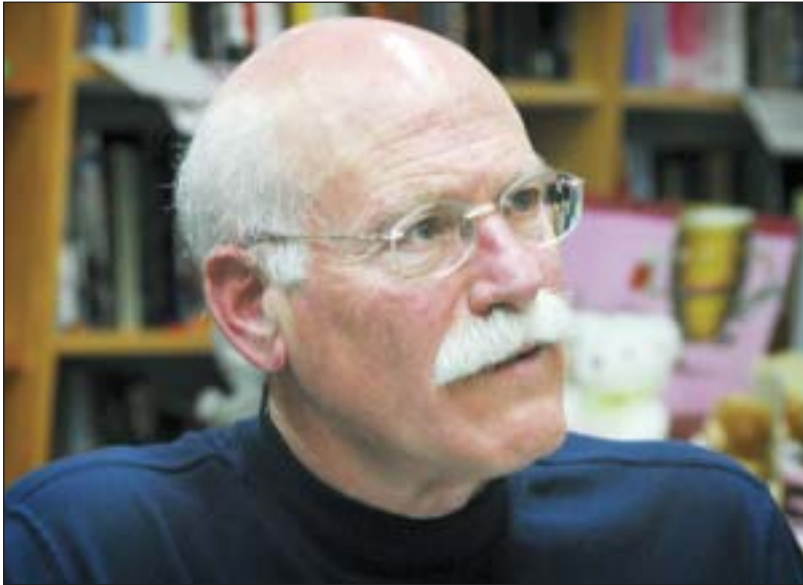
شاخص‌های آماری کتاب‌های کودک و نوجوان

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
گرانترین کتاب	۱۴۰۰۰۰ ریال	تکستین دانشنامه برای کودکان: زمین و آسمان، ترکیس سعیدیان، ناشر: آرام، چاپ ۴، ۳۲۰، ۱۰۰۰ نسخه، ۱۵۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۲۹ مرتبه	کتاب‌های آفریده‌های ساده برای کودکان و نوجوانان، ناشر: آرام، چاپ ۱، ۴۸، ۵۰۰۰ نسخه، ۷۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۱۰۰۰ نسخه	اسباب‌بازی‌ها: به جمع می‌آید، نامی، حسین فتاحی، ناشر: فدوی، کتاب‌های پیشنهادی، چاپ ۱، ۱۶، ۱۱۰۰۰ نسخه، ۵۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	پهلوان‌های شیر و خستل، نامی، آخرین‌خان، احمد فریاد، ناشر: آرام، چاپ ۱، ۲۴، ۱۸۰۰۰ نسخه، ۱۸۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۷۲۰ صفحه	تکستین دانشنامه برای کودکان: زمین و آسمان، ترکیس سعیدیان، ناشر: آرام، چاپ ۴، ۱۶۰۰۰ نسخه، ۱۶۰۰۰ ریال



گفت و گو با توبیاس وولف نویسنده رمان «مدرسه قدیمی»

# وقتی فنجان قهوه نماد ترس می شود



توبیاس وولف را می توان یکی از نامدارترین نویسندگان معاصر به شمار آورد. او که علاوه بر رمان هایش، زندگی نامه نویسی مطرح نیز به حساب می آید، از مدرسان بنام داستان نویسی نیز هست. وولف، در داستان هایش از زبانی ساده بهره می گیرد اما این نکته سبب نمی شود تا او تجربه گرایی را مورد توجه قرار ندهد. زبان ساده و در عین حال بهره گیری او از طنز زبانی و موقعیت، سبب شده تا خوانندگان نیز استقبال خوبی از آثارش داشته باشند. با این همه، وولف چندان اهل گفتگو نیست و هر گاه نیز تن به گفتگو می دهد، از مسائل کلی و عمومی داستان نویسی حرف می زند، چرا که معتقد است سخن گفتن از جزئیات، هرگز به درد مخاطب نشریات نمی خورد. وی در گفتگوی زیر که در سال دو هزار و چهار با نشریه گاردین انجام داده، به تجاربتش در عرصه نویسندگی پرداخته است. به جز داستان های کوتاه پراکنده ای که از وولف به فارسی ترجمه شده، چندی قبل کتاب مستقل «گداها همیشه با ما هستند» وی نیز به فارسی ترجمه شد.

وولف معتقد است که یک نویسنده هرگز نمی تواند شخصیت های داستانش را جدا از خود بداند و از تجربه گرایی یا بهره گیری تخیل به صورت مستقل یاد کند. وی با بیان اینکه پافشاری در این عرصه بیهوده است، از خوانندگان کنجکاو معاصر یاد می کند که به هر حال ارتباطی بین نویسنده و شخصیت هایش خواهند یافت. وولف با این همه معتقد است که تجربه گرایی به نویسنده کمک می کند تا زوایای پنهان بیشتری از شخصیت های داستانی اش را مطرح کند. وی می افزاید: «خیلی ها از این سؤال ناراحت می شوند که آیا داستان شما براساس واقعیت است؟ در صورتی که می توان خیلی واقعگرا بود. در نگاه اول این پرسش، نویسنده را به یاد یک مخاطب آماتور می اندازد. به هر حال حس می کند که مخاطب او را دست انداخته است. من از خودم ندانم که آیا واقعاً نویسنده ای هستم که می تواند مخاطب آماتور بدم می آید و حس می کنم به خواننده ربطی ندارد که بداند، نویسنده چه کرده است. اما کم کم و خرده خرده در داستان هایش می تواند خودش را بگنجانند.» وولف به عنوان نمونه از آلبر کامو یاد می کند که در تلاش بود تا قصه ای را براساس زندگی خودش بنویسد و می گوید: «همه این ها سلیقه ای است. همه تخیل یک

نویسنده به زندگی اش بازمی گردد. هر قدر پرمایه تر به همان اندازه ماندگارتر، مثلاً همینگوی البته اگر از داستان های عبوس سال های پایانی زندگی اش بگذریم، تنها حضورش در جنگ های داخلی اسپانیا، انزوایش در کوبا و روزنامه نگاری اش به داستان هایش عمقی بخشیدند که هرگز فراموش نمی شود.»

نویسنده رمان «مدرسه قدیمی» معتقد است که همواره شروع نوشتن برایش دشوار بوده است و اغلب در شروع نوشتن، چند فنجان قهوه می خورد که نشان دهنده ترسی است که از شروع نوشتن دارد. او همچنین بر این اعتقاد است که تا زمانی که سفیدی کاغذ از بین نرود، ترسش نخواهد ریخت: «در ابتدای نوشتن اگر شانس بیاورید، شخصیت خودتان را به عنوان نویسنده فراموش خواهید کرد. به این ترتیب، همه آن ترس ها محو خواهد شد و شما با شخص دیگری در ارتباط می شوید که آن شخص بسیار نگران و ناراحت است و عمده توجه و تمرکزش بر اشتباهات ریز و جزئی است، بدین ترتیب در ذهنیت وسیع تری از ذهنیت معمولی تان قرار خواهید گرفت.» وی می افزاید: «دلیل اصلی نوشتن همین نکته است. هدف ما فقط نوشتن یک داستان یا رمان نیست بلکه لذتی

نویسنده در جنگ ویتنام استوار است. سومین مجموعه داستان توبیاس وولف «شب مشکوک» (هزار و نهصد و نود و پنج) است که پیرو آن شخصیت های مختلف داستان ها به دنبال درستی و پاکی اند. جی پارینی نویسنده نیویورک تایمز معتقد است: «داستان های شگفت انگیز آقای وولف هر خواننده ای را به وجد می آورد. داستان هایی ناب، غیر منتظره و از همه مهم تر گوش نواز و خوش آهنگ!» توبیاس وولف در مجامع ادبی، همانقدر که به عنوان یک نویسنده مورد احترام است، به عنوان یک استاد ادبیات هم مورد تقدیر و تکریم است. وی پس از بنا نهادن انجمن ادبی در دانشگاه استنفورد به عنوان استاد دانشگاه در خلق آثار ادبی در آن انجمن همت گمارد. چندی بعد وولف به مدت هفده سال سرپرستی خلق آثار ادبی در دانشگاه سیراکوز را به عهده گرفت. در سال هزار و نهصد و هفت وولف باز به استنفورد بازگشت. وولف قدیمی ترین گردآورنده مجموعه های ادبی است که عبارتند از: مجموعه داستان های کوتاه آمریکایی معاصر (هزار و نهصد و نود و سه)، بهترین کتاب داستان های کوتاه آمریکایی معاصر (هزار و نهصد و نود و چهار)، بهترین صداهای جدید آمریکایی سال دو هزار و بهترین نویسندگان فصل سه سال دو هزار. «مدرسه قدیمی» سال دو هزار و سه، داستان بیچه مدرسه ای است که کار هم می کند. این اثر به مقدار زیادی به دلیل اینکه نوعی قصه کلاسیک آمریکایی از دوران بچگی است، مورد تقدیر است. زندگی نامه ای که جایزه کتاب لس آنجلس تایمز را در بخش شرح حال نویسی از آن خود کرد. همچنین جایزه کتاب سفیر انجمن انگلیسی زبانان را هم به خود اختصاص داد. آثار وولف را می توان در واشنگتن پست، نیویورکر، گرانتا و اسکوتیز نیز مشاهده کرد.

## درباره توبیاس وولف

### غیرمنتظره و خوش آهنگ

توبیاس وولف در سال هزار و نهصد و چهار و پنج در آلاباما به دنیا آمد. وی به عنوان استاد مسلم خاطره نویسی و نویسنده داستان کوتاه به شمار می رود. مشهورترین اثر وی «زندگی این پسر» (هزار و نهصد و هشتاد و نه) نام دارد که داستان دوران کودکی نویسنده در نورث وست است. وولف در این کتاب به بازگویی جدایی پدر و مادرش و شرح حال خانواده جدیدش می پردازد. «زندگی این پسر» جایزه کتاب لس آنجلس تایمز را در بخش زندگی نامه نویسی از آن خود کرد. همچنین، براساس این کتاب فیلم موفقی در سال هزار و نهصد و نود و سه با هنرمندی رابرت دنیرو و لئوناردو دی کاپریو ساخته شد. توبیاس وولف سه بار برنده جایزه آهنتری شد و به خاطر مجموعه داستان های کوتاه، رمان ها و خاطراتش مورد تقدیر قرار گرفت. دومین اثر خاطره نویسی وولف پس از «زندگی این پسر»، «در ارتش فرعون» (هزار و نهصد و نود و چهار) نام دارد که اساس بر خاطرات و تجربیات نویسنده در جنگ ویتنام استوار است. رمان دیگر وولف «دزد سربازخانه» (هزار و نهصد و هشتاد و چهار)، داستان طنزی درباره سه جتر بازاست که از یک انبار مهمات در شمال کارولینا، زیر آتش دشمن، نگهداری می کنند. «دزد سربازخانه» کتابی که وولف را در سال هزار و نهصد و هشتاد و پنج صاحب جایزه قلم فالکنر کرد. دومین مجموعه داستان کوتاه وولف «بازگشت به دنیا» (هزار و نهصد و هشتاد و پنج) نام دارد. این کتاب به عنوان مجموعه داستان کوتاهی شناخته شده است که بر تجربیات حضور

است، حرکات ریز و خاصی اند که به شما چیز مخصوصی را بگوید.»

نویسنده رمان «ارتش فرعون» با بیان اینکه گاهی وقت ها که صبح زود سر میز کارم حاضر می شوم بی اختیار به یاد روزهای گذشته ام می افتم، می گوید: «در شروع داستان، آن روزها را فراموش می کنم، اما بعد از چند صفحه نوشتن یک دفعه سرو کله آن روزها از وسط داستان پیدا می شود. این، به عینه در رمان «مدرسه قدیمی» برایم اتفاق افتاد؛ داستان در سال هزار و نهصد و چهل می گذرد.» راوی این رمان پسری است که در سال آخر دبیرستان شبانه روزی درس می خواند. از طرف مسؤولان دبیرستان مسابقه داستان نویسی برگزار می شود که برنده آن می تواند با یک نویسنده صاحب نام دیدار کند و با او گپ بزند. این اتفاق بی شباهت به زندگی وولف نیست که در مسابقه ای مشابه برنده شد و فرصت دیدار با رابرت فراست (شاعر مطرح آمریکایی) را یافت. وی در این مورد می گوید: «در دوران دبیرستان، مدرسه هیل مسابقه داستان نویسی برگزار کرد که من برنده اش بودم و برنده می توانست با رابرت فراست صحبت کند. اما فکر نمی کردم این خاطره برایم به اندازه یک رمان کشش داشته باشد. بعد، کم کم سر و کله هم کلاسی ها و روزهای خوش بلوغ سر از این کتاب درآورد. بعد، کم کم «مدرسه قدیمی» حکایت گام های پله پله یک نویسنده شد، حکایت بالا و پایین شدن سلیقه هایش؛ اینکه چه طور دل بستگی اش به بعضی از نویسندگان کمتر می شود.»

وولف از جمله نویسندگانی است که نوشتن حقیقت تاریخی را بر حقیقت داستانی ترجیح می دهد. وی با بیان اینکه نویسندگان نمی توانند به خود اجازه دهند که زیر دست اسطوره قرار گیرند، می گوید: «بله! این حقیقت است که نوشتن، ممکن است ایجاد اختلال کند، اما نیاز به گفتن حقیقت بر نویسنده چنگ می اندازد و او نمی تواند به خود اجازه دهد که به وسیله دیدگاهی غالب، تحت فشار قرار گیرد و از گفتن حقیقت سر باز زند.»

وولف معتقد است که خاطرات شخصیت هر فردی را پیش رویش می گذارد. وی با اشاره به اینکه خاطرات چیزهایی نیستند که به طور جمعی و با مشورت با دیگران، رخ داده باشند، از حقایقی سخن می گوید که در دل خاطرات مستترند. وی می افزاید: «نویسنده مسؤول داستانی است که در آن خاطره ای از خودش را بازسازی می کند. این کارکرد خاطره است و نه مستندسازی این گونه است و نه تاریخ نویسی. خاطره با مستندات و تاریخ متفاوت است؛ داستانی است که آن خاطره در مورد خود شما ساخته می شود و به شما می گوید که شما چه هستید. این با داستانی که به وسیله خاطرات دیگران ساخته می شود، متفاوت است.»

وولف در پاسخ به این پرسش که چگونه می فهمد داستانی تمام شده است؟ به اصل پایان ناپذیری داستان اشاره می کند و می گوید: «داستان ها همیشه می توانند تمام شوند یا ادامه پیدا کنند، درست مثل یک خیابان دراز که کوچه های فرعی زیادی دارد. اما نویسنده در جایی حس می کند که حتی نمی تواند یک کلمه به داستانش اضافه کند و در این صورت اضافه کردن یک کلمه حماقت است: «تمام کردن درست یک داستان، کاری واقعا عذاب آور و دشوار است. اگر کسی درست و دقیق به کارهای من نگاه کند از اینکه داستان هایم را به پایان می برم متعجب خواهد شد. گاهی خود من هم از این پایان ها تعجب می کنم، خیلی دشوار و سخت اند.»



## طنز جنگی

■ اکبر صحرایی، نویسنده

دو کتاب زیر چاپ دارم که احتمال زیاد تا ماه آینده منتشر می شوند. یکی کتابی با عنوان «معمای کانال ماهی» که یک داستان بلند در حدود چهل صفحه و قطع پالتویی با



درون مایه طنز است که برای مخاطب نوجوان و جوان نوشته شده. این کتاب که در حال حاضر در مرحله حروفچینی است توسط انتشارات علمی فرهنگی منتشر خواهد شد و نخستین داستان بلند دفاع مقدسی در این انتشارات است که به دو شخصیت جوان دوران جنگ و اتفاقاتی که در عملیات کربلای پنجم روی می دهد می پردازد.

کتاب دیگر «خیلی خیلی محرمانه» نام دارد و یک داستان دوپست و بیست صفحه‌ای است که به شیوه مستند داستانی، عملیات قدس سه در سال هزار و سیصد و شصت و چهار در منطقه دهلران را تشریح می کند، این کتاب را که انتشارات سریر منتشر خواهد کرد چاشنی بسیار اندکی از طنز دارد اما این طنز به گستردگی طنز کارهای قبلی ام نیست.

به طور کلی طنز نوعی ابزار در داستان‌های من به حساب می آید و اعتقاد شخصی من بر آن است که با استفاده از طنز می توان خوانندگان حوزه ادبیات داستانی جنگ را افزایش داد.

کار دیگری در مرحله ویرایش نهایی با عنوان «طنز چاشنی جنگ» در دست اقدام دارم. این کتاب برای مخاطب بزرگسال نوشته شده و دربرگیرنده ۳۰ داستان کوتاه دفاع مقدسی با جان مایه طنز است. نکته جالب در این مجموعه، ارتباط معنایی این ۳۰ داستان در کل مجموعه با حفظ استقلال هر یک از داستان هاست که آن ها را به هم متصل می کند. خواننده می تواند هر یک از داستان ها را به طور مجزا بخواند و در صورت تمایل در خوانش دوباره این داستان ها به دلیل تکرار شخصیت ها، مجموعه را به صورت رمان دریابد و لایه دوم کار را کشف کند. آخرین کاری که از من منتشر شد، چهل و هفت داستان کوتاه در سیصد و چهل صفحه با عنوان «آدم هم پوست می اندازد» بود که توسط نشر تکا روانه بازار کتاب شد.

داستان‌های این کتاب همگی نوشته‌های شش یا هفت سال اخیر من بودند که برخی از آن ها به صورت تک داستان در برخی نشریات یا کتاب ها منتشر شده بودند. شخصیت‌های دوران دفاع مقدس با چاشنی طنز در این داستان ها پرداخته شده‌اند.

## جهان قبل و بعد از ظهور

■ عباس استاد آقایی، پژوهشگر مسائل دینی

تا پایان امسال تألیف کتاب «از ظهور جهان تا جهان پس از ظهور» توسط انتشارات یاران مهدی در حدود هفتصد صفحه منتشر خواهد شد. حدود ده سال است که روی تألیف آن کار تحقیقی انجام داده‌ام.

این کتاب به چگونگی خلق آفرینش و عالم هستی می پردازد. سیر تکامل معنوی در عالم آخرت، عالم ارواح و عالم زر، زمینه سازی انبیا برای ظهور اسلام، ولایت در اسلام، چگونگی حکومت حضرت مهدی (عج) پس از ظهور و غیره، از جمله بخش های آن است.

در تألیف این کتاب که یک کار استدلالی است از

بسیاری منابع در این زمینه، تفاسیر مختلف سنی و شیعه و کتاب های اهل بیت استفاده کردم.

اخیرا چاپ دوازدهم کتاب «اسرار آفرینش اهل بیت(ع)» هم روانه کتاب فروشی ها شد، چاپ نخست آن در مرداد سال هشتاد و یک منتشر شده بود. دلیل موفقیت این کتاب را استدلال جاری در متن آن می دانم. این کتاب نیز توسط انتشارات یاران مهدی منتشر شده است.

## سفر نوشته‌هایی شعری

■ علی عبداللہی، شاعر و مترجم



حرفه اصلی من ترجمه از زبان آلمانی و نوشتن و ویراستاری است و هیچ شغل ثابت دیگری ندارم. برای همین، شمار ترجمه هایم از تالیفات بیشتر است. اما از آن جایی که

پیش و بیش از مترجمی شعر می گفتم و همچنان هم می گویم، اخیرا کتاب سوم خودم را به سفر نوشته‌ها و شعرهای بلند روانی ام اختصاص داده‌ام که عنوان آن «بادهای شناسنامه مرا بردند» و انتشارات شاملو در مشهد آن را منتشر کرده است. این مجموعه در برگیرنده سروده‌های بلند من از سال ۸۱ به بعد و هر شعر عنوان یک شهر را بر خود دارد که در صفحه منتشر شده است.

اخیرا کتاب دیگری با عنوان «لطفا کتاب هایم را نخوان!» شامل گزیده‌ای از نامه‌های نیچه به مادرش با مقدمه من در نشر ثالث منتشر شد. گردآورنده نامه‌ها «لوتار لوتکه هاوس» است که من آن را ترجمه کرده‌ام.

کتاب «خرده فرمایش‌های جناب پتر پانت» گزیده اشعار و داستان‌های طنز کورت توخولسکی است با انتخاب و ترجمه من توسط نشر افراز منتشر و روانه بازار کتاب شده است.

کتاب مفصل دو زبانه دیگرم با نام «در وقفه میان درختان: برف» در بردارنده صد سال شعر آلمانی زبان با پیشگفتاری مفصل، اخیرا توسط انتشارات انجمن شاعران منتشر شده. بیشتر شاعرانی که شعرشان در این مجموعه آورده شده در قید حیاتند و برای نخستین بار است که اشعار آنان به زبان فارسی برگردانده می شود.

این کتاب بخش دیگری با عنوان «چشم انداز ایرانی» دارد که دربردارنده شعر چند شاعر آلمانی ایرانی تبار، از جمله سیروس آتابای، تورج رهنما، فرهاد شوقی، علی غضنفری و فرهاد احمد خان است. این بخش نیز در این قالب برای نخستین بار به زبان فارسی ترجمه می شود.

همچنین چهارمین مجموعه شعرم با عنوان «درود بر نهنگ» شامل اشعار کوتاه، به زودی توسط انتشارات امرود منتشر خواهد شد.

## «دکتر دولیتل» تمام شد

■ محمد قصاب، مترجم و پژوهشگر

آخرین کتاب هایم شامل انتشار جلد دهم و یازدهم از مجموعه «دکتر دولیتل»، توسط انتشارات محراب قلم و رمان «راز» اثر استیفن کینگ توسط نشر افق است. مجموعه «دکتر دولیتل» یک مجموعه داستان دوازده جلدی کودک و نوجوان است که هر جلد آن یک عنوان فرعی دارد و جلد دوازدهم آن در حال حاضر در مرحله غلط گیری است.

استقبال از این مجموعه خیلی خوب بوده و پنج جلد ابتدایی آن به چاپ مجدد رسیده است.

ترجمه از از رمان «راز» اثر استیفن کینگ هم به پایان رسیده. این کتاب یک داستان برای بزرگسالان است که مانند سایر آثار کینگ، روان شناختی به حساب می آید و موضوع آن به زندگی و مشکلات خانوادگی و ابعاد پنهانی شخصیت اصلی داستان، که یک نویسنده است، می پردازد. نشر پیکان نیز کتابی با عنوان «رهبر سیصد و شصت درجه» را که به مفاهیم مدیریت

مرتبط می شود به تازگی از من منتشر کرده است. علت تنوع موضوعی کارهایم تنها علاقه شخصی است. یک مترجم زمانی به عنوان مترجم خوب و موفق شناخته می شود که علاوه بر علاقه به کارش، در زمینه‌های متنوع نیز فعالیت کند. بیشترین حجم کاری ام را ترجمه آثار ادبیات علمی، تخیلی و فانتزی تشکیل می دهد اما گاهی در زمینه ادبیات بزرگسال، ادبیات اندیشه و حتی آثار علمی نیز کارهایی انجام می دهم. در حال حاضر نیز تألیف کتابی در رابطه با ادبیات علمی، تخیلی را به پایان رسانده‌ام و به زودی برای چاپ به ناشر خواهیم سپرد البته ناشر آن را هنوز انتخاب نکرده‌ام.

در این کتاب به مباحث نظری در حوزه ادبیات علمی، تخیلی از جمله تاریخ، سیر تحول و رشد ادبیات علمی، تخیلی، مضامین داستانی در این زمینه، تعریف ادبیات علمی، تخیلی در ایران و سایر مسایل مربوط به این حوزه پرداخته‌ام. حدود ده سال پیش پژوهش در این زمینه را آغاز کردم و نوشتن آن به طور متمرکز سه تا چهار سال طول کشید.

## اقیانوس‌های مستطیل

■ محمد رضا سهرابی نژاد، شاعر



اخیرا مجموعه شعر سپید و نیمایی من راجع به دفاع مقدس توسط انتشارات «خورشید باران» با عنوان «اقیانوس های مستطیل» در صد و بیست و پنج صفحه و شامل صد و سی قطعه شعر منتشر شد. این مجموعه گزیده‌ای از اشعار مربوط به دفاع مقدس با مضامین تازه است که حرف های معترضان‌های به برخی از مسایل روز جامعه در لابه لای آن گنجانده شده.

از نظر محتوا، مخاطب اشعار این کتاب را در بخش های حماسه و رشادت، شهادت، جانبازی، اسارت و آزادی می بیند، شعرهایی درباره چوپان ساده‌ای که در جنگ بود یا رزمنده‌ای که در مراسم ختم خودش شرکت داشته، از جمله مضامین تازه این مجموعه شعرند. شاید بتوان گفت این مجموعه ادامه مجموعه قبلی ام با عنوان «وطنم ابراهیم» است، آن مجموعه، سال گذشته در جشنواره کتاب دفاع مقدس از میان سی و هشت اثر به عنوان برگزیده انتخاب شد.

عنوان کتاب را می توان به صفحات کتاب که به صورت مستطیل شکل است و در هر صفحه آن اقیانوسی از نوشته‌ها در مدح رشادت‌ها و دل‌آوری های رزمندگان دوران دفاع مقدس گنجانده شده تشبیه کرد، البته اصل این عنوان برگرفته است از قطعه شعر: «زمین جای شگفتی است/ و شگفت تر از آن بهشت زهر/ در مستطیل‌هایش نگاه کن/ چه اقیانوس هایی که خفته‌اند.»

کتاب دیگری که شامل مجموعه مثل‌های فارسی در قالب رباعی و دوبیتی است با عنوان «عجب دسته گلی بر آب دادی» آماده انتشار دارم اما هنوز ناشری برای چاپ آن انتخاب نشده است.

این کتاب حدود دویست دوبیتی و رباعی در مضامین سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، مذهبی، جنگ و طنز را در صد و چهل صفحه دربر دارد که سعی شده در هر یک از این قطعات یک یا دو ضرب‌المثل فارسی گنجانده شود.

## زندگی خیالی با جهان آرا

■ سهیلا عبدالحسینی، نویسنده

تا پایان تابستان امسال آخرین کتابم که داستانی ۶۰ صفحه‌ای با نام «مردی که سایه نداشت» است توسط انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر خواهد شد. داستان درباره زندگی شهید جهان آرا و از زبان شخصی خیالی است که پا به پای جهان آرا دوران جنگ را می گذراند و شاهد فداکاری‌ها، رشادت‌ها و در نهایت شهادت جهان آراست.

## یادداشت

فریدون چندی  
شاهنامه پژوه



## چند و چون ویرایش شاهنامه



حمدالله مستوفی هشت سده پیش، با اشاره به دستبرد نسخه‌برداران از شاهنامه فردوسی می گوید: چه بحری؟ همه پاک در خوشاب/ ولیکن تبه گشته از روزگار/ از سهو نویسندگان، سربسر/ نبوده

کسی را به تفتیح آن/ شده از روانی او آب، آب/ چو تخلیظ رفته؛ در او، بيشمار/ شده پاک، آن نامه زیر و زبر/ هوایی شده نامه، شوریده زان/ لطفعلی خان آذر در تذکره آشکده و داعی الاسلام، در پیشگفتار فرهنگ نظام نیز هریک، این سخن را به گونه‌ای دیگر گفته‌اند و در این چند سده، هیچ کس در ایران نبوده است که «شاهنامه» را از آرایش‌ها بپیراید.

این پیداست که پس از چاپ نخستین نمونه‌های شاهنامه در هندوستان، در ایران نیز شاهنامه‌ای چند به چاپ رسیده است و از این میان تنها شاهنامه چاپ تبریز به کوشش عسگر اردوبادی است که با نگرش به هفت نمونه شاهنامه چاپ شده، شاهنامه‌ای فراهم آمده.

چون لزوم نگرش شاهنامه فردوسی فرهنگیان را برانگیخت، دو نمونه دیگر در جهان با نگرش به شماری بیشتر از شاهنامه‌های خطی جهان پدید آمد؛ «شاهنامه چاپ مسکو» و «شاهنامه جلال خاقلی مطلق» در آلمان و آمریکا، که نمونه‌های اخیر، بابر خورداری از شماری درخور نگرش از شاهنامه‌های جهان پدیدار شد. اما دیدگاهی که بر کار بزرگ خاقلی مطلق فرمان می راند، آن است که از نمونه‌ها، هر سخن را که شمار بیشتری دارد، آن را از شاهنامه بپندارند و دیگر نمونه‌ها را در زیرنویس آورند و چنین دیدگاه اروپایی درست نمی نماید. با این حال، کار بزرگ وی یآوری بس شایسته برای ویرایش من به‌شمار می رود.

چون نگارنده در سال ۱۳۵۵ این خویشکاری را برای خود برگزیدم، پی بردم که بایستی سنجه (معیار)های درست برای سنجش گفتار فردوسی برگزید که با داوری آن سنجه‌ها از میان نمونه‌های در دست، یک سخن را که در دست می نماید برگزید و از آنجا که شاهنامه فردوسی آینه تمام‌نمای تاریخ و خردایرانی است، در این گزینش می باید که به همه نمودهای فرهنگ و زندگی و تاریخ ایران نگریست و از آنها یاری جست. سنجه‌ها را بدین سان برگزیدم: زبان اوستایی، زبان پهلوی، داد و آیین زبان فارسی، دانستن زبان تازی، دانستن راز و رمز هادر سروده‌های فارسی، فرهنگ ایران باستان، کیش‌های ایران باستان، ستاره شناسی، تاریخ ایران و جهان باستان، باستان شناسی که در برخی موارد به یاری گزینش گفتار درست می آید، جغرافی جهان باستان، مردم شناسی ایرانی، پزشکی، شناخت اسب، شناخت گوسفند و دام، شناخت جنگ افزارها، آیین نبرد، آرایش میدان، سپه‌کشی، زمان نبرد، پوشش و آرایش، چه در بزم چه در رزم، آگاهی‌های همگانی از شیوه زندگی در ایران، میزان و سنجش خرد در برگزیدن گفتارها و با چنین گزینش‌ها، شاهنامه را ویرایش کردم.

اما بایستی بیفزایم که از شاهنامه‌ها یک «حرف» را نزوده‌ام و نیز یک «و» را نیفزوده‌ام، مگر آن که هر جا که بایسته می نمود، در زیرنویس، دیدگاه خویش را آورده‌ام. در چاپ آن نیز، گفتارهای فردوسی با حروف درشت و گفتارهای افزوده را با حروف ریز به چاپ رسانده‌ام تا خواننده خود گفتارهای درست فردوسی را با خواندن حروف درشت به هم پیوندد و گفتارهای افزوده نیز هر یک در پانوئیس گزارش شده است که چرا آن را نباید از گفتار فردوسی شمرند؛ تا داوری ایرانیان فریخته و فرهمند درباره این ویرایش چه باشد.